



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

مرکز پژوهش‌های اسلامی، اقتصاد و مدیریت

آغاز پیدای

ویژگی‌نامه‌های ایم با انرژی خردگان

محمد تقی احمد پور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز بیداری : ویژه نامه قیام پانزده خرداد

نویسنده:

محمدنقی احمدپور

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	آغاز بیداری : ویژه نامه قیام پانزده خرداد
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۲	دیباجه
۱۵	پیش گفتار
۱۷	فصل اول: زمینه ها و علل قیام ۱۵ خرداد
۱۷	اشاره
۱۸	الف) زمینه های آغاز قیام ۱۵ خرداد
۱۸	اشاره
۱۸	۱. اصلاحات ارضی
۲۴	۲. لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی
۲۷	۳. رفراندوم
۳۱	۴. حمله به مدرسه فیضیه
۳۴	۵. دستگیری امام خمینی رحمه الله
۳۶	ب) علل آغاز قیام ۱۵ خرداد
۳۶	اشاره
۳۶	۱. استبداد
۳۸	۲. تلاش رژیم برای دین زدایی
۴۰	۳. رواج فساد و بی بند و باری
۴۲	۴. برقراری رابطه با اسرائیل
۴۵	۵. وابستگی به بیگانگان
۴۷	۶. رشد بیداری و آگاهی مردم
۵۰	فصل دوم: هدف های قیام ۱۵ خرداد

۵۰	اشاره
۵۰	۱. اصلاح جامعه
۵۱	۲. حاکمیت اسلام
۵۳	۳. سرتگونی حاکمیت طاغوت
۵۵	فصل سوم: ابعاد گوناگون قیام ۱۵ خرداد
۵۵	اشاره
۵۵	۱. آغاز محرم خونین ۱۳۴۲ ه. ش
۵۹	۲. راه پیمایی دهم محرم
۶۲	۳. راه پیمایی یازدهم محرم
۶۴	۴. سخنرانی تاریخی حضرت امام خمینی رحمه الله
۶۷	۵. دستگیری امام خمینی رحمه الله
۷۰	۶. قیام مردم قم
۷۲	۷. حضور گسترده بانوان در قیام
۷۲	۸. یورش وحشیانه رژیم به قم
۷۶	۹. تهران خونین
۷۹	۱۱. کشتار مردم ورامین
۸۱	۱۲. اعلام حکومت نظامی
۸۲	۱۳. کشتار مردم در ۱۶ خرداد
۸۳	۱۴. قیام در دیگر شهرستان ها
۸۵	۱۵. دروغ پراکنی و وارونه جلوه دادن واقعیت ها
۸۹	فصل چهارم: ویژگی های قیام ۱۵ خرداد
۸۹	اشاره
۸۹	۱. دینی بودن
۹۱	۲. مردمی و خودجوش بودن
۹۳	۳. رهبری شایسته و توانمند
۹۵	۴. همه جانبه بودن

۹۷	۵. استقلال فکری
۹۹	۶. استبداد و استعمارستیزی
۱۰۳	فصل پنجم: نقش نیروها و گروه های مبارز در قیام ۱۵ خرداد
۱۰۳	اشاره
۱۰۴	۱. روحانیان
۱۰۶	۲. دانشگاهیان
۱۰۸	۳. بازاریان
۱۰۹	۴. دیگر گروه های مردمی
۱۱۰	۵. روشن فکران
۱۱۰	اشاره
۱۱۱	الف) ملی گراها و روشن فکران غیر مذهبی
۱۱۲	ب) رویکرد روشن فکران مذهبی
۱۱۳	۶. جمعیت های مؤتلفه اسلامی
۱۱۴	۷. نهضت آزادی
۱۱۶	۸. جبهه ملی
۱۱۸	۹. حزب توده
۱۲۰	۱۰. حزب زحمتکشان
۱۲۲	۱۱. دیگر گروه ها
۱۲۳	فصل ششم: واکنش های خارجی به قیام ۱۵ خرداد
۱۲۳	اشاره
۱۲۴	۱. امریکا
۱۲۷	۲. انگلستان
۱۲۸	۳. اتحاد جماهیر شوروی (سابق)
۱۳۰	۴. فرانسه
۱۳۱	۵. آلمان
۱۳۲	۶. عراق

۱۳۵	۷. مصر
۱۳۹	فصل هفتم: دستاوردهای قیام ۱۵ خرداد
۱۳۹	اشاره
۱۳۹	۱. شکست ابهت شاه
۱۴۱	۲. آشکار شدن ماهیت ضد دینی رژیم
۱۴۳	۳. از دست رفتن وجهه ملی شاه
۱۴۵	۴. تزلزل در پایه های رژیم
۱۴۶	۵. پایه ریزی حکومت اسلامی
۱۴۷	۶. پویایی دانشگاه ها
۱۴۸	۷. سیاسی شدن حوزه ها
۱۵۰	۸. پیوند حوزه و دانشگاه
۱۵۲	۹. تشکیل گروه های سازمان یافته
۱۵۳	۱۰. توجه احزاب به نیروهای مردمی
۱۵۴	۱۱. معرفی قیام در خارج از مرزها
۱۵۴	۱۲. تجلی پیوند دین و سیاست
۱۵۵	۱۳. مرجعیت و رهبری بی مانند امام خمینی رحمه الله
۱۵۹	فصل هشتم: آسیب شناسی قیام ۱۵ خرداد
۱۵۹	اشاره
۱۶۰	۱. سازمان نیافتگی و بی برنامه‌گی
۱۶۱	۲. نداشتن نتیجه زودرس
۱۶۲	۳. ناآگاهی مردم در دیگر شهرها
۱۶۳	۴. نبود وسایل ارتباط جمعی
۱۶۴	۵. کمبود نیروهای آموزش دیده
۱۶۴	۶. نبود هماهنگی و هم سوئی در نیروهای انقلابی
۱۶۶	۷. عوامل و نیروهای خارجی
۱۶۸	فصل نهم: قیام ۱۵ خرداد در سخنان بزرگان

۱۷۵	فصل دهم: برگزیده ادب فارسی
۱۷۵	اشاره
۱۷۵	الف) اشعار
۱۷۵	اشاره
۱۷۵	خون هایی که می جوشند!
۱۸۱	عاشورا آفرین قرن
۱۸۶	خرداد پیروزی
۱۸۹	ب) متن ادبی
۱۹۲	فصل یازدهم: همراه با برنامه سازان
۱۹۲	اشاره
۱۹۲	پیشنهادهای کلی
۱۹۳	الگوهای برنامه سازی
۱۹۴	پرسش های مسابقه ای
۱۹۶	پرسش های مردمی
۱۹۷	پرسش های کارشناسی
۱۹۹	معرفی کتاب
۱۹۹	مجله ها
۲۰۰	کتاب نامه
۲۰۰	الف) کتاب
۲۰۱	ب) نشریه ها
۲۰۴	درباره مرکز

آغاز بیداری: ویژه نامه قیام پانزده خرداد

مشخصات کتاب

سرشناسه: احمدپور، محمدنقی

عنوان و نام پدیدآور: آغاز بیداری: ویژه نامه قیام پانزده خرداد/محمدنقی احمدپور؛ تهیه کننده مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری: [۴، ۱۶۹] ص.

فروست: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۷۶۳

شابک: ۱۰۰۰۰ ریال ۹۶۴-۷۸۰۸-۹۳-۳

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۶۵] - ۱۶۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: ویژه نامه قیام پانزده خرداد.

موضوع: قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲.

موضوع: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷ -- جنبشها و قیامها.

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی. استان قم.

رده بندی کنگره: DSR۱۵۳۳/الف ۶۳ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۰۱۶۰

ص: ۱

اشاره

دیباچه

قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ قیامی تأثیرگذار در تاریخ سیاسی ایران و جهان اسلام بود که با ماهیت اسلامی و مردمی شکل گرفت. این قیام نقطه عطفی در حرکت های مردمی به شمار می رود که زمینه ساز پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی در ایران گردید. مهم ترین ویژگی این قیام، رهبری حکیمانه مرجعیت شیعه، حضرت امام خمینی رحمه الله بود که با درایت و شجاعت بی نظیری در صحنه حضور یافت.

امام خمینی رحمه الله در رأس رهبری این حرکت پویا، دیگر مراجع شیعه را نیز همراه خود به میدان مبارزه آورد. بستر این قیام زمانی هموار شد که رژیم شاه برای اجرای نقشه امریکایی «انقلاب سفید» در بهمن ماه ۱۳۴۱ دست به کار شد. در مقابل، قم و دیگر شهرهای ایران به پا خاستند و به رهبری امام خمینی رحمه الله، قلب استبداد و استعمار را نشانه گرفتند. اعلامیه امام خمینی رحمه الله در مخالفت با انقلاب سفید شاه نخستین ضربه سهمگین را بر پیکر پوسیده استبداد شاهنشاهی وارد ساخت. این در حالی بود که علما و روحانیون و فعالان سیاسی دستگیر و روانه زندان می شدند و رژیم هرگونه ندای آزادی خواهی را خاموش می کرد. بدین گونه بود که فاجعه خونین مدرسه فیضیه در دوم فروردین ۱۳۴۲ در سالروز شهادت امام صادق علیه السلام به دست دژخیمان شاه رخ داد.

با فرا رسیدن محرم آن سال (خردادماه ۱۳۴۲) شور حسینی مردم، آنان را برای آفریدن عاشورایی دیگر آماده ساخت. امام خمینی رحمه الله در عصر عاشورا (۱۳ خرداد) آشکارا تمام بدبختی های ایران را برآمده از سیاست های ضد دینی رژیم شاه دانست.

این خطابه دل نشین که از شور حسینی برخاسته بود، خشم رژیم پهلوی را برانگیخت و به دستگیری رهبر قیام در نیمه شب ۱۵ خرداد انجامید. با انتشار خبر دستگیری امام در سراسر ایران، خروش زنان و مردان مسلمان در آسمان کشور طنین افکند و تظاهرات سیل آسای مردم در قم، تهران و دیگر شهرها با شعار «مرگ بر شاه»، کاخ ستم شاهی را به لرزه درآورد. دژخیمان پهلوی، بی رحمانه، به مردم هجوم آوردند و سروهای تناور انقلاب به دشنه خون آشامان پهلوی، بر سنگفرش خیابان ها به خون غنودند.

پژوهش حاضر تلاشی هر چند اندک برای تبیین و تحلیل درست قیام ۱۵ خرداد است که با هدف بهره برداری در برنامه های صدا و سیما تهیه شده است. با سپاس از پژوهشگر ارجمند، جناب آقای محمدنقی احمدپور که در تهیه این اثر ما را یاری دادند، امید است برنامه سازان و تهیه کنندگان محترم با بهره گیری از آن اثر، مردم فهیم به ویژه نسل جوان را هر چه بهتر و بیش تر با تاریخ انقلاب اسلامی آشنا سازند.

اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

قیام خونین پانزده خرداد سال ۱۳۴۲، نتیجه استبداد‌گری‌ها و دین‌ستیزی‌های حکومت استبدادی پهلوی بود که برای بقای تاج و تخت خویش و ادامه سلطه استعماری اربابان امپریالیستی‌اش بر ایران، به انقلاب‌ننگین و به اصطلاح «سفیدی» دست زد که برای نابودی ارزش‌ها و باورهای دینی و افزایش وابستگی اقتصادی ایران، برنامه‌ریزی شده بود؛ حکومتی که برای خشنودی اربابان خارجی خود، به کشتار عمومی دست زد و خون پاک بیش از پانزده هزار تن از مردمان این سرزمین را بر زمین ریخت تا هر چه بیش‌تر روی «انقلاب سفید» را با تبه‌کاری‌هایش سیاه‌تر کند!

قیام خونین سال ۴۲، جنبش مردان و زنان عاشورایی بود که بر اساس باورها و ارزش‌های اصیل اسلامی و آموزه‌های عاشورای حسینی و به پیروی از مرجعیت دینی، پایه‌های حکومت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی را به لرزه درآورد و اساس حکومت اسلامی را پی‌ریزی کرد.

این نهضت که با شرکت همه گروه‌های مردمی شکل گرفت، چنان گسترده بود که خواب از چشمان استبداد داخلی و استعمار خارجی ربود و به دلیل ماهیت اسلامی و ضد استعماری‌اش، تمام قدرت‌های بزرگ شرق و غرب، برای سرکوبی آن به اتحاد نامقدس دست زدند تا با پشتیبانی از حکومت ستمگر شاهنشاهی، ادامه سلطه استعماری خویش را بر ملت ایران تحکیم بخشند.

به همین دلیل، شاه مأموریت یافت تا با تمام توان و با به کارگیری استراتژی قهرآمیز نظامی، قیام اسلامی ملت ایران را سرکوب کند. رژیم شاه با انجام این مأموریت، بیش از پیش چهره ضد دینی و ضد ملی و نوکری خود به بیگانگان را بر همگان آشکار ساخت، ولی با همه خشونت‌هایی که رژیم در سرکوبی قیام مردم نشان داد، نهضت تاریخی مردم دستاوردهای مهمی داشت که مهم‌ترین آن، پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ بود. بنابراین، بررسی و شناخت دقیق ریشه‌ها و پی‌آمدهای این قیام که به عنوان سرچشمه انقلاب اسلامی شمرده می‌شود، ضروری است. ما در این نوشتار برآنیم تا در حد توان به این مهم پردازیم. امید است این تلاش ناچیز زوایایی هرچند اندک از این نهضت بزرگ را آشکارتر سازد.

فصل اول: زمینه ها و علل قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل اول: زمینه ها و علل قیام ۱۵ خرداد

ریشه های قیام اسلامی پانزده خرداد را باید در عملکردهای ضد دینی شاه جست و جو کرد که در قالب «اصلاحات» و با نام «انقلاب سفید» انجام می پذیرفت و البته به دستور امپریالیسم جهان و برای حفظ منافع خود در ایران بود.

وقتی جان. اف. کِدی در امریکا روی کار آمد (۱۹۶۱ م.)، سیاست استعماری این کشور برای نجات کشورهای زیر سلطه تغییر کرد. در آن زمان، جنبش های استقلال طلب و ضد استعماری در سراسر جهان در حال شکل گیری بود. بنابراین، کاخ سفید به این نتیجه رسیده بود که دیگر به زور سرنیزه و قدرت نظامی نمی توان بر ملت ها حکومت کرد و آن ها را زیر سلطه نگه داشت. از این رو، امریکا برای این که بتواند منافع خود را در کشورهای مستعمره حفظ کند، به این فکر افتاد که در آن کشورها یک سری اصلاحاتی انجام دهد و در مردم حالت «امیدواری» از بهبودی اوضاع ایجاد کند. (۱)

پیرو این سیاست استعمار نوین، ایران نیز در برنامه کاری سیاست مداران کاخ سفید قرار گرفت. امریکا در ایران منافع زیادی داشت و حاضر نبود به راحتی این کشور بزرگ و استراتژیک در منطقه و جهان را از دست بدهد. بنابراین، شاه از سوی امریکا مأموریت یافت تا در ایران اصلاحاتی انجام دهد

۱- سید حمید روحانی زیارتی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، دفتر انتشارات اسلامی، آذر ماه ۱۳۶۱، چ ۲، ج ۱، ص ۱۱۹.

و بدین بهانه از جنبش ها و قیام های مردمی جلوگیری کند، ولی آغاز اصلاحات در ایران، واکنش شدید مردم و رهبران دینی آنان را در پی داشت که سرانجام به قیام ۱۵ خرداد انجامید. در این فصل، عوامل زمینه ساز این نهضت را که سبب خیزش مردم شد، در دو بحث زمینه ها و علل قیام بررسی خواهیم کرد.

الف) زمینه های آغاز قیام ۱۵ خرداد

اشاره

الف) زمینه های آغاز قیام ۱۵ خرداد

زیر فصل ها

۱. اصلاحات ارضی

۲. لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی

۳. رفراندوم

۴. حمله به مدرسه فیضیه

۵. دستگیری امام خمینی رحمه الله

۱. اصلاحات ارضی

۱. اصلاحات ارضی

نخستین اصل اصلاحات پیشنهادی امریکا که در ایران به نام «انقلاب سفید» مطرح شد، «اصلاحات ارضی» بود. اجرای این اصل، ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران را به طور کلی دگرگون می کرد. در آن زمان، در ساختار اجتماعی ایران دو طبقه قدرتمند وجود داشت که با سیاست های شاه و امریکا هم سو نبودند. بنابراین، لازم بود این ساختار دگرگون می شد تا هیچ مانعی بر سر راه عملکردهای شاه قرار نگیرد.

اولین گروه، روحانیان بودند که به دلیل نفوذ در میان توده های مردمی و داشتن پایگاه مردمی و شرکت فعال در فعالیت های سیاسی و اجتماعی، مانع بزرگ عملکردهای شاه بودند. طبقه دوم، فئودال ها و خاندان های اشرافی و زمین داران بزرگ ایران بودند. (۱) از این رو، شاه می کوشید با انجام دگرگونی ها در ساختار جامعه، قدرت این گروه ها را در هم بشکند. این دگرگون های در چارچوب انقلاب سفید شاه خلاصه می شد که یکی از اصول آن، اصلاحات ارضی بود. با انجام انقلاب سفید قرار بود موازین سنتی و پایگاه

۱- علی باقری، خاطرات ۱۵ خرداد، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر هفتم، چ ۱، ۱۳۷۸، صص ۱۳ و ۱۴.

سیاسی و اجتماعی مالکان و کشاورزان از میان برود.

گفتنی است که انجام نخستین اصل از اصول انقلاب سفید، منافع فئودال ها و سرمایه دارهای بزرگ وابسته به شاه را به خطر می انداخت. بنابراین، شاه برای انجام اصلاحات ارضی چندان تمایلی نشان نمی داد، ولی چون امریکا برای حفظ منافع خویش در ایران و گسترش سلطه بر این کشور، در پی انجام اصلاحات پیشنهادی خود به هر راه ممکن بود، بر شاه فشار آورد تا اصلاحات را عملی کند و تا آخرین مرحله آن را پی گیرد. سرانجام با فشار دولت امریکا، شاه لایحه ناقصی را به مجلس فرمایشی برد، ولی چون شرایط اجرای آن فراهم نبود، متوقف ماند.

این نیرنگ بازی و سر باز زدن شاه از انجام دستورهای امریکا، مقام های کاخ سفید را به واکنش شدیدی وا داشت و دولت امریکا در پایان سال ۱۳۳۹ ه. ش، در پیام شدید اللحنی از شاه خواست دکتر علی امینی را به نخست وزیری برگزیند تا اصلاحات امریکایی (انقلاب سفید) به دست او اجرا شود. بنابراین، علی امینی در ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ ه. ش وارد عرصه سیاست ایران شد و توانست با وعده و وعید به مردم، و سخنانی های فریبنده حالت «امیدواری کاذبی» را که خواست اربابان امریکایی بود، به وجود آورد.

از سوی دیگر، شوروی در آن زمان می کوشید از ناخشنودی مردم علیه شاه بهره گیرد و «انقلاب سرخ» را در ایران اجرا کند. از این رو، امریکا برای جلوگیری از نفوذ شوروی در ایران، بر انجام انقلاب سفید پافشاری می کرد.^(۱)

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ص ۱۲۲.

در تاریخ ۱۹ دی ماه ۱۳۴۰ ه. ش، علی امینی با شتاب هر چه بیش تر دست به کار شد و قانون اصلاحات ارضی را با هدف نابودی کشاورزی ایران و خشنودی کاخ سفید در هیأت دولت، به تصویب رساند. به موجب این قانون، باید زمین های کشاورزی از مالکان بزرگ خریداری می شد و در مدت ده سال، بهای آن پرداخت می گردید و با اقساط ۵۰ ساله به زارعان و دهقانان محروم واگذار می گشت. هم چنین هر گونه صدای مخالف با آن و هر گونه ندای آزادی بخش در سطح کشور باید سرکوب می گردید، چنان که تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران در بهمن ماه همان سال به شدت سرکوب شد.

در پی تصویب قانون «اصلاحات ارضی»، روزنامه ها و رسانه های غربی وابسته به امپریالیسم جهانی، هم صدا به تحسین عملکرد شاه پرداختند و آن را برای آینده ایران امیدبخش معرفی کردند. مقام های غربی با ابراز خشنودی از انجام اصلاحات در ایران، لحظه به لحظه دگرگونی های جامعه ایران را دنبال می کردند. روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۴۱ ه. ش می نویسد:

مقامات امریکایی، شاهنشاه را به خاطر برنامه اصلاحات ارضی که تحت هدایت شان (امریکایی ها) اجرا می شود، می ستایند. یک مقام عالی رتبه امریکایی که با اوضاع ایران آشنایی فراوان دارد، اظهار داشته است اصلاحاتی که در حال حاضر در ایران جریان دارد و برنامه سخت گیری مالی و اقتصادی که به منظور نجات کشور اجرا می شود، مشتمل بر همان سیاستی است که از نظر پرزیدنت کندی بسیار درست و مترقی است... مقامات رسمی واشنگتن مخصوصاً به برنامه اصلاحات ارضی ایران که به وسیله آن قدرت طبقه ملاکین بزرگ و صاحب نفوذ قدیم درهم شکسته می شود، با نهایت دقت [می نگرند] و از این که با اجرای اصلاحات، طبقه بزرگ دهقانان ایران، به صورت یک طبقه

جدید و مرفه اجتماعی درمی آیند، بسیار خرسند هستند. (۱)

چستر پاولز - مشاور ویژه کندی - که برای بررسی چگونگی اجرای اصلاحات به ایران سفر کرده بود، در مصاحبه های مطبوعاتی خود با ابراز خوش حالی از اصلاحات، به تهدید غیر مستقیم شاه پرداخت و گفت کمک های نظامی و اقتصادی امریکا تنها به کشورهایی داده می شود که اصلاحات مورد نظر امریکا را انجام دهند. پس از آن، دولت ایران برای انجام انقلاب سفید امریکا مصمم تر شد. علی امینی در اجتماع کارگران و کارفرمایان کارخانه ها، با عادی توصیف کردن اوضاع کشور و امید بخش خواندن آن گفت:

... این دولت یک انقلاب سفید را از نظر مصلحت مردم ضروری تشخیص داده و دنبال آن است. تقاضای من از آقایان این است که در دسرها را زیاد نکنند. (۲)

دولت امریکا برای اجرای کامل اصلاحات امریکایی با نام «انقلاب سفید»، شاه را احضار کرد تا از نزدیک روش های اجرای برنامه های امریکایی را در ایران به او یاد دهد و در عوض، به شاه اطمینان داد که کمک های نظامی و اقتصادی خود را به ایران افزایش خواهد داد. شاه، علی امینی را رقیب تازه ای در برابر خود می دید که در صورت سرپیچی از دستورهای اربابانش، ممکن بود جانشین وی شود. از این رو، به امریکا تعهد داد که اصلاحات امریکا را

۱- روزنامه اطلاعات، ۲۶ بهمن ۱۳۴۰.

۲- روزنامه اطلاعات، ۲۱ بهمن ۱۳۴۰.

کاملاً اجرا کند. و در مقابل، امریکا نیز پذیرفت که علی امینی از صحنه سیاسی کنار گذاشته شود. شاه پس از بازگشت، علی امینی را کنار گذاشت و اسدالله علم را که مورد اطمینان خودش بود، به نخست وزیری برگزید.

امریکا پس از اصلاحات ارضی، لازم دید که برای اجرای کامل برنامه های خود در قالب انقلاب سفید، رژیم ایران باید جاسوس های خود را در قالب سپاه دانش، سپاه بهداشت، سپاه ترویج آبادانی و... به روستاها بفرستد تا با امیدوار کردن مردم به آینده اصلاحات، از نفوذ اندیشه های انقلابی و آگاهی بخش به روستاها جلوگیری کنند.^(۱) رژیم به خوبی می دانست که اجرای انقلاب سفید و اصلاحات امریکایی با مخالفت هایی در میان گروه های مردمی روبه رو خواهد شد. شاه از احزاب و گروه های سیاسی چندان احساس خطر نمی کرد؛ زیرا در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فعالیت چندانی از سوی آن ها انجام نگرفته بود، ولی قدرت و نفوذ علما را در جریان ملی شدن صنعت نفت لمس کرده بود و از گسترش مخالفت عالمان دینی و مراجع تقلید نگران بود. از این رو، برای ارزیابی میزان قدرت آن ها و اطلاع از پایگاه مردمی آن ها لازم بود حادثه ای رخ دهد تا مبارزان و مخالفان به میدان آیند و قدرت خود را نشان دهند. رژیم قصد داشت با ارزیابی قدرت آن ها، از سطح اندیشه های آنان نیز آگاهی یابد و راه های سرکوبی و اغفال مردم و چگونگی انجام انقلاب سفید خود را بررسی کند. بنابراین، ماجرای «انجمن های ایالتی و ولایتی» را پیش

۱- بررسی و تحلیلی نهضت امام خمینی رحمه الله، ص ۱۲۹.

۲. لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی

۲. لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی

در ۱۶ مهر ماه ۱۳۴۱، دولت علم در حالی که مجلس شورا و سنا تعطیل بود، لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی را در هیأت دولت به تصویب رساند. به موجب این لایحه، قید اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف و به جای سوگند به قرآن، سوگند به کتاب آسمانی گنجانده شد. هم چنین زنان از حق رأی برخوردار شدند.^(۱)

رژیم از این اقدام ضد اسلامی، اهداف گوناگونی را دنبال می کرد که یکی از آن ها، ارزیابی نیروها و گروه های سیاسی و مذهبی و آگاهی از میزان قدرت آن ها بود. دیگر این که زمینه را برای دستبرد زدن به قانون اساسی فراهم کند تا موادهای قانونی را که مانع اجرای برنامه های هیأت حاکم بود، تغییر دهد. هم چنین رژیم می خواست با تجاوز به ساحت قرآن و از میان بردن مبانی مذهبی، زمینه را برای فعالیت اقلیت های مذهبی به ویژه یهودیان و بهائیان که عوامل جاسوسی صهیونیسم در ایران بودند، فراهم کند. از سوی دیگر، در این مصوبه، به زنان حق رأی داده شد. این در حالی بود که مردم ایران از بسیاری حقوق اولیه و اساسی خود محروم بودند و عامل اصلی عقب ماندگی ایران و از میان رفتن حقوق زن و مرد، سیاست های نابخردانه خود شاه بود. شاه می خواست به اسم آزادی زنان و دادن حق رأی به آنان، نیمی از جمعیت

۱- محمد ایمانی، مؤلفه تاریخی مدنیت ولایتی در ایران، تهران، کیهان، ۱۳۷۹، ص ۲۵۷.

کشور را همراه خود کند. به ویژه این که این موضوع همراه با اهانت به قرآن و مذهب مردم صورت می گرفت. رژیم با این حرکت می خواست زنان را در مقابل مبارزات مذهبی قرار دهد. این در حالی بود که تکلیف صندوق های رأی با آرای دروغین و کاندیداهای هیأت حاکمه و ساواک از پیش مشخص شده بود. (۱)

با ابلاغ لایحه ضد اسلامی یاد شده، مردم و گروه های مذهبی و سیاسی واکنش تنیدی نشان دادند. از جمله این گروه ها و احزاب، نهضت آزادی بود که در پی اعتراض عالمان دینی، با صدور اعلامیه ای در محکومیت لایحه دولت، از مبارزه روحانیت پشتیبانی کرد. همان گونه که رژیم پیش بینی می کرد، روحانیان بزرگ ترین مانع بودند که نمی گذاشتند حکومت پهلوی با خیال راحت، برنامه های خویش را اجرا کند. علما و روحانیان و مراجع قم، اولین جلسه سیاسی خود را در منزل آیت الله حائری تشکیل دادند و اعلامیه ای در محکومیت عملکردهای دولت صادر کردند. امام خمینی رحمه الله در این جلسه، با توضیح و روشن کردن توطئه های استعمار، خطر صهیونیسم را به آنان و مردم مسلمان کشور گوشزد کرد و آشکارا فرمود:

هر کس سکوت کند، در پیشگاه خداوند قاهر مسئول است و در این عالم، محکوم به زوال. هر چه مخالف دین و قرآن باشد، ولو قانون اساسی، ولو التزامات بین المللی باشد، ما با آن مخالفیم. (۲)

۱- علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام، ج ۴، ص ۱۴۱.

۲- هفته نامه پیام انقلاب، سپاه پاسداران، شماره ۶۰، ۲۲ خرداد ۱۳۶۱، صص ۳۵ - ۳۶.

هم چنین امام خمینی رحمه الله در سخنرانی تاریخی خود که در دوم ذیحجه ۱۳۸۳ ه. ق بیان کرد، درباره دادن حق رأی به زنان فرمود:

ما با ترقی زنان مخالف نیستیم. ما با این فحشا مخالفیم. با این کارهای غلط مخالفیم. مگر مردها در این مملکت آزادی دارند که زن ها داشته باشند؟! مگر آزادی زنان و آزادی مرد با لفظ درست می شود. (۱)

روحانیت که به رهبری امام خمینی رحمه الله، به طور جدی به مخالفت با عملکردهای رژیم برخاست. البته تغییر در قانون اساسی نشانگر ارتجاع دولت بود که فکر می کرد هنوز می شود در پشت درهای بسته برای مردم قانون نوشت و اجرا کرد. در واقع، این کار دولت توهین به اصول مشروطیت نیز بود که سبب شد ملی گراها نیز اعتراض کنند (۲) و به صف مخالفان بپیوندند. افزون بر آن، توهین به دین و مقدسات مذهبی، برای عموم مردم تحمل پذیر نبود. بنابراین، روحانیت مبارزه خویش را وارد مرحله جدیدی کرد. در مرحله نخست، روحانیت با ارسال تلگرافی، با آن لایحه ضد اسلامی و ضد قانونی مخالفت کردند و خواستار لغو آن شدند، ولی دولت علم به اخطار علما چندان توجهی نکرد و خواست بدین طریق آن ها را ناتوان و کوچک شمارد. امام با درایتی که داشت، در نامه ای، عالمان و روحانیان دیگر شهرها را نیز از متن آن مصوبه، آگاه کرد و مردم را به مبارزه فرا خواند و فرمود:

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ص ۱۴۵.

۲- نهضت آزادی در این باره اعلامیه ای صادر کرد و با حمایت از حرکت روحانیان، عملکرد دولت را محکوم کرد. نک:

بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ص ۱۸۴.

هرکس سکوت کند، در پیشگاه خداوند مسئول است و در این جهان محکوم به زوال.

با انتشار این خبر در میان توده ها، جنب و جوش، سراسر ایران را فرا گرفت. رژیم وقتی اوضاع کشور را آشفته دید، با روسیاهی تمام در ۱۷ آذرماه ۴۱، آن لایحه ننگین را لغو کرد و با خواری تمام عقب نشست، ولی امام و روحانیت به خوبی می دانستند که این عقب نشینی تاکتیکی است و رژیم در فرصت مناسب به علما و اسلام ضربه خواهد زد. این حقیقت به زودی آشکار شد و رژیم تحت فشار دولت امریکا به برگزاری همه پرسی برای اصلاحات در کشور اقدام کرد.

۳. رفراندوم

۳. رفراندوم

با تهدیدها و اعمال فشار امریکا، سرانجام شاه تصمیم گرفت اصلاحات پیشنهادی امریکا را در ایران اجرا کند. در آن شرایط، مجلس منحل شده بود و شاه به وسیله دولت دست نشانده اسدالله علم قانون وضع می کرد و ملت نیز محکوم به پیروی از آن بودند. برای این که عملکردهای آن ها چشم گیر جلوه کند، نابودی کشور و گسترش سلطه امپریالیسم را «انقلاب سفید» نام نهادند و برای این که در مجامع بین المللی عملکرد آن ها دموکراتیک و آزادانه وانمود شود، به رفراندوم روی آوردند، ولی از آن جا که رفراندوم در ایران پیشینه خوبی نداشت (در زمان مصدق، دولت به سبب انجام رفراندوم مورد تعقیب قانونی قرار گرفته بود)، نام آن را «تصویب ملی» گذاشتند. شاه که خود را یکه تاز میدان سیاست ایران می دانست، در سخنرانی ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱، طرح ابتکاری خویش را چنین اعلام کرد:

اصولی که من به عنوان پادشاه مملکت و رئیس قوای سه گانه، به آرای عمومی

می گذارم و بدون واسطه و مستقیماً رأی ملت ایران را در استقرار آن تقاضا می کنم، به شرح ذیل است:

۱. الغای رژیم ارباب و رعیتی یا تصویب اصلاحات ارضی ایران، بر اساس لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۹ دی ماه ۴۰ و ملحقات آن؛ (این لایحه که اولین اصل انقلاب سفید شاه بود، در زمان دولت علی امینی به تصویب رسیده بود).

۲. تصویب لایحه قانون ملی کردن جنگل ها در سراسر کشور؛

۳. تصویب لایحه قانون فروش سهام کارخانجات دولتی به عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی؛

۴. تصویب لایحه قانون سهام کردن کارگران در منافع کارگاه های تولیدی و صنعتی؛

۵. لایحه اصلاحی قانون انتخابات؛

۶. لایحه ایجاد سپاه دانش به منظور اجرای تعلیمات عمومی و اجباری. (۱)

با اعلام خبر اصول شش گانه شاه، خبرگزاری های غربی با تبلیغات گسترده، به حمایت از عملکردهای شاه برخاستند و پیش بینی کردند که اکثریت مردم ایران در این همه پرسشی شرکت خواهند کرد. وضع سیاسی کشور بسیار حساس بود. احزاب و گروه های سیاسی که مخالف رژیم بودند، به آشفتگی و سردرگمی افتاده بودند. آن ها در بعضی موارد، به عملکردهای اصلاحی شاه خوش بین بودند، ولی از خوی استبدادگر رژیم وحشت داشتند و نمی توانستند تصمیم درستی بگیرند. سرانجام آن ها موضع خود را با ساخت شعار «اصلاحات آری! دیکتاتوری نه!» اعلام کردند. این شعار حتی وابستگان آن گروه ها را نیز قانع نمی کرد؛ چون رفراندوم تنها یک جواب داشت؛ آری یا نه.

۱- سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱، ج ۲، صص ۱۰ و ۱۱.

از این رو، نمی شد به پرسشی که تنها یک جواب داشت، هم جواب مثبت و هم جواب منفی داد.

روحانیت پس از بررسی اصول پیشنهادی شاه، به مخالفت برخاستند و با فرستادن نماینده خود، آیت الله روح الله کمالوند مخالفت خویش را به آگاهی شاه رساندند. شاه در پاسخ به مراجع گفت که ماندگاری رژیم او به انجام اصلاحات بستگی دارد و اگر او به این کار دست نزند، دیگران اصلاحات را انجام خواهند داد و اگر آنان سر کار بیایند، مسجد و محراب را بر سر علما خراب خواهند کرد. سپس به علما اطمینان داده که اگر با رفراندوم پیشنهادی وی موافقت کنند، همه خواسته های آن ها را برآورده خواهد کرد.

با مخالفت علما، مردم نیز به مراجع روی آوردند تا فعالیت ها و تصمیم هایشان با مراجع تقلید و رهبران دینی هم سو باشد. برای مثال، امام خمینی رحمه الله در پاسخ به پرسش گروهی از مردم تهران، دلیل مخالفت علما و روحانیون را این گونه عنوان کرد:

در قوانین ایران رفراندوم پیش بینی نشده است و قبلاً عده ای به خاطر انجام این کار مورد تعقیب قرار گرفته اند؛ چرا آن موقع غیر قانونی بود، اکنون قانونی شده است؟! باید صلاحیت فرد یا افرادی را که رفراندوم برگزار می کنند، قانون مشخص کند. هم چنین در کشورهایی که رفراندوم قانونی است، مردم فرصت کافی برای بحث و تبادل نظر دارند؛ نه این که به طور مبهم و با چند روز فاصله کوتاه به مردم ابلاغ شود. دیگر این که بیش تر مردم ایران به غیر از شهرهای مرکزی با معنی آن آشنایی ندارند. (۱)

امام و مراجع بر آن بودند که رأی گیری باید در محیط آزاد و به دور از تهدید و تطمیع صورت گیرد، در حالی که رفراندوم شاه برای سرپوش گذاشتن بر روی خفقان و استبداد بود و می خواست به دست خود مردم، استبداد را قانونی جلوه دهد. با پخش اعلامیه امام خمینی رحمه الله مبنی بر تحریم رفراندوم، مردم تهران و دیگر شهرستان ها پشت سر علما به حرکت درآمدند و با شعار «رفراندوم قلابی، مخالف اسلام است»، به راه پیمایی پرداختند. بازار چند روز تعطیل شد و راه پیمایی کنندگان با پلیس درگیر شدند. در این راه پیمایی، تقریباً همه گروه های مردم، دانشجویان، روحانیان، کارگران، کشاورزان، بازاریان و... شرکت داشتند. که نشانگر آگاهی آنان از توطئه ها و دسیسه های پشت پرده اصلاحات فرمایشی بود. (۱)

شاه در چهارم بهمن ماه، پیش از انجام همه پرسسی، به قم رفت تا به مردم نشان دهد که علما با شاه مخالف نیستند، ولی در قم هیچ گونه استقبالی از شاه به عمل نیامد. از این رو، شاه خشمگین شد و در سخنانش، روحانیان را «ارتجاع سیاه و مفت خور و کسانی» خواند «که مغزشان سال هاست تکان نخورده» و اعلام کرد «روحانیون صد برابر خاین تر از حزب توده» هستند. (۲)

با همه مخالفت های مردمی رفراندوم در ۶ بهمن ۱۳۴۱ انجام گرفت، ولی علما آن را تحریم کردند. بیش تر مردم در رأی گیری شرکت نداشتند، ولی

۱- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۳.

۲- روزنامه های اطلاعات و کیهان، ۴ بهمن ۱۳۴۱.

رسانه های داخلی و خارجی وابسته به غرب، حضور مردم در پای صندوق های رأی را بی مانند و شورانگیز توصیف کردند و اعلام کردند اصول پیشنهادی شاهنشاه با پنج میلیون و ششصد هزار رأی موافق در مقابل چهار هزار و صد و پنجاه رأی مخالف به تصویب ملی رسید. کندی و ملکه انگلستان عملکردهای شاه را ستودند و این پیروزی را به وی تبریک گفتند.

ماه رمضان که فرا رسید، علما و روحانیون از رفتن به مسجدها و منبرها سر باز زدند. به دنبال آن، وضع فوق العاده ای در کشور به وجود آمد، ولی شاه توانست به وسیله سازش با شماری از عالمان معتدل، این اعتصاب را بشکند. پس از آن، شاه در یک سخنرانی، دین را از سیاست جدا دانست و راه رسیدن به پیشرفت را کنار گذاشتن مذهب از تمام شئون زندگی برشمرد و عنوان کرد:

انقلاب بزرگ ملی ما بدون خون ریزی، با کمال سرعت پیشروی می کند. (۱)

امام با در نظر گرفتن سخنان شاه و دولت به طلاب فرمود:

خود را آماده کنید برای کشته شدن، زندان رفتن، سربازی رفتن، ضرب و شتم و اهانت، برای تحمل مصائبی که در راه دفاع از اسلام و استقلال برای شما در پیش است. خود را آماده کنید و استقامت نمایید.

امام با این سخنان، نهضت و مبارزه را وارد مرحله تازه ای کرد. رژیم نیز پس از آن، برای رویارویی با روحانیت تصمیم جدی گرفت.

۴. حمله به مدرسه فیضیه

۴. حمله به مدرسه فیضیه

با فرا رسیدن نوروز سال ۱۳۴۲ ه. ش، مردم مسلمان ایران به قم و زیارت

حرم حضرت معصومه علیهاالسلام آمده بودند تا هنگام مراسم تحویل سال در مکان مقدسی حضور یابند و با توجه به اوضاع سیاسی کشور، از نزدیک با مراجع و روحانیان در تماس باشند.

امام خمینی رحمه الله در یک تصمیم شجاعانه، عید آن سال را عزای عمومی اعلام کرد و با برشمردن جنایت های رژیم و نقشه ها و دسیسه های دستگاه حاکمه، از جمله وابسته کردن ایران به امریکا و اسرائیل، فاسد کردن جامعه از راه اعزام دختران به خدمت نظامی اجباری و اهانت رژیم به قرآن، اسلام و روحانیت، خواستار کناره گیری دولت از قدرت شد. اگر امام در سخنان پیشین به دولت حمله ور شده بود، این بار خود دستگاه حاکمه را عامل همه جنایت ها و خیانت ها معرفی کرد و شجاعانه به مبارزه رو در رو با رژیم استبدادی شاه برخاست.

دستگاه حاکمه و ساواک که گمان می کرد هرگونه ندای آزادی خواه و مخالف را سرکوب کرده است، ناگهان متوجه شد که مخالفت ها و مبارزه روحانیت، ریشه دارتر از آن است که آن ها فکر می کردند. آنان دیدند که حتی مراسم جشن های ملی نیز به مراسم و گردهم آیی های مخالفت با رژیم تبدیل شده است و آتش این نهضت و مبارزه رفته رفته شعله و رتر می شود. بنابراین، تصمیم گرفتند این شعله را از سرچشمه خاموش کنند؛ یعنی روحانیت را برای همیشه سرکوب سازند و چنین عنوان کنند که کارگران و دهقانان به روحانیانی که مخالف اصلاحات بودند، حمله کرده اند. هم چنین تصمیم گرفتند در سراسر جهان تبلیغ کنند که هر گروه و هر کسی که در برابر انقلاب سفید شاه قرار گیرد، از میان خواهد رفت.

بر اساس همین بررسی ها، عناصر ساواک در لباس کارگران و دهقانان با اتوبوس های شرکت واحد به قم آمدند و در پی آن ها، کامیون های نظامی وارد شهر شدند(۱) و به محاصره نقاط حساس پرداختند. در عصر روز دوم فروردین برابر با ۲۵ شوال ۱۳۸۲ ه. ق که سالروز شهادت امام جعفر صادق علیه السلام بود، مراسم سوگواری در مدرسه فیضیه برگزار شد و یکی از روحانیان به افشاگری علیه رژیم و ذکر مصیبت های امام صادق علیه السلام پرداخت. عناصر رژیم که در مجلس نفوذ کرده بودند، با فرستادن صلوات های بی جا اوضاع را آشفته کردند و مراسم سخنرانی را به هم ریختند. درگیری میان دهقان نماها و طلاب و مردم در گرفت و نظامیان رژیم که مدرسه را محاصره کرده بودند، به طلاب حمله ور شدند مزدوران شاه با به آتش کشیدن کتاب ها و حجره های طلبه ها، شماری از آنان را از طبقه های بالای مدرسه به پایین انداختند و برخی را زخمی و ده ها نفر را نیز شهید کردند. فیضیه به خاک و خون کشیده شد و سنگر مبارزه روحانیت به اشغال رژیم درآمد.

خبر جنایت ها و وحشی گری های رژیم، در سراسر ایران حتی در روستاهای دورافتاده گزارش شد و رسوایی بزرگی برای رژیم در نخستین مراحل انقلاب سفید به بار آورد. امام خمینی رحمه الله با درک درست و تحلیل دقیق رویدادها، این رفتار وحشیانه را پیروزی برای نهضت برشمرد و با صدور اعلامیه ای، مبارزه ملت علیه شاه را وارد مرحله جدید کرد؛ در حالی که در این زمان، به علت شدت

۱- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۲۵.

وحشی گری های رژیم حتی برخی از علما به تقیّه روی آورده و از پیروزی ناامید شده بودند. امام در این اعلامیه، فتوای تاریخی خویش را با این مضمون اعلام کرد:

تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب (ولو بلغ مابلغ) ... من اکنون قلب خود را برای سرنیزه های مأمورین شما حاضر کرده ام، ولی برای قبولی زورگویی ها و خضوع در مقابل جباری های شما حاضر نخواهم کرد. (۱)

فتوای تاریخی امام مؤثرترین و روشن ترین دستوری بود که همه مردم به ویژه روحانیت را به جنبش و پویایی وا داشت. امام در این فتوا، تسلیم و فکر عقب نشینی را مردود دانست و آشکارا اعلام کرد که ما آماده شهادتیم.

۵. دستگیری امام خمینی رحمه الله

۵. دستگیری امام خمینی رحمه الله

امام خمینی رحمه الله که از سال ۱۳۴۱ و در پی انقلاب سفید شاه، فعالیت های سیاسی و ضد استبدادی خود را به صورت برنامه ریزی شده آغاز کرده بود، با سخنرانی ها و افشاگری های خود به نهضت روحانیت و مبارزه مردم جان تازه می بخشید. ایشان رفته رفته با بیانی کوبنده تر و شدیدتر، سرانجام خود شاه را عامل همه بدبختی ها به مردم معرفی کرد. آن حضرت با وارد کردن به نهضت مرحله جدید و با حمله مستقیم به شاه، راه چاره و نجات را در سرنگونی رژیم شاهنشاهی می دانست. با فرا رسیدن محرم ۵۸۲ ه. ق که با خردادماه ۴۲ ه. ش برابر بود، امام این ماه تاریخ ساز را برای آغاز نهضت اسلامی خویش مناسب دید و به علما و روحانیان پیغام داد که در مسجدها و منبرها به افشاگری جنایت های رژیم پردازند و مردم را از خطرهایی که متوجه اسلام است و

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، صص ۳۷۲ و ۳۷۳.

قرآن و روحانیت را هدف قرار داده است، آگاه کنند. ایشان بزرگ‌ترین خطر جهان اسلام را صهیونیسم معرفی کرد و از رابطه پنهان رژیم با اسرائیل و دشمنان اسلام، پرده برداشت.

در پی افشاگری‌های امام، راه پیمایی‌های سراسری به راه افتاد و مردم در یک خیزش همگانی که همه گروه‌های مردمی در آن شرکت داشتند، پایه‌های رژیم را به لرزه درآوردند و برای اولین بار، شعار «مرگ بر شاه» در آسمان سراسر کشور طنین انداخت. رژیم نیز با بهره‌گیری از نیروی نظامی به کشتار مردم پرداخت تا انقلاب سفید خود را با خون مردم رنگین کند.

با شدت یافتن اعتراض‌های مردمی، رژیم تنها راه حفظ منافع امریکا و سرکوبی قیام مردم را دستگیری رهبری نهضت دانست. از این رو، در پی آن برآمد تا به هر صورت ممکن و برای همیشه، به مبارزات مردم پایان دهد. بنابراین، نیروهای امنیتی در شب ۱۵ خرداد ۴۲ به منزل امام یورش آوردند و در تاریکی شب، رهبر مردم را دستگیر کردند و به تهران بردند.

صبح آن روز خبر دستگیری امام در سراسر کشور پیچید. مردم مسلمان که از شنیدن خبر دستگیری مرجع خود خشمگین شده بودند، به خیابان‌ها ریختند و فریاد «یا مرگ یا خمینی» سر دادند. مردم در این حرکت انقلابی نشان دادند که پشت سر رهبری شان، محکم و استوار ایستاده‌اند و نهضت و مبارزه آن‌ها، از ایمان و باور قلبی شان سرچشمه می‌گیرد.

دستگیری امام، آخرین جرقه‌ای بود که آتش خشم مردم را شعله‌ور ساخت و با طلوع ۱۵ خرداد، سراسر ایران را فرا گرفت. برای مردم مسلمان ایران تحمل پذیر نبود که مرجع و رهبر آنان در زندان حاکمان ستمگر گرفتار آمده

باشد؛ زیرا علاقه مردم به رهبرشان که بر اساس ایمان مذهبی و باورهای اسلامی بود، در هیچ شرایطی کم نمی شد. مردم در آن شرایط زمانی به جز امام خمینی رحمه الله به کس دیگری که بتواند کشور را از دست استبداد رهایی بخشد، امیدی نداشتند. بنابراین، خواستار آزادی بی قید و شرط رهبرشان شدند.

(ب) علل آغاز قیام ۱۵ خرداد

اشاره

(ب) علل آغاز قیام ۱۵ خرداد

زیر فصل ها

۱. استبداد

۲. تلاش رژیم برای دین زدایی

۳. رواج فساد و بی بند و باری

۴. برقراری رابطه با اسرائیل

۵. وابستگی به بیگانگان

۶. رشد بیداری و آگاهی مردم

۱. استبداد

۱. استبداد

حکومت های استبدادی بر اساس خفقان، ستم و استعمار توده ها و به بهای زنجیر کردن آزادگان و شکستن قلم ها برپا می شود. حکومت پادشاهی ایران نمونه بارز حکومت های استبدادی و پادشاهی بود که دوامش بر تباهی و غفلت و بیچارگی و رنج مردم می افزود. این رژیم استبدادی برای این که بیش تر به غارتگری بپردازد، خیانت ها و چپاول های خود را زیر لوای انقلاب سفید و اصلاحات پنهان می کرد تا از جنبش های آزادی بخش جلوگیری کند. چپاول گری های رژیم استبدادی شاه، از دلایل مهمی بود که مردم مسلمان و آزاده ایران را علیه رژیم ستم شاهی به خیزش وا داشت و به صف مبارزه کشاند.

محافل و رسانه های داخلی و خارجی وابسته به غرب و شرق نیز دلیل مبارزات دینی و ضد استبدادی مردم را به مخالفان اصلاحات ارضی و حق رأی به زنان و انقلاب سفید شاه نسبت می دادند. آن چه مسلم است این که همه این ها زمینه ساز

حرکت گسترده مردمی در ۱۵ خرداد شد، ولی ساده نگری است که تمام علت ها را یکسره به آن موارد نسبت دهیم و از علت اصلی غافل

شویم. اگر این احساس در مردم نبود که ستم و بی عدالتی از اندازه فراتر رفته است، بعید به نظر می رسد که اعتراض های به آن گسترده گی، علیه رژیم شکل بگیرد. (۱)

سخن را در این زمینه با سخنان امام خمینی رحمه الله که رهبری این نهضت بزرگ را برعهده داشت، ادامه می دهیم. ایشان خطاب به سفیر شوروی در ایران، علت قیام مردم ایران بر ضد حکومت پهلوی را چنین بیان می کند:

ما در طول پنجاه و چند ساله سلطنت غیر قانونی پهلوی، مصیبت های زیادی دیدیم. ما تحت فشار این آدم، محمدرضا و پدرش، صدمات زیادی دیدیم. ملت ما از همه آزادی ها محروم بود. کشور ما از استقلال صحیح محروم بود. ملت ما از این مظالم به جان آمد و قیام کرد. (۲)

۲. تلاش رژیم برای دین زدایی

۲. تلاش رژیم برای دین زدایی

مهم ترین جنبه هویتی و فرهنگی مردم ایران، ویژگی های اخلاقی و باورهای اسلامی آن است. ایرانیان قرن هاست که اسلام را به عنوان زیر بنای تمدن و زندگانی خویش پذیرفته اند و آثار درخشانی پدید آورده و به شکوفایی رسیده اند.

امریکا پس از کودتای ۲۸ مرداد که بر این کشور تسلط یافت، فرهنگ و میراث ملی ایرانیان و مهم تر از آن، فرهنگ اسلامی و مذهب آنان را بزرگ ترین سد در برابر عملکردهای استعماری خویش یافت. بنابراین، تصمیم گرفت ملت

۱- محمدعلی کاتوزیان همایون و دیگران، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، برگردان: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۷۳.

۲- صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۱۱۴.

ایران را از فرهنگ و مذهب و ارزش‌ها تهی کند و فرهنگ غربی را جایگزین آن سازد یا سنت‌ها و آداب و رسوم را که مخالف ارزش‌های اسلامی است، ترویج دهد. بر همین اساس، شاه مأموریت یافت مدرنیزاسیون غربی را در ایران رواج دهد. (۱)

باری، رژیم مأموریت یافت برای از میان بردن دین و ارزش‌های اسلامی، به اقدام‌های فوری دست بزند. برجسته‌ترین حرکت ضد دینی آنان، تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود که در آن، اسلام و قرآن از راه قانونی از صحنه سیاسی کشور حذف می‌شد. آنان مبارزه شدیدی را علیه روحانیت که همیشه سدّ راه حرکت‌های استعماری بود، آغاز کردند. بر همین اساس، جدایی دین از سیاست را ترویج کردند تا مردم دین‌مدار و روحانیان را از اعتراض به عملکرد رژیم باز دارند و مخالفان خود را با برچسب مرتجع و کهنه پرست از فعالیت‌های اجتماعی کنار بگذارند. «سپاه دانش» یکی از شیوه‌هایی بود که رژیم برای تضعیف روحانیت و روشن‌فکران دینی و از میان بردن مبانی دینی و اعتقادی مردم به راه انداخت که از طریق آن، عناصر وابسته به خود را در لباس روحانیت و مبلغ دینی و فرهنگی به مسجدها و مدارس رهسپار می‌کرد تا با ارایه دین تحریف شده و مسخ شده، روحیه ستم‌ستیزی و استعمارستیزی ملت را از میان ببرد. حتی پس از درگذشت آیت‌الله العظمی بروجردی، شاه در یک اقدام مغرضانه، پیام تسلیتی به آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم در عراق

فرستاد تا مرجعیت شیعه را به آن کشور انتقال دهد و پایگاه روحانیت را در ایران تضعیف کند.

۳. رواج فساد و بی بند و باری

۳. رواج فساد و بی بند و باری

یکی دیگر از راه‌هایی که رژیم برای از میان بردن مبانی دینی و ارزش‌های اسلامی در پیش گرفت، رواج فساد و بی بند و باری در میان جوانان جامعه بود.

رژیم برای خشکاندن ریشه مذهب و دیانت در ایران که بزرگ‌ترین مانع سیاست‌های استعماری و استبدادی در طول تاریخ کشور بود، بهترین و مؤثرترین راه را گسترش فساد و بی بند و باری در جامعه می‌دید. برای اجرای این سیاست پلید، رژیم به سفارش امریکا، روی دو قشر از جامعه ایران سرمایه‌گذاری می‌کرد و این دو قشر را برای این کار مناسب می‌دید: یکی، قشر جوان و دیگری، بانوان ایرانی.

قشر جوان به دلیل گرایش‌ها، انگیزه‌ها و جوش و خروشی که دارد، عامل خوبی برای پذیرش فرهنگ مصرفی و انحرافی غرب است. از این رو، با ایجاد مراکز تفریحی و خوش‌گذرانی، جوانان را به فساد و تباهی کشیدند. هم‌چنین برای قشر زنان برنامه‌های ویژه‌ای طرح‌ریزی کردند. رژیم در این فکر بود که افزون بر استفاده از نیروی ارزان زنان در کارهای اداری و اقتصادی، به وسیله این گروه می‌تواند ارزش‌های غربی را زودتر در جامعه نهادینه کند. چون زنان افزون بر این که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، کانون تربیت و پرورش فرزندان و نسل آینده کشور بودند و تغییر رفتار و اخلاق و پوشش این گروه، در حقیقت، دگرگونی ساختار کلی ارزش‌های جامعه را در پی داشت. آن‌ها به خوبی می‌دانستند که روابط زن و مرد در ایران بر اساس

معیارها و ارزش های اسلامی استوار است و باید همه آن ها دگرگون شوند تا مدرنیزاسیون غربی به هدف خود برسد. (۱)

رژیم از مدیران نهادها و سازمان ها و کارخانه ها می خواست تا در مراسم ها و جشن ها همراه زنان بی حجاب خود شرکت کنند. شاه در این فکر خام بود که هم رنگ و هم شکل غربی ها شدن، نشانه پیشرفت و رسیدن به دروازه های تمدن بزرگ و مدرن است!

الگوی مردان ایران، پیشوایان معصوم علیهم السلام و الگوی زنان مسلمان ایرانی نیز فاطمه زهرا علیهاالسلام و زینب کبری علیهاالسلام بودند، ولی ارزش ها و الگوهایی که رژیم معرفی می کرد، هنرپیشگان هالیوودی و زنان غربی بودند. در نتیجه، جامعه ایران در آن روز گرفتار بحران هویتی شدیدی شده بود و تضاد مدرنیزاسیون شاه و امریکا با اسلام و باورهای پیشین، در فعالیت های سیاسی - اقتصادی و روابط زن و مرد و خانواده و حتی در روح و شخصیت افراد، تأثیر ژرفی گذاشته بود، به گونه ای که درگیری های عصبی و اختلال های روانی بسیاری را پدید آورده بود. بنابراین، مردم در انتظار جرقه ای بودند تا هویت از دست رفته خویش را باز یابند و این امر، با خیزش همگانی مردم در ۱۵ خرداد رخ داد و مردم توانستند ارزش ها و الگوهایی را که با روح و رفتار آن ها در تضاد بود، کنار بگذارند. امام خمینی رحمه الله در سخنرانی شان در تاریخ ۱۸/۱۱/۶۲ یکی از علل قیام مردم را رواج فساد در جامعه می داند و می فرماید:

... (محمدرضا) جوان های ما را فاسد کرد. مراکز فحشا در این کشور این قدر زیاد بود که احصا نداشت. مراکز فساد این قدر بود که جوان های ما را به فساد

کشاند. خود آن ها عامل فروش هرویین، تریاک و مواد مخدر بودند. کاری کردند که ملت ما به جان آمد و خدای تبارک و تعالی بر این ملت منت گذاشت و قیام کردند. (۱)

۴. برقراری رابطه با اسرائیل

۴. برقراری رابطه با اسرائیل

از دیگر عواملی که روند نهضت مردم را سرعت بخشید، گسترش رابطه تنگاتنگ رژیم پهلوی با اسرائیل بود. ایران از جمله کشورهای بود که به پیروی از سیاست های امریکا در سال ۱۳۳۹ ه. ش، رژیم اسرائیل را به رسمیت شناخت و در پی آن، روابط ایران با مصر قطع شد. (۲)

ایران و اسرائیل روابط اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی نزدیکی داشتند، هرچند این روابط در سطح وزارت خانه ها و از طریق سفیر نبود و به اصطلاح «دوفاکتو» بود؛ یعنی ایران به پیروی از سیاست های امریکا، اسرائیل را به صورت محدود و موقت به رسمیت شناخته بود. اسرائیل در ایران، «آژانس یهود» را که یک سازمان یهودی بود و انتقال یهودیان به اسرائیل را بر عهده داشت، دایر کرد. دولت سوئیس نیز حافظ منافع ایران در اسرائیل بود (۳) و در سفارت آن کشور، دفتری به نام «دفتر حفظ منافع ایران در اسرائیل» فعالیت می کرد. بسیاری از افسران ارتش و مأموران ساواک (سازمان جاسوسی شاه) به اسرائیل رهسپار می شدند تا آموزش های نظامی و تجربه های اطلاعاتی لازم را

۱- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۲۰.

۲- اقتصاد سیاسی ایران، ج ۲، ص ۴۱۱.

۳- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۶۸.

در آن جا بیاموزند. هم چنین شمار زیادی از مأموران اطلاعاتی سازمان جاسوسی اسرائیل «موساد» در ایران، به آموزش مأموران ساواک مشغول بودند، ولی رژیم به سبب جنگ های اعراب با اسرائیل و به دلیل احساسات ضد اسراییلی در داخل کشور، در آن زمان، جرأت آشکار کردن روابط خود با اسرائیل را نداشت.

از نظر اقتصادی نیز ایران و اسرائیل روابط نزدیکی داشتند. ایران با وجود تحریم نفتی اعراب علیه اسرائیل، اصلی ترین تأمین کننده نفت آن کشور بود. بسیاری از کارشناسان کشاورزی آن کشور در ایران، طرح های کشاورزی را هدایت می کردند و فرآورده های کشاورزی آن کشور به صورت انبوه وارد ایران می شد و به فروش می رسید. (۱)

هم چنین از لحاظ فرهنگی، اسرائیل در ایران نفوذ زیادی داشت، به گونه ای که رژیم جشن های ۲۵۰۰ ساله را که در حقیقت یک جشن یهودی بود، در ایران برگزار کرد. یهودیان قصد داشتند به مناسبت آزادی قوم یهود به دست کوروش و بازگشت قوم یهود به اورشلیم جشن بگیرند. شاه ایران نیز در این زمینه، پیش قدم شد!

رئیس انجمن شهر اورشلیم در مدت زمان برگزاری این جشن ها، در جلسه ای با یهودیان شیراز گفت:

من از طرف فرد ملت اسرائیل، به رهبر و ملت ایران سلام می گویم و خوش حالم که جشن ۲۵۰۰ ساله

۱- محمدحسن رجیبی، زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله از آغاز هجرت به پاریس، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، چ ۱، ص ۲۴۶.

به دست رهبر خردمند و عالی قدر ایران برگزار شد. (۱)

با توجه به آن چه گفته شد، می توان به میزان نفوذ اسرائیل در ایران پی برد؛ این در حالی است که به باور کارشناسان مسلمان، پدیده صهیونیسم بزرگ ترین خطر برای جهان اسلام است.

در دهه ۳۰ خورشیدی، گروهی از آوارگان فلسطینی در مناطق مختلف ایران پناهنده بودند و مردم مسلمان ایران از طریق آنان با جنایت هایی که اسرائیل در فلسطین انجام می داد، آشنا می شدند. از این رو، احساسات ضد اسرائیلی در ایران گسترش می یافت. افزون بر آن، مراجع تقلید و در رأس آن ها امام، با افشاگری هایشان، از توطئه های اسرائیل در ایران برای نابودی فرهنگ و مذهب این کشور، پرده برمی داشتند و خطر اسرائیل را به گوش مردم می رساندند. در اعلامیه جامعه روحانیت ایران که در خرداد ماه سال ۴۲ منتشر شد، آمده است:

بهایان که دلالت اسرائیل در مملکت هستند، در دستگاه های حساس مملکت رخنه کرده و روز به روز نفوذ آن ها در تمام قسمت ها مخصوصا دستگاه های تبلیغاتی و حتی هیأت دولت زیادتر می گردد. این اقدامات به قدری زننده و رسواست که دولت های اسلامی، دولت ایران را دلالت اسرائیل و محله ایرانیان در بعضی از کشورهای عربی را منطقه اسرائیل معرفی می کنند. روحانیت هرگز نمی تواند این ننگ بزرگ را برای مسلمانان ایران بپذیرد و نفوذ عمال

۱- مؤلفه های مدنیت ولایی در ایران، ص ۲۶۴، برگرفته از: برنامه کامل جشن های ۲۵۰۰ ساله بنیاد شاهنشاهی ایران، انتشارات دبیرخانه مرکزی جشن ها، ص ۱۸۳.

صهیونیسم و دلالت آن‌ها یعنی بهایان را در مملکت خود تحمل کند. (۱)

بنابراین، رابطه شاه با یک کشور ضد اسلامی، احساسات مردم را به شدت جریحه دار کرده بود و بر خشم آنان می‌افزود.

۵. وابستگی به بیگانگان

۵. وابستگی به بیگانگان

پس از جنگ جهانی دوم که میان بلوک غرب و شرق صف آرای می‌شد، ایران به دلیل موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خود در منطقه و داشتن منابع غنی نفتی، مورد توجه آمریکا قرار گرفت. آمریکا برای گسترش و تحکیم سلطه خود در ایران باید در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران دگرگونی‌های اساسی پدید می‌آورد. بنابراین، شاه بر اجرای اصلاحات امریکایی در ایران پافشاری می‌کرد تا از هر جهت، ایران را به غرب و آمریکا وابسته کند.

وابستگی ایران به آمریکا به اندازه‌ای بود که آمریکا آشکارا شاه را تهدید می‌کرد که در صورت سرپیچی از دستورهای آنان، کاخ سفید می‌تواند مهره دیگری را روی کار بیاورد، همان‌گونه که علی‌امینی را برای مدتی در صحنه سیاسی کشور به عنوان رقیب شاه روی کار آوردند و زمینه نگرانی شاه را فراهم کردند.

در زمینه فرهنگی نیز بسیاری از دانشجویان ایران در آمریکا درس می‌خواندند و پس از پایان تحصیلاتشان، یا در آن کشور ماندگار می‌شدند یا ارزش‌ها و فرهنگ غربی را با خود به ارمغان می‌آوردند و بعضی از آن‌ها به مهره‌های غرب در ایران و دنباله‌رو سیاست‌های آنان تبدیل می‌شدند. همه

مسایل جاسوسی امریکا در ایران در قالب روابط اقتصادی و نظامی صورت می گرفت و شاه در انجام کوچک ترین کارهای کشور با آنان مشورت می کرد و راهنمایی می خواست. (۱) هم چنین بودجه نظامی کشور سالانه افزایش چشم گیری داشت و هر سال سلاح ها و تجهیزات نظامی امریکا به همراه مستشاران نظامی این کشور، وارد ایران می شد.

والتر لپین، مفسر سیاسی و روزنامه نگار امریکایی در این زمینه می گوید:

دلیل اصلی پشتیبانی ما از ایران، اهمیت استراتژیک این کشور در یک جنگ جهانی نیست، بلکه هدف استقرار حکومت شاه است تا موافق ما باشد و در شمار دوستان باوفای ما قرار بگیرد. (۲)

نظامیان امریکایی که در ایران بودند، به طور مستقیم در عملیات ژاندارمری، پلیس و دیگر سازمان های نظامی ایرانی که کار اصلی آن ها سرکوبی هرگونه مخالفت با شاه و حفظ نظام شاهنشاهی بود، فعالانه شرکت می جستند. دوام شاه به حضور این مستشاران امریکایی بستگی داشت و از این رو، شاه هرگونه امتیازی را به آن ها می داد. به ویژه این که به شدت تحت فشار امریکا بود تا اصلاحات را پیش ببرد. در این راستا، پیشنهاد امتیاز کاپیتولاسیون (۳) که در اسفند

۱- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۷۶.

۲- احمد فاروقی و لوریه ژان، ایران بر ضد شاه، برگردان: مهدی نراقی، ۱۳۵۸، ص ۱۱۴.

۳- به موجب این قرارداد، شهروندان دولت های استعماری پس از ورود به کشورهای مستعمره، تحت حاکمیت دولت متبوع خویش باقی می ماندند و دولت زیر سلطه به هیچ وجه حق محاکمه و تعقیب افراد خطا کار دولت استعماری را نداشت.

ماه ۱۳۴۰ از سوی سفارت امریکا به دولت ایران داده شده بود، در ۱۳ مهر ماه ۱۳۴۲ بدون سر و صدا در دولت عَلم تصویب شد و سپس در ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳، در زمان نخست وزیری حسنعلی منصور به مجلس رفت و به تصویب شورای ملی رسید. این امر بزرگ ترین ننگ و روسیاهی را برای ایران و شاه در پی داشت. (۱)

عملکردهای شاه که استقلال مملکت را پایمال کرده بود و ایران را دو دستی به دامان امپریالیسم غرب و صهیونیسم جهانی سپرده بود، با مخالفت شدید علما و مراجع روبه رو شد. مردم آزادی خواه ایران نیز از ننگ پذیرش سلطه سر باز زدند و در یک خیزش سراسری، به استعمار داخلی و خارجی «نه» گفتند.

۶. رشد بیداری و آگاهی مردم

۶. رشد بیداری و آگاهی مردم

از دلایل مهمی که سبب شد قیام مردمی ۱۵ خرداد شکل بگیرد، بالا رفتن آگاهی ها و اطلاعات سیاسی _ اجتماعی مردم از اوضاع کشور و سیاست های جهانی بود. این رشد آگاهی هم زمان با فعالیت های آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی آغاز شده بود. ایشان با طرح مسأله شهادت، کسانی را که در برابر استبداد و استعمار به مبارزه برمی خاستند و کشته می شدند، شهید نامید و جایگاه شهید را برای مردم تبیین کرد.

از جمله کارهایی که بر سطح آگاهی مردم می افزود، دخالت علما و روحانیان در سیاست بود. با توجه به ارتباط روحانیان با مردم، خیلی زود مسایل به گوش مردم می رسید و آن ها از سیاست های دولت باخبر می شدند. برای مثال، در مجلسی، شیخ محمود نجفی به مسأله غارت منابع نفتی کشور از

سوی دولت های استعماری و واردات غیر ضروری اشاره می کند و می گوید:

نفت و ذخایر ما را می برند و در عوض چیزهایی مثل بادبادک وارد کشور می کنند. منابع کشور دست دیگری است. سرنوشت کشور دست اجنبی است. شاه در مسافرت هایی که به خارج از کشور دارد، همه حرف ها را برایش دیکته می کنند. (۱)

مورد دیگر، داشتن «هویت اسلامی - شیعی» است. اسلام کسانی را که به امور یکدیگر بی تفاوت باشند، طرد می کند. هم چنین اصل «امر به معروف و نهی از منکر» را به عنوان وظیفه عمومی برای زندگی اجتماعی لازم می شمارد. رژیم همواره می کوشید تا با تبلیغ سیاست «جدایی دین از سیاست»، این اصل اساسی را از میان ببرد و مسلمانان را در غفلت نگاه دارد. امام خمینی رحمه الله با ورود به صحنه سیاسی، این نکته را روشن کرد که انجام عبادت های ظاهری و باورهای خشک همیشگی شرط مسلمانی نیست و تن دادن به سلطه استبداد و استعمار، خلاف اسلام است. بنابراین، با صدور فتوای تاریخی خود، تقیه را در آن شرایط، حرام دانست و مبارزات مردم را وارد مرحله تازه ای ساخت.

پیرو فتوای روشن ایشان، حوزه های علمیه در عرصه سیاسی فعال تر شدند. عالمان دینی و گویندگان مذهبی در حسینیه ها و مسجدها به افشاگری سیاست های ضد اسلامی رژیم پرداختند. در پی همین افشاگری ها و روشن گری ها بود که مردم کوچه و بازار و شهرها و روستاهای دور افتاده از سیاست ها و مسایل جاری کشور آگاه شدند و کم کم به این نتیجه رسیدند که

عامل بدبختی‌ها و گرفتاری‌ها و انحراف‌های کشور، خود شاه است. پس از آن، مردم به خوبی می‌دانستند شاه چه می‌کند و از پی‌گیری انقلاب سفید چه هدفی دارد و چه میزان به کشورهای بیگانه‌ای چون آمریکا و اسرائیل وابسته است. همین زمینه‌ها بود که نهضت بزرگ مردمی و دینی پانزده خرداد را پدید آورد و مردم مسلمان ایران بر اساس باورهای دینی و درک بالای سیاسی خود، به خیابان‌ها ریختند و سرنگونی رژیم را خواستار شدند.

فصل دوم: هدف های قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل دوم: هدف های قیام ۱۵ خرداد

زیر فصل ها

۱. اصلاح جامعه

۲. حاکمیت اسلام

۳. سرنگونی حاکمیت طاغوت

۱. اصلاح جامعه

۱. اصلاح جامعه

در آغاز نهضت پانزده خرداد، هدف اصلی قیام کنندگان که در رأس آن امام خمینی رحمه الله قرار داشت، برقراری احکام اسلامی از راه اصلاح طلبی و امر به معروف و نهی از منکر بود. امام خمینی رحمه الله به فراتر از فروپاشی رژیم شاه می اندیشید و خطر اصلی را در صهیونیسم و امریکا می دانست که افرادی مانند شاه را هم چون کودکی، بازیچه هدف های اسلام ستیزی و اندیشه های استکباری خویش ساخته اند. بنابراین، دلسوزانه به نصیحت شاه می پرداخت و به وی یادآور می شد که به راه راست هدایت شود و دست از رفتارهای غیراسلامی و غیرقانونی خود بردارد.^(۱)

البته اصلاح گری در باور امام به این معنا نبود که رژیم ستم شاهی تنها خواسته های سطحی را بپذیرد و از دست زدن به دگرگونی های اساسی سر باز زند. امام بر آن بود که اگر رژیم نتواند خود را با اسلام وفق دهد، باید کنار برود. بنابراین، نخست از شاه می خواهد که از گذشته عبرت بگیرد. از این رو، نسبت به روش حکومتی وی هشدار می دهد و او را از سیاست هایی که در پیش گرفته، بر حذر می دارد:

من به شما نصیحت می کنم ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت

۱- یوسف مازندی، ایران؛ ابرقدرت قرن، به کوشش: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۳، چ ۱، صص ۴۵۴ -

می کنم که دست از این اعمال و رویه بردار. من نمی خواهم تو مثل پدرت بشی. نصیحت مرا بشنو. از روحانیت بشنو. از علمای اسلام بشنو. این ها صلاح ملت را می خواهند. این ها صلاح مملکت را می خواهند. از اسرائیل نشنو؛ اسرائیل به درد تو نمی خورد. کمی عبرت بگیر. عبرت از پدرت بگیر... (۱).

امام آشکارا هدف خویش را بیان می دارد و به شاه گوشزد می کند که اگر اصلاح نشود فرمان خواهد داد تا ملت وی را از کشور بیرون کند:

آقای شاه! چه ارتباطی بین شاه (شما) و اسرائیل است که سازمان امنیت می گوید از شاه صحبت نکنید و از اسرائیل صحبت نکنید. شاید این ها می خواهند تو را یهودی معرفی کنند که من بگویم (تو) کافری تا از ایران بیرونت کنند و به تکلیف تو برسند. (۲).

در حقیقت، امام خمینی رحمه الله با این سخنان، با شاه و دولت دست نشانده وی اتمام حجت می کند و انتخاب راه را بر عهده دستگاه حاکم می گذارد.

۲. حاکمیت اسلام

۲. حاکمیت اسلام

پیش تر گفتیم که امام خمینی رحمه الله که رهبری قیام انقلاب اسلامی را در دست داشت، اصلاح گری رژیم را بر اساس احکام و باورهای اسلامی می خواست؛ یعنی بزرگ ترین هدف قیام کنندگان در ۱۵ خرداد را تلاش برای اجرای احکام اسلامی در ایران می دانست. این امر باید با اصلاح سیاست های رژیم صورت می گرفت و در غیر این صورت، رژیم طاغوتی شاه به هر راه ممکن باید

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۴۵۶ - ۴۶۰.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۴۵۶ - ۴۶۰.

سرنگون می شد. بزرگ ترین و اصلی ترین آرزوی امام از همان آغاز مبارزه علیه حکومت طاغوتی پهلوی، تشکیل یک حکومت اسلامی بود. ایشان در این باره می فرماید:

آرزوی ما برای حکومت اسلامی و یک حکومت عدل بود که رژیم در مقابل رژیم های طاغوت باشد و مسائل اسلامی را مثل صدر اسلام در ایران پیاده کنیم. (۱)

در آن روزها، احزاب و گروه های سیاسی زیادی ادعای مبارزه با رژیم را داشتند و می خواستند مردم را بسیج کنند، ولی مردم از آن رو روحانیت را به رهبری برگزیدند که آن ها یک صدا فریاد می زدند: «اسلام در خطر است؛ قرآن در خطر است». بنابراین، کسانی که ماهیت اسلامی در کارشان نبود، از قافله عقب ماندند و از مردم و نهضت اسلامی جدا افتادند.

ریچارد نیکسون، رئیس جمهور وقت امریکا و یکی از نظریه پردازان مهم این کشور در تحلیلی از ماهیت انقلاب مردمی ایران بر این نکته تأکید می کند که انقلاب ایران قیام علیه ارزش های غربی بود، ولی در محدوده خواسته های مادی نماند. وی می گوید:

انقلاب ایران در واقع انقلابی بود علیه نوگرایی و تجدد و سکولاریسم و ارزش های غرب. این انقلاب همان قدر که از سرمایه داری نفرت داشت، از کمونیسم نیز نفرت داشت و هر دو را مانند دو روی سکه مادی گری می دید. جوانان از این انقلاب پشتیبانی کردند؛ نه برای این که خواهان آزادی، شغل، مسکن و لباس بهتر بودند، بلکه چیزی را می خواستند که به آن بیش از

مادی گری معتقد باشند. جای انکار نیست که انقلاب اسلامی یک انقلاب واقعی اندیشه ها را ارایه داد و آن ها آن را با عشق و ایمان پذیرفتند. (۱)

نکته مهمی که در نهضت پانزده خرداد به چشم می خورد، فرهنگ عاشورایی حاکم بر این قیام است. تأکید امام به زنده نگه داشتن عاشورا و روح شهادت طلبی و امر به معروف و نهی از منکر، عامل مهمی بود تا توده های مردم را برای برقراری حکومت اسلامی و سست کردن پایه های حکومت جور بسیج کند.

۳. سرنگونی حاکمیت طاغوت

۳. سرنگونی حاکمیت طاغوت

رژیم خون آشام شاه، هشداد امام را درک نکرد و از سرکوبی و شکنجه مبارزان دست برنداشت. حمله به فیضیه و کشتار بی گناهان و آزادی خواهان نشان داد که رژیم هرگز خوی استبدادگری خود را رها نخواهد کرد و دیگر اصلاح پذیر نیست. بنابراین، امام تنها راه تحقق حاکمیت اسلام را که هدف اصلی قیام مردم بود، سرنگونی رژیم شاهنشاهی می دانست.

وقتی رژیم پس از سخنرانی تاریخی امام در عصر عاشورا، ایشان را دستگیر کرد، در واقع این نکته را روشن ساخت که حکومت وابسته شاه سراپا گوش به فرمان صهیونیسم و امپریالیسم است و حاضر نیست کوچک ترین توجهی به قوانین اسلامی داشته باشد. بنابراین، مردم در یک خیزش سراسری، خواهان فروپاشی حکومت پهلوی شدند. اوج مخالفت های مردمی که در

۱۵ خرداد ۴۲

صورت گرفت و همه قشرهای جامعه هم چون روحانیان، کارگران، بازاریان، دانشگاهیان و... در آن شرکت داشتند، وقتی نزدیک کاخ مرمر شاه رسیدند، یک صدا فریاد «مرگ بر شاه»^(۱) سر دادند. باری، قیام خونین ۱۵ خرداد، زمینه فروپاشی حکومت پهلوی را فراهم کرد و زمینه شکل گیری حکومت اسلامی را آماده ساخت. امام خمینی رحمه الله در این زمینه می گوید:

آن روز، یزیدیان با دست جنایت کاران، گور خود را کردند و تا ابد هلاکت خویش و رژیم جنایت کار خویش را به ثبت رساندند. در ۱۵ خرداد ۴۲، پهلویان و هواداران و سردمداران جنایت کارشان با دست ستم شاهی خود، گور خود را کردند و ننگ ابدی را برای خویش به جا گذاشتند که ملت عظیم الشان ایران با قدرت و پیروزی بر گور آتشبار آنان لعنت می فرستد.^(۲)

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ص ۴۸۵.

۲- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۷۹ ۱۵/۳/۶۱.

فصل سوم: ابعاد گوناگون قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل سوم: ابعاد گوناگون قیام ۱۵ خرداد

زیر فصل ها

۱. آغاز محرم خونین ۱۳۴۲ ه. ش
۲. راه پیمایی دهم محرم
۳. راه پیمایی یازدهم محرم
۴. سخنرانی تاریخی حضرت امام خمینی رحمه الله
۵. دستگیری امام خمینی رحمه الله
۶. قیام مردم قم
۷. حضور گسترده بانوان در قیام
۸. یورش وحشیانه رژیم به قم
۹. تهران خونین
۱۱. کشتار مردم ورامین
۱۲. اعلام حکومت نظامی
۱۳. کشتار مردم در ۱۶ خرداد
۱۴. قیام در دیگر شهرستان ها
۱۵. دروغ پراکنی و وارونه جلوه دادن واقعیت ها

۱. آغاز محرم خونین ۱۳۴۲ ه. ش

محرم همه ساله یادآور بزرگ‌ترین حماسه تاریخ و ایثار و فداکاری امام حسین علیه السلام در آزادی و شرافت انسانی است. عاشورا یادآور پیروزی خون در برابر شمشیر و سر باختن و تن به ذلت ندادن است. در محرم هر سال، خون در رگ‌های شیعیان و مسلمانان به جوش می‌آید و روحیه شهادت‌طلبی و فداکاری رونق می‌گیرد، ولی محرم خردادماه ۴۲ با عزاداری‌ها و سینه زنی‌های سال‌های گذشته متفاوت بود. جامعه ایران در آستانه یک خیزش عمومی علیه یزید زمان بود و یادآوری قیام حسین علیه السلام و عاشورا، مردم را برای آفریدن یک عاشورای دیگر با الهام از عاشورای حسینی رهنمون می‌ساخت.

امام خمینی رحمه الله که نهضت اسلامی خویش را به پشتوانه مردم گام به گام پیش می‌برد، با بهره‌گیری از فرصت توانست عاشورای دیگری علیه ستمگری‌های یزید زمان برنامه‌ریزی کند و ماه محرم آن سال را از سطح سینه زنی و عزاداری‌های معمول فراتر برد و فرهنگ واقعی عاشورا را زنده سازد.

رژیم هم می‌دانست که محرم آن سال به احتمال زیاد به یک نهضت سراسری علیه دودمان پهلوی تبدیل خواهد شد. از این رو، از پیش برنامه‌ریزی کرده و برای واعظان و گویندگان مذهبی اختطاریه‌ای صادر کرده بود. شهربانی کل کشور به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم آن سال در اطلاعیه‌ای اعلام کرد:

... انجام مراسم سوگواری مشروع که با موازین مقدس اسلام تطبیق نماید، با

رعایت نظم و ترتیب کامل انجام خواهد گردید. لیکن اعمال و تظاهراتی که شرع مقدس نیز آن‌ها را تجویز نفرموده است، به کلی ممنوع [است]. به مأمورین انتظامی دستور جلوگیری داده شده [است]. از عموم شیعیان و اهالی پایتخت انتظار می‌رود که با رعایت کامل نظم و ترتیب طبق دستور شرع مقدس احترام شعائر مذهبی را حفظ و مراسم سوگواری را با نظم کامل انجام دهند. اگر اشخاصی مراسم مذهبی را وسیله اغراض شخصی قرار دهند، شدیداً مجازات خواهند شد. (۱)

این اطلاعیه از مردم می‌خواست آن‌گونه عزاداری کنند که به تاج و تخت رژیم صدمه نزنند و منافع امپریالیسم غربی و صهیونیسم جهانی را به خطر نیاندازد؛ یعنی هیچ کس حق نداشت از ستم‌هایی که بر سر آن‌ها می‌آمد، سخنی بگوید! با این حال، امام خمینی رحمه الله در مقابل هشدار رژیم، شجاعانه و با تدبیر درست، خطاب به گویندگان مذهبی و هیأت‌های عزاداری نامه‌ای فرستاد و با افشای توطئه رژیم، سکوت را برای مسلمانان جرم و گناه دانست و اعلام کرد:

دستگاه جبار درصدد گرفتن التزام و تعهد از مبلغین و سران هیأت عزاداری است که از مظالم دم‌نزنند و دستگاه جبار را به خودسری واگذارند. لازم است تذکر دهیم که این التزامات ارزش قانونی نداشته و مخالفت با آن هیچ اثری ندارد. عجب است که دستگاه بی‌پروا ادعا دارد که قاطبه ملت با اوست و از پشتیبانی اکثریت قاطع برخوردار است؛ با این وصف در تمام شهرستان‌ها، قراء و قصبات به دست و پا افتاده و با ارباب و تهدید ملت، خفقان ایجاد می‌کند. اگر این ادعا صحیح است، ملت را این چند روزه به حال خود واگذارند تا از

پشتیبانی ملت متمتع [شوند] و الا اشاعه اکاذیب برای تشویش افکار عامه برخلاف مصالح اسلام و مملکت، جرم و قابل تعقیب است. حضرات مبلغین لازم است فریضه دینی خود را در این ایام در اجتماعات مسلمین ادا کنند و از توهم چند روز حبس و زجر نترسند: «و لا تهنوا و لا تحزنوا و اتم الاعلون ان کنتم مؤمنین». آقایان بدانند که خطر امروز بر اسلام، کم تر از خطر بنی امیه نیست. خطر اسرائیل و عمال آن را به مردم تذکر دهید. سکوت در این ایام تأیید دستگاه جبار و کمک به دشمنان اسلام است. اگر به واسطه سکوت شما، به اسلام لطمه ای وارد آید، نزد خدای تعالی و ملت مسلمان مسئول هستید. از ارباب سازمان ها و دستگاه شهربانی هراسی به خود راه ندهید. (۱)

افزون بر آن، رهبری نهضت از گویندگان مذهبی خواست مصیبت های وارد شده بر اسلام و مراکز فقه و دیانت و شریعت را یادآور شوند و به جای لعن و نفرین یزید مرده، به افشاگری جنایت های یزید زمان پردازند و خطر اسرائیل و کارگزاران آن را به مردم یادآور شوند. هم چنین با بازگو کردن جنایت های شاه در مدرسه فیضیه و حمله به مردم، در کنار نوحه سرایی، عاشورای دیگری بیافرینند.

امام در بیانیه خود به موضوع های مهمی اشاره کرده بود که رژیم را به واکنش واداشت تا واعظان و عالمان را به ساواک فرا خواند و با آن ها وارد مذاکره شود. آن ها وقتی دیدند هشدارها و تهدیدهای دستگاه زور نسبت به مبارزان کارساز نیست، از آن ها خواست تا دست کم از گفتن موضوع های زیر خودداری کند و غیر از آن، هر چه خواستند بگویند:

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۴۲۹ و ۴۳۰.

۱. علیه شخص اول مملکت سخنی نگویند؛

۲. علیه اسرائیل سخنی به میان نیاورند؛

۳. پیوسته به گوش مردم نخوانند که اسلام در خطر است. (۱)

امام خمینی رحمه الله در واکنشی شدید به اقدام ساواک گفت نهضت و مبارزه مردم بر اساس همان سه محور است و امکان ندارد که از آن ها سخن به میان نیاید. (۲)

۲. راه پیمایی دهم محرم

۲. راه پیمایی دهم محرم

علما و روحانیان با پیروی از رهبری امام خمینی رحمه الله در منبرها و حسینیه ها به افشاگری دستگاه حکومت و جنایت های آن پرداختند. مداحان نیز در هیأت های عزاداری در زمینه جنایت های رژیم در حمله به فیضیه و کشتار طلبه ها و مردم، به مرثیه سرایی پرداختند و اعمال رژیم را به عملکرد حکومت یزید در کربلا تشبیه کردند. شاه که از پشتیبانی بی دریغ مردم از سخنان امام خمینی رحمه الله به وحشت افتاده بود، در سخنانی در اجتماع کارمندان واحد اتوبوس رانی تهران در سوم خرداد ۴۲، با کمال بی شرمی ادعا کرد که امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف را در دوران کودکی دیده است و خود را مأمور اصلاح امور جامعه مسلمانان می داند. هم چنین کسانی را که مخالف او بودند، دشمنان مردم

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۳۲.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۴۲۹ و ۴۳۰، برگرفته از: نامه امام به واعظان مذهبی.

مسلمان و شیعه نامید. (۱)

با وجود همه دروغ پردازی ها و یاوه گویی های رژیم، با فرا رسیدن عاشورای حسینی جنب و جوش خاصی در میان مردم دیده می شد و آتش خشم و نفرت آن ها از رژیم شاه لحظه به لحظه تندتر و گسترده تر می شد. چند روز مانده به عاشورا، در همه دسته ها و هیأت های عزاداری اعلام شد که صبح روز عاشورا همه هیأت های عزاداری در مدرسه حاج ابوالفتح جمع شوند تا به پشتیبانی از رهبری نهضت راه پیمایی کنند.

پلیس که تا آن روزها در مسیر هیأت های عزاداری ظاهر نمی شد، در صبح روز عاشورا مدرسه حاج ابوالفتح را محاصره کرد و در خیابان های اطراف با لباس رسمی و تفنگ و سرنیزه ظاهر شد؛ درب مدرسه را بست و به خیال خود خواست از راه پیمایی مردم جلوگیری کند. مردم از سراسر تهران به میدان امام (شاه سابق) و مدرسه ابوالفتح رسیدند و در اطراف مسجد اجتماع کردند. با گردهم آیی صدها هزار نفر، کنترل منطقه از دست پلیس خارج شد و مردم با دادن شعار «خمینی بت شکن ملت طرفدار تو، می رود، می رود دشمن خون خوار تو» و «خمینی، خمینی، خدا نگهدار تو، بمیرد، بمیرد دشمن خون خوار تو» (۲) به راه پیمایی پرداختند. در این راه پیمایی باشکوه، قشرهای مختلف مردم شرکت داشتند، ولی بیش تر آن ها بازاریان تهران بودند. تظاهر

۱- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۳۴.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۳۷.

کنندگان پس از عبور از راه خیابان امین حضور و سرچشمه وارد میدان بهارستان شدند و سراسر میدان و دیوار مجلس را با عکس امام خمینی رحمه الله پوشاندند. پس از آن که، به سوی خیابان شاه آباد حرکت کردند و با پیمودن خیابان مخبرالدوله و سعدی به خیابان فردوسی وارد شدند. یکی از مجاهدان به نام مهدی عراقی در جمع مردم سخنان پرشوری در محکومیت رژیم ایراد کرد و پس از آن، مردم به طرف دانشگاه حرکت کردند و چون دانشگاه تعطیل بود، به راه خود ادامه دادند و نزدیکی های ساعت یک بعد از ظهر، به مقابل کاخ مرمر شاه رسیدند. آنان در برابر کاخ شاه، بدون هیچ گونه برنامه ریزی قبلی خشمگینانه فریاد زدند: «مرگ بر این دیکتاتور».^(۱) اداره کنندگان راه پیمایی کوشیدند تا مردم را از هرگونه حمله به کاخ شاه و مأموران و دادن شعار باز دارند، ولی هدف راه پیمایی در این شعار مهم خلاصه می شد و مردم خواهان واژگونی رژیم پهلوی بودند.

تظاهر کنندگان پس از مدتی اطراف کاخ شاه را ترک کردند و پس از گذشتن از کاخ سنا و خیابان سپه به توپ خانه رسیدند. آنان ساعت سه بعد از ظهر به بازار تهران رسیدند و در آن جا به راه پیمایی خود پایان دادند و اعلام کردند که مردم فردا نیز در راه پیمایی دیگری که از مقابل مسجد شاه آغاز خواهد شد، شرکت کنند. شب یازدهم، دانشجویان دانشگاه تهران به پشتیبانی از امام خمینی رحمه الله به راه پیمایی پرداختند که این مراسم پس از سخنرانی یکی از دانشجویان و

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۳۹.

شرکت در مراسم عزاداری که از سوی روحانیان در مسجد ابوالفتح برگزار شده بود، به پایان رسید.

۳. راه پیمایی یازدهم محرم

۳. راه پیمایی یازدهم محرم

عزاداری روز عاشورا که با شعارهای سیاسی برگرفته از اندیشه امام خمینی رحمه الله همراه بود، رژیم را به لرزه درآورد و جایگاه مردمی امام را نشان داد و چهره سیاسی _ مذهبی ایشان را بر همگان آشکار ساخت. از آن پس، احزاب و گروه ها به نفوذ واقعی امام در میان توده های مردم پی بردند. بنابراین، کوشیدند از انزوا به درآیند و خود را همراه مردم نشان دهند و از وضع پیش آمده برای اهداف خود بهره گیرند.

ساعت ۸ صبح، مسجد شاه پر از جمعیت بود و دنباله جمعیت تا بازارهای اطراف مسجد کشیده شد. مردم با همان شعارهای روز گذشته به راه پیمایی ادامه دادند و پس از گذشتن از خیابان های ناصر خسرو، توپ خانه و فردوسی به مقابل سفارت انگلیس رسیدند. در آن جا یکی از بازاریان به نام مجاهدی سخنان پرشوری ایراد کرد و مردم را به خیزش فراخواند و گفت:

... شما ای بازرگانان، پیشه وران، کارگران، کارمندان، ارتشیان، پاسبانان، فرهنگیان و دانشگاهیان!... شما اگر مسلمان نیستید، اگر از جنبه دینی با آیت الله خمینی همراه نیستید، باز در یک موضوع با ایشان اشتراک دارید و باید به خاطر آن ایشان را یاری کنید و آن این که ایرانی هستید و نمی توانید نسبت به سرنوشت کشور و ملت خود بی تفاوت باشید. [امام] خمینی می گوید که سرنوشت ملت ایران نباید در امریکا تعیین شود. سرنوشت ایرانی نباید در لندن تعیین شود. اسرائیل نباید در مقدرات ایران و ایرانی دخالت کند. این خواسته

[امام] خمینی در حقیقت خواسته ۳۰ میلیون ایرانی (یعنی تمام ایرانی های) شرافت مند می باشد. (۱)

پس از سخنرانی، راه پیمایان برای این که با دانشگاه و دانشجویان هم دلی کنند، به سوی دانشگاه حرکت کردند. دانشجویان که در کلاس های درس بودند، با شنیدن شعار «خمینی، خمینی»، کلاس هایشان را تعطیل کردند و به استقبال توده های مسلمان و آزادی خواه شتافتند. با پیوستن دانشگاهیان به دیگر گروه های جامعه، میان بازاریان، دانشجویان، روحانیان و کارگران پیمانی بسته شد که تا رسیدن به پیروزی نهایی در کنار هم به مبارزه ادامه دهند و لحظه ای از مخالفت با رژیم باز نایستند. آن جا بود که شعار «تا مرگ دیکتاتورها، نهضت ادامه دارد» در آسمان تهران طنین انداز شد.

در همان روز در مشهد، بسیاری از مردم برای خواندن اعلامیه امام خمینی رحمه الله که به دیوار نصب شده بود، تجمع کرده بودند که با پلیس به زد و خورد پرداختند و در این درگیری، یک پلیس کشته شد. (۲)

قم نیز در آستانه عاشورا، شور و حال دیگری داشت. امام هر شب در یکی از محله های قم سخنرانی می کرد و مسیر عبور ایشان معمولاً چراغانی و تزیین می شد و مردم برای ایشان قربانی می کردند. این موضوع رژیم را به شدت نگران کرده بود؛ چون آشکارا می دید کسی رهبری مردم را به دست گرفته است که در قلب مردم جای دارد. امام به علما و روحانیان قم پیشنهاد کرد در

۱- نهضت روحانیون ایران، ج ۴، ص ۴۲.

۲- اطلاعات، ۱۴ خرداد ۱۳۴۲.

روز عاشورا که مردم از سراسر ایران برای زیارت به قم می آیند، در مدرسه فیضیه سخنرانی کنند و جنایت های رژیم را به گوش مردم برسانند. رژیم از این گونه مراسم ها به شدت وحشت داشت. بنابراین، تهدید کرد که در صورت برگزاری مراسم در فیضیه، آن جا را به خاک و خون خواهد کشید، ولی این تهدیدها، امام را از تصمیم خود منصرف نکرد؛ به گونه ای که وقتی مأمور ساواک به منزل ایشان آمد و گفت که: «من از طرف اعلی حضرت مأمورم به شما ابلاغ کنم که اگر امروز بخواهید در مدرسه فیضیه سخنرانی نمایید، کماندوها را به مدرسه فیضیه می ریزیم و آن جا را به آتش و خون می کشیم»، امام پاسخ داد که «ما هم به کماندوهای خود دستور می دهیم که فرستادگان اعلی حضرت را تأدیب نمایند...» (۱).

۴. سخنرانی تاریخی حضرت امام خمینی رحمه الله

۴. سخنرانی تاریخی حضرت امام خمینی رحمه الله

ساعت ۴ بعد از ظهر روز عاشورای آن سال، قم پر از جمعیت شده بود. از منزل امام تا حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام و در خیابان های اطراف حرم، سیل مردم موج می زد. همه می دانستند که رژیم به اجتماع مردم و سخنرانی امام یورش خواهد آورد. بنابراین، بسیاری از مردم، وقتی از خانه هایشان بیرون می آمدند، وصیت کرده و با خانواده هایشان وداع کرده بودند. شماری از افراد مسلح انقلابی نیز در پشت بام ها و غرفه های مدرسه فیضیه سنگر گرفته بودند

که اگر حمله ای صورت گرفت به دفاع از رهبرشان پردازند. بلندگوهای بسیاری در خیابان های اطراف حرم نصب شده بود و به احتمال این که عناصر حکومتی برق را قطع خواهند کرد، گردانندگان مراسم باطری هایی در زیر منبر مدرسه کار گذاشته بودند تا به هنگام نیاز از آن ها استفاده کنند. امام از منزل خارج شد و در میان استقبال پرشور مردم، به مدرسه فیضیه قدم گذاشت. هنوز از عناصر رژیم در لباس نظامی خبری نبود. جمعیت در مدرسه و اطراف آن موج می زد. امام بالای منبر رفت. بسیاری آماده ضبط سخنان امام بودند و صداها نفر نیز با قلم و کاغذ حرف های رهبر نهضت را ثبت می کردند.

امام نخست از واقعه عاشورا و از ظلم های دستگاه یزید نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله سخن راند و بلاها و شکنجه های زنان و کودکان را در واقعه عاشورا گوشزد کرد. سپس اعمال دستگاه یزید را با جنایت های رژیم شاه در حمله به مردم و روحانیان و کشتار مردم مقایسه کرد و تأکید ورزید که آن ها به اساس اسلام کار داشتند و می خواستند خاندان پیامبر را از میان ببرند. این ها نیز با اساس اسلام و قرآن کار دارند و می خواهند اسلام و روحانیت را نابود کنند. حاضران که به شور و هیجان آمده بودند، در میان صحبت های رهبرشان گریه می کردند. سپس امام خمینی رحمه الله به خطر اسرائیل اشاره کرد که می کوشد مملکت ایران را در همه زمینه ها به خود وابسته کند. آن گاه رابطه شاه با اسرائیل را به شدت محکوم کرد. ایشان به یاوه گویی های حکومت که روحانیان را مفت خور و مرتجع نامیده بود، پاسخ داد و از غارت بیت المال به دست عناصر حکومتی پرده برداشت. امام شجاعانه هشدار داد که اگر رژیم به رابطه اش با اسرائیل ادامه دهد و از عملکردهای ضد اسلامی و ضد مردمی خود دست برندارد،

تکلیف او و دستگاه حاکمه اش را یکسره خواهد کرد و او را از کشور بیرون خواهد انداخت. در این جا تنها به گزیده هایی از آن سخنرانی تاریخی اشاره می کنیم:

بنی امیه و حکومت یزید با خاندان پیامبر مخالف بودند و غرض آن ها از بین بردن این شجره طیبه بود. رژیم جبار ایران (نیز)... با اساس کار دارند. با اساس اسلام و روحانیت مخالفند. این ها نمی خواهند این اساس موجود باشد... اسرائیل نمی خواهد در این مملکت قرآن باشد... اسرائیل به دست عمال سیاه خود مدرسه فیضیه را کوبید. می خواهد اقتصاد را قبضه کند. می خواهد تجارت و زراعت شما را از بین ببرد... ملاحظه کردید که آن رفراندوم غلط، آن رفراندوم مفتضح به زور سرنیزه اجرا شد. ای آقای شاه! من به تو نصیحت می کنم دست از این اعمال و رویه بردار. من نمی خواهم تو مثل پدرت شوی. از روحانیت بشنو این ها صلاح مملکت را می خواهند. از اسرائیل نشنو، اسرائیل به درد تو نمی خورد.

سازمان امنیت (علما را) تهدید کرده است که از شاه بدگویی نکنند. به اسرائیل حمله نکنند. نگویند که اسلام در خطر است و دیگر هر چه بگویند آزادند. تمام گرفتاری های ما در این سه موضوع نهفته است. اگر از این سه موضوع بگذریم، دیگر اختلافی نداریم. چه ارتباطی بین شاه و اسرائیل است. آیا به نظر سازمان امنیت، شاه یهودی است!؟

آقای شاه! این ها می خواهند تو را یهودی معرفی کنند که من... بگویم (تو) کافری تا از ایران بیرونت کنند و به تکلیف تو برسند!... مملکت ما، اسلام ما در معرض خطر است. آن چیزی که در شرف تکوین است، سخت ما را نگران و متأسف ساخته است. (۱)

امام با این سخنرانی تاریخی، نهضت اسلامی خویش را به مرحله ای رساند که به طور مستقیم رویاروی رژیم شاه قرار گرفت و با شکستن بت استبدادی شاه و ابهت او، ترس و وحشت عمومی را که با تهدید و خفقان رژیم شاهنشاهی ایجاد شده بود، از میان برد و رژیم شاه را با بحران چالش جدی مواجه کرد و در آستانه فروپاشی قرار داد.

شاه بر سر دو راهی قرار گرفته بود. او خوب می دانست که سرکوبی این نهضت فراگیر مردمی بی فایده است و آتش خشم مردم هر روز شعله ورت می شود. رادمردی رهبری نهضت را در دست داشت که نه اهل سازش بود و نه اهل تسلیم. از این رو، رژیم جز دستگیری این مرد نستوه چاره ای نداشت.

۵. دستگیری امام خمینی رحمه الله

۵. دستگیری امام خمینی رحمه الله

رژیم در شب ۱۲ محرم ۱۳۸۳ ه. ق برابر با ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ه. ش، برنامه گسترده ای را برای دستگیری روحانیان پیرو خط امام و فعالان سیاسی و گویندگان مذهبی آغاز کرد. ماشین های ساواک و نیروی انتظامی به هر میدان و خیابان و کوچه که مراسم عزاداری و سخنرانی برگزار شده بود، یورش می بردند و گردانندگان آن را دستگیر می کردند و به زندان ها می فرستادند. رژیم رفت و آمدهای شهر را در کنترل خود داشت و اگر از افراد مورد نظر کسی را در مجالس عمومی نمی یافتند، به منزلش یورش می بردند و شبانه او را دستگیر می کردند. شب ۱۵ خرداد از نیمه گذشته بود و ساعت ۳ بامداد را نشان می داد. تاریکی آن شب حکایت دیگری داشت. کامیون های نظامی پر از کماندوها و سربازان گارد و چترباز در خارج از شهر قم انتظار می کشیدند. نیروهای نظامی در سکوت شب وارد شهر شده و به سوی خانه امام رفتند. از سر کوچه تا

درب خانه امام را به کنترل خود درآوردند و جلو درب هر خانه ای در آن کوچه سرباز گماردند تا مراقب اوضاع باشند. شمار زیادی از افراد گارد نظامی در باغ اناری که پشت خانه امام قرار داشت، سنگر گرفتند تا با هرگونه حادثه پیش بینی نشده ای مقابله کنند. ده ها کماندو و چترباز از پشت بام و دیوارها وارد خانه امام شدند. خانه را گشتند، ولی امام را نیافتند. از این رو، وحشت و دلهره ای که داشتند، چندین برابر شد و تنششان به لرزه افتاد.

وقتی از یافتن امام نا امید شدند، به خادم های بیت امام حمله ور شدند و با کتک و شکنجه از آنان خواستند که جای امام خمینی رحمه الله را نشان بدهند. آنان زیر شکنجه کماندوهای رژیم ناله و فغان می کردند، ولی حاضر نبودند جای رهبرشان را به آنان بگویند. کماندوها به شدت آن ها را کتک می زدند، ولی می کوشیدند تا همسایه ها صدای آه و ناله آن ها را نشنوند تا کنترل امور در دستشان باشد.

امام از اول محرم در خانه فرزندش، حاج آقا مصطفی که روبه روی خانه امام بود، استراحت می کرد. امام در آن لحظه های حسّاس، برای نماز شب بیدار شده بود که ناگهان صداهای ناهنجاری او را متوجه حضور دژخیمان رژیم در محل کرد. سپس حاج آقا مصطفی را بیدار کرد. حاج مصطفی از جای برخاست و خود را به پشت بام رسانید و دید که سراسر کوچه به اشغال سربازان و کماندوهای مسلح رژیم درآمده است.

امام خمینی رحمه الله به پشت بام آمد و وقتی یقین کرد که آن ها برای دستگیری ایشان آمده اند و از سویی آه و ناله خادم هایشان را زیر شکنجه دژخیمان رژیم شنید، در خانه را باز کرد و صدای رعد آسایش در کوچه طنین انداز شد که:

روح الله خمینی منم! چرا این ها را می زنید؟ این چه رفتار وحشیانه ای است که با مردم می کنید؟ چرا به اصول انسانی پای بند نیستید؟ این چه وحشی گری است که از شما سر می زند؟^(۱)

صدای امام ترس و وحشت عجیبی بر جان آن ها انداخت به گونه ای که همگی لرزان و گرفته می گفتند: «همه ارادت داریم، همه مؤمنیم، کسی را نمی زنیم!» مزدوران رژیم با ترس و بیم امام را محاصره کردند و سپس بر ماشین فولکس واگن سیاه رنگی که جلو در خانه متوقف شده بود، سوار کردند و با خود بردند.

حاج مصطفی وقتی ماجرا را دید، از بالای بام با صدای بلند فریاد زد: «مردم! خمینی را بردند.» همسایه ها با شنیدن فریاد «خمینی را بردند» از خواب بیدار شدند و به کوچه ها دویدند تا از بردن رهبرشان جلوگیری کنند. صدای همه و اجتماع مردم به زودی در تمام شهر پیچید و شهر از خواب شبانه بیدار شد، ولی کمی دیر شده بود. ساواکی ها به حدی نگران و وحشت زده بودند که حتی وقتی امام خواست چند دقیقه ای ماشین را نگه دارند تا نماز صبح را به جا آورد، نپذیرفتند.

امام با حالت دلداری به آن ها گفت:

این قدر وحشت زده و مضطرب نباشید. در وسط این بیابان کسی نیست که به شما قصد تعرض داشته باشد. چند دقیقه ای ماشین را برای ادای نماز متوقف سازید. شما نیز نماز بخوانید. شما ارتش کشور اسلامی هستید. از بودجه اسلام ارتزاق می کنید و لازم است که به احکام و فرامین اسلام پای بند باشید.^(۲)

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۷۱.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۷۲.

آن ها پس از پافشاری امام رضایت دادند که چند لحظه ای ماشین بیاستد تا امام با خاک کنار جاده تیمم کند. پس از تیمم، ماشین دوباره به راه افتاد و ایشان نماز صبح را در ماشین در حال حرکت خواندند.

ساعت هنوز ۵ صبح نشده بود که ماشین حامل امام به تهران رسید و یکسره به باشگاه افسران رفت. امام تا غروب همان روز در آن جا بود و هنگام غروب با یک ماشین جیب که شیشه های آن با پارچه های سیاه پوشیده شده بود، به پادگان قصر منتقل شد. ایشان به مدت ۱۹ روز؛ یعنی تا تاریخ ۴ تیرماه در آن جا زندانی بود و پس از آن به یک سلول انفرادی در پادگان عشرت آباد فرستاده شد. (۱)

هم زمان با دستگیری امام، یاران نزدیک ایشان را در شهرهای مختلف دست گیر کردند و به زندان ها فرستادند. برای مثال، آیت الله قمی در مشهد و آیت الله محلاتی در شیراز دست گیر و زندانی شدند. دستگیری امام بازتاب گسترده ای در جامعه داشت و به زودی مردم سراسر ایران را به مبارزه جدی با رژیم شاه کشاند.

۶. قیام مردم قم

۶. قیام مردم قم

وقتی خبر دستگیری امام در شهر قم پیچید، مردم به خروش درآمدند. پیش از طلوع خورشید، کوچه محل اقامت امام و خیابان های اطراف پر از جمعیت

۱- زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۲۱۶.

شده بود. آنان در فراق رهبرشان اشک می ریختند و بر سر و سینه می زدند و علیه دستگاه حاکم شعار می دادند.

حاج آقا مصطفی از خانه بیرون آمد و به میان توده مردم گام نهاد و به همراه مردم خشمگین به سمت صحن مبارک حضرت معصومه علیهاالسلام به راه افتادند. جمعیت وقتی به چهار راه مریض خانه (شهدا) رسیدند، با دسته ای از پلیس برخورد کردند که برای پراکنده کردن تظاهر کنندگان آمده بودند، ولی وقتی خشم انقلابی مردم را دیدند پا به فرار گذاشتند. در آن روز، از کارگزاران برجسته دولتی کسی در صحنه دیده نمی شد و همه از ترس پنهان شده بودند.^(۱)

مردم پشت سر فرزند برومند امام پس از گذشتن از خیابان ارم و میدان آستانه، وارد حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام شدند و با بلندگوی حرم به شعار دادن علیه رژیم و محکومیت دستگیری مرجع شیعیان پرداختند. علما و روحانیان تراز اول قم در خانه آیت الله العظمی گلپایگانی تشکیل جلسه دادند و با صدور اعلامیه ای در محکومیت رفتار ساواک، خواهان آزادی بی قید و شرط امام شدند. هم چنین از ملت مسلمان و مبارز خواستند که تا پیروزی نهایی دست از مبارزه برندارند. آنان پس از صدور بیانیه، خود نیز به جمع مردم پیوستند و جمعیت رفته رفته زیادتر شد. بیانیه علمای قم از بلندگوی حرم خوانده می شد و مردم یکپارچه شعار می دادند: «یا مرگ یا خمینی». کشاورزان و مردم جمکران و روستاهای اطراف قم نیز با شنیدن خبر دستگیری امام، خود

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۷۵.

را به شهر رساندند.^(۱)

۷. حضور گسترده بانوان در قیام

۷. حضور گسترده بانوان در قیام

بسیاری از بانوان قم با فریاد «خمینی خمینی» به صف مبارزان پیوستند و به خیابان‌ها آمدند و به حماسه تاریخی مردم، شکوه بیش‌تری بخشیدند. بسیاری از بانوان، کودکان خردسال و حتی شیرخواره‌شان را همراه خود آورده بودند تا نشان دهند آماده هرگونه جانبازی و فداکاری در راه آرمان‌های اسلامی‌شان هستند و حتی از تقدیم عزیزان خردسالشان ترسی ندارند. سپس سیل خروشان مردان و زنان به تظاهرات خیابانی پرداختند و خواستار آزادی رهبرشان شدند.^(۲)

۸. یورش وحشیانه رژیم به قم

۸. یورش وحشیانه رژیم به قم

رژیم شاهنشاهی که می‌خواست کاخ‌های خود را بر روی پیکرهای ملت آزاده ایران بنانهند و با ریختن خون مردم بی‌گناه و مسلمان از فروپاشی دودمان ننگین شاهنشاهی جلوگیری کند، وحشیانه به راه پیمایان انقلابی یورش آورد و آن‌ها را به رگبار گلوله بست. در این ماجرا، راه پیمایان یکی پس از دیگری به خون‌غلتیدند و به شهادت رسیدند. زنان که در صف مقدم راه پیمایی بودند، بیش از همگان شهید و زخمی دادند، ولی آتش گلوله و رگبار مسلسل‌ها

۱- نهضت روحانیون، ج ۴، ص ۴۹.

۲- نهضت روحانیون، ج ۴، ص ۴۹.

نمی توانست جلو خشم مردم را بگیرد. آنان بدون وا همه از تانک ها و مسلسل ها که در مقابلشان آتش می گشود، به مبارزه خود ادامه می دادند.^(۱)

یک کامیون نظامی که می خواست با حمله به تظاهر کنندگان، شماری را زیر چرخ های اتومبیل له کند، با حمله شدید مردم روبه رو شد و یک جوان غیور به سرعت راننده را از پشت فرمان پایین کشید و وی را به شدت زخمی کرد. دو نفر دیگر که همراه وی بودند، پا به فرار گذاشتند و مردم کامیون نظامی را به آتش کشیدند.

حتی رژیم هواپیماهای بمب افکن خود را به آسمان قم روانه ساخت تا در صورت لزوم شهر را بمباران کنند. هواپیماهای جنگی با شکستن دیوار صوتی بر فراز شهر می خواستند مردم را پراکنده کنند و ترس و وحشت را بر شهر حاکم سازند، ولی مردم به پا خاسته قم یک صدا فریاد می زدند: «مرجع شیعیان جهان را آزاد کنید».^(۲)

مزدوران رژیم در آن روز، هرکسی را که می دیدند، نشانه می رفتند و به کوچک و بزرگ و زن و مرد رحم نمی کردند. خونین ترین جنایت خون آشامان در خیابان تهران و چهار راه شاه اتفاق افتاد. در چهار راه شاه، شماری از مردم در محاصره نیروهای رژیم قرار گرفتند. و چون راه فراری نبود، سربازان، بی امان به روی مردم آتش گشودند و همه را تیر باران کردند. گروهی به کوچه ها و بن بست ها پناه بردند، ولی رژیم به کوچه ها نیز یورش برد و همه را قتل عام کرد. از جمله، بسیاری در کوچه بن بست نمازی در کوچه مدرسه حجتیه به دست مزدوران رژیم به شهادت رسیدند.

۱- نهضت روحانیون، ج ۴، ص ۵۰.

۲- نهضت روحانیون، ج ۴، ص ۵۲.

علما و روحانیان که در صحن مطهر گرد آمده بودند، با شنیدن جنایت های رژیم به این نتیجه رسیدند که رژیم می خواهد برای نگهداری تاج و تخت خود، میلیون ها نفر را به خاک و خون بکشد. بنابراین در آن شرایط، بهترین راه مبارزه، آرام ساختن مردم بود، ولی کسی نمی توانست به مردم بگوید که دست از مبارزه بکشید و به خانه های خود برگردید. از این رو، فرزند امام _ حاج آقای مصطفی _ با توجه به نفوذ خود مأمور این کار شد. ایشان با تشکر از مردم که در مبارزه حضور گسترده داشتند، از آنان خواست به خانه هایشان برگردند تا در فرصت مناسب برای ادامه مبارزه اجتماع دیگری تشکیل دهند.

مبارزه مردم قم که از ساعت ۷ صبح آغاز شده بود، تا ساعت ۵ بعد از ظهر ادامه داشت. شب از راه رسید و این در حالی بود که بسیاری از خانواده ها در سوگ عزیزان خود عزا گرفته بودند. شب تاریک و مخوفی بود و از سراسر شهر سکوتی مرگبار می بارید. هیچ چشمی در آن شب به خواب نرفت و تا صبح در عزای عزیزانشان شام غریبان گرفته بودند؛ صحنه های کشتار هم رزمان و عزیزان به دست عناصر خون آشام شاه از ذهن هیچ کس پاک نمی شد. (۱)

یکی از مبارزان آن روز، صحنه هایی از جنایت های دژخیمان رژیم را در کوچه بن بست نمازی چنین نقل می کند:

سربازان مسلح بی رحمانه کشتار می کردند. باران گلوله از هر طرف می بارید. اجساد عزیزان مردم، در وسط کوچه و خیابان انباشته بود. خون سراسر خیابان ها را گرفته بود. صدای تفنگ و مسلسل لحظه ای قطع نمی شد. گرد و خاک همه جا را پوشانده بود. صدایمان گرفته بود. به سختی نفس می کشیدیم. جمعیت به تدریج نیروی مقاومت را از دست داد و یکباره همانند دانه های تسبیح که نخ

آن پاره شده باشد، به هر سو پراکنده شدیم.

ما به سویی کشیدیم، ولی هنوز از شعار دادن دست برنمی داشتیم. ناگهان در چهار راه شاه خود را از هر طرف در محاصره سربازان بی رحم شاه دیدیم. آتش گلوله مانند باران به سوی ما شلیک می شد و برادران ما را مانند برگ های پاییزی به زمین می ریخت. راه گریز از هر سو به روی ما بسته بود. به ناچار به کوچه بن بست نمازی پناه بردیم، ولی جلادان در آن جا نیز دست از سر ما برنداشتند و ما را به مسلسل بستند. مرگ را در چند قدمی خود می دیدیم که ناگهان در خانه ای باز شد و زنی آشفته و اشک ریزان ما را به داخل خانه فرا خواند. تنها دوازده نفر از ما با ورود به آن خانه از چنگال جلادان نجات یافتیم. من از پنجره ناظر اوضاع کوچه بودم. کاش می مردم و آن منظره دلخراش و جانکاه را نمی دیدم! سراسر کوچه و قسمتی از چهار راه که از پنجره دیده می شد مملو از اجساد کشته شدگان و مجروحان بود. فقط در همان کوچه نمازی، ۳۲ نفر افتاده بودند. ناله جان خراش مجروحان به آسمان می رفت. به چشم خود دیدم که در چهار راه خون راه افتاده بود. ساعتی بعد صدای تیراندازی قطع شد. سکوت مرگباری سراسر شهر را فرا گرفت. تنها غرش کامیون ها و صدای چکمه سربازان و ناله مجروحان سکوت را می شکست. دیری نپایید که کامیونی سر کوچه متوقف گردید و چند نفر سرباز شتاب زده از آن پیاده شدند و داخل کوچه آمدند و اجساد کشتگان و مجروحین را برداشته و توی کامیون می ریختند. بعضی از مجروحان که هنوز حالی داشتند، مرتب فریاد می زدند که ما زنده ایم، ولی کسی به حرفشان گوش نمی داد. کامیون که از اجساد پر شد، به سوی مقصد نامعلومی به حرکت درآمد. آن گاه ماشین های آتش نشانی سر رسیدند و سراسر خیابان ها و کوچه ها را شستند و از خون پاک کردند.^(۱)

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۴۷۹ _ ۴۸۱.

۹. تهران خونین

۹. تهران خونین

وقتی خبر دستگیری امام خمینی رحمه الله به رهبران سیاسی مذهبی و ملی در تهران رسید، آنان بی درنگ این خبر را در تهران پخش کردند و به زودی سراسر تهران به پا خاست. مردم از شنیدن این خبر شگفت زده شدند که رژیم چگونه جرأت کرده است رهبر و مرجع شیعیان جهان را دستگیر کند. از این رو، با خشم و نفرت تمام به خیابان ها ریختند و راه پیمایی گسترده ای به راه انداختند. از جمله مکان هایی که خبر دستگیری امام در همان لحظه های اولیه بدان جا رسید و واکنش شدیدی در پی داشت، دانشگاه تهران بود. دانشجویان کلاس های درس را ترک کردند و در محوطه دانشگاه به راه پیمایی پرداختند. پس از آن که شمار دانشجویان زیاد شد، تظاهرات را به خیابان های اطراف کشاندند. آن ها شعار می دادند: «خمینی را آزاد کنید». این شعار، توده های مردم را که از دستگیری امام آگاهی نداشتند، آگاه کرد و شور و هیجان و خشم آن ها را نسبت به رژیم طاغوتی شاه برانگیخت. سپس دانشگاه به اشغال نظامی پلیس و نیروهای نظامی درآمد و دانشگاه تعطیل شد.

در پی این پیش آمد، بازار تعطیل شد و همه، مغازه های خود را به نشانه اعتراض بستند. بازاریان از زمان آغاز مبارزه از جمله گروه هایی بودند که پشت سر علما و با تمام قدرت حرکت می کردند و از هیچ گونه فداکاری دریغ نمی ورزیدند. آن روز به بازاریان یکپارچه به خیابان ها آمدند و در کنار دیگر گروه های مردمی برای اجرا و تحقق آرمان های اسلامی به مبارزه پرداختند. (۱)

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۸۴.

بارفروشان تهران نیز با شنیدن خبر دستگیری امام، به صف تظاهر کنندگان پیوستند و دست از کار کشیدند و خشم و نفرت خود را نسبت به خاندان پهلوی به نمایش گذاشتند. پلیس از مرحوم طیب که به نوعی سرکردگی این گروه یعنی میدانی ها و بارفروشان را بر عهده داشت، خواست تا آن ها را از شرکت در تظاهرات ضد دولتی باز دارد، ولی وی به آن ها گفت: «این تظاهرات جنبه مذهبی و اعتقادی دارد و نمی توان این مردم را از حرکت بازداشت».

اگرچه رژیم سال ها کوشید تا دهقانان و کشاورزان کشور را با برنامه های اسارت بار اصلاحات ارضی به خود جلب کند، نفوذ کلام امام در میان کشاورزان و دهقانان و روشنگری های وی نسبت به آینده خطرناک برنامه های شاه، آن ها را نسبت به آینده اسلام و کشور نگران کرده بود و آنان به شدت احساس مسئولیت می کردند. بنابراین، با شنیدن خبر دستگیری رهبرشان از روستاها و اطراف تهران به پایتخت آمدند تا خشم و نفرت خود را آشکارا به خون آشامان اعلام کنند. در ۱۵ خرداد افراد زیادی از کشاورزان ورامین، کن، جماران و دیگر روستاها به تهران سرازیر شده بودند. در این روز، ده ها هزار نفر از مردم پایتخت و حومه از روحانی گرفته تا دانشجو و بازاری و کشاورز همراه با دیگر گروه های مردمی، دوش به دوش هم و یک دل و یک صدا به یاری رهبر خود شتافتند و با فریادهای دشمن شکن و استبداد براندازشان، بانگ زدند: «یا مرگ یا خمینی»؛ «خمینی پیروز است» و «مرگ بر شاه».

مردم در برابر شاه قرار گرفته بودند. آن ها میدان ها و مکان هایی را که نام شاه بر آن ها

بود، به نام «امام خمینی رحمه الله» نام گذاری می کردند. جمعیت تظاهر کننده وقتی به میدان «شاه» رسیدند، هم صدا فریاد زدند که نام این میدان، میدان خمینی است و وقتی قرار شد در مسجد شاه گرد هم آیند، همه فریاد زدند مردم در مسجد خمینی جمع شوند.

مردم تهران آمده بودند تا تکلیفشان را با حکومت یزیدی یکسره کنند. وقتی خشم و انزجار آنان نسبت به دستگاه حکومتی بالا گرفت، یک صدا فریاد زدند: «مرگ بر شاه»؛ «ما شاه نمی خواهیم»؛ «دیکتاتور برو گم شو». این شعارها بدون هرگونه برنامه ریزی قبلی، از عمق جان مردم سرچشمه می گرفت و خواست قلبی مردم را بیان می کرد.

گروهی از راه پیمایان انقلابی به کاخ شاه هجوم بردند و گروهی نیز به سوی اداره رادیو یورش بردند و در و پنجره های آن را شکستند، ولی آتش مسلسل های مزدوران رژیم امکان پیشروی بیش تر را به آن ها نداد. برخی نیز برای این که بتوانند مسلح شوند و به مبارزه مسلحانه با رژیم پردازند، به اداره تسلیحات ارتش در کنار میدان توپخانه هجوم آوردند. مردم به هر جایی که از آن رژیم بود، حمله ور می شدند. آن ها ماشین های دولتی را که بر سر راهشان بود، واژگون می کردند. از جمله مکان هایی که مورد حمله مردم خشمگین قرار گرفت، سازمان فرهنگی ایران و امریکا، کارخانه پپسی کولا و باشگاه ورزشی شعبان بی مخ بود. (۱)

اوج قیام ۱۵ خرداد زمانی بود که مردم به کاخ شاه هجوم آوردند و شعار «مرگ بر شاه» سر دادند. هزاران نفر کماندو و سرباز مسلح از کاخ شاه

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۸۶.

پاسداری می کردند و صدها دستگاه تانک و توپ در اطراف کاخ مستقر شده بود. مردم بدون هیچ گونه واژه ای به کاخ شاه نزدیک می شدند و شعار مرگ بر شاه سر می دادند. تاج و تخت پادشاهی در آستانه فروپاشی قرار داشت و پایه های حکومت استبدادی به لرزه افتاده بود. مردم تا چند قدمی تانک ها و مسلسل ها رسیده بودند که ناگهان بی رحمانه ترین و وحشیانه ترین حمله ها به سوی مردم صورت گرفت. تانک ها و مسلسل ها و توپ هایی که از دسترنج این ملت و برای دفاع از آب و خاک این مرز و بوم خریداری شده بود، علیه مردم بی دفاع به کار افتاد و از پیکرهای آزاد مردان مسلمان و مبارزان انقلابی پشته ها ساخت. بوی خون و باروت همه جا پیچیده بود و صدای «مرگ بر شاه» با غرش توپ ها و مسلسل ها درهم می آمیخته. از خیابان ها و کوچه ها جوی خون جاری بود و پیکرهای زیادی در میدان ارک (مقابل اداره انتشارات رادیو) و میدان توپ خانه و خیابان های اطراف کاخ مرمر روی هم انباشته شده بود. هر دستی که بالا می رفت و هر دهانی که باز می شد، مورد هدف گلوله مسلسل ها قرار می گرفت. اطراف کاخ مرمر به صورت کشتارگاه انسانی درآمده بود و شاه به گمان باطلش با ریختن خون سرخ مردم، انقلاب خود را سفیدتر می کرد.

۱۱. کشتار مردم ورامین

۱۱. کشتار مردم ورامین

یکی دیگر از جنایت های رژیم، کشتار مردم بی دفاع و رنج کشیده ورامین بود. دهقانان و کشاورزان ورامین که در ۱۵ خرداد کفن پوشیده بودند و با پای پیاده برای پشتیبانی از رهبر خویش روانه پایتخت بودند، در راه با کامیون های

نظامی و تانک های خون آشامان رژیم برخورد کردند. عناصر خود فروخته رژیم از مردم می خواستند به روستاهای خود برگردند و از تظاهرات دست بردارند، ولی مردم چنان خشمگین بودند و در دفاع از اسلام و رهبر خود جان بر کف نهاده بودند که به دستورهای آنان توجهی نکردند و با تمام نیرو به آن ها حمله ور شدند. البته آتش مسلسل ها و تانک ها به آنان اجازه نداد که به نظامیان نزدیک شوند و چون در آن بیابان، جان پناهی نبود، تظاهرکنندگان به صورت دسته جمعی به خاک و خون کشیده شدند و کفن های سفید به خون رنگین شان آغشته شد. سپس حرکت تانک ها بر روی جسدهای کشتگان، استخوان های آن ها را خرد کرد، به گونه ای که هویت جنازه های آنان برای بستگانشان نیز قابل تشخیص نبود.

رژیم با شدت تمام، قیام ۱۵ خرداد را در تهران و قم و دیگر شهرها سرکوب کرد و هزاران نفر را به خاک و خون کشید. هم چنین افزون بر کارهای فاشیستی و دیکتاتورمآبانه، با طرح نقشه هایی کوشید راه پیمایی گسترده مردمی را که با هدف سرنگونی حاکمیت جور و استبداد و در دفاع از ارزش های اسلامی و استقلال کشور صورت گرفته بود، از مسیر اصلی و هدف خود منحرف کند. رژیم، عناصر ساواک و وابسته به خود را با لباس های سیاه به جمع تظاهرات کنندگان فرستاد تا با شکستن شیشه و پنجره های مکان های عمومی و غارت مغازه های مردم و حمله به زنان و دختران، این گونه جا بیاندازند که راه پیمایان آشوبگرند و در پی هرج و مرج و سلب آسایش عمومی

هستند و سرکوب و کشتن آن‌ها به سود عموم جامعه است. (۱)

۱۲. اعلام حکومت نظامی

۱۲. اعلام حکومت نظامی

تظاهرات مردمی پانزده خرداد که کاخ ستم شاهی را به لرزه درآورده بود، رژیم شاه را به فکر چاره جویی انداخت. آنان وحشت زده و نگران به هر شیوه‌ای دست می‌زدند تا از پیشروی و گسترش نهضت مذهبی و ملی مردم جلوگیری کنند. بهترین راه حلی که در پیش گرفتند، این بود که از همه رفت و آمدها و گردهم‌آیی‌ها جلوگیری کنند تا جلو هرگونه شورش و اعتراض گرفته شود.

بنابراین، فرماندار انتظامی تهران (نصیری) در اعلامیه‌ای هرگونه رفت و آمد در پایتخت و حومه را از ساعت ۸ بعد از ظهر ۱۵ خرداد ممنوع اعلام کرد و دستور داد هرکس که برخلاف فرمان حکومت نظامی در شهر رفت و آمد کند، تیرباران خواهد شد.

سیاهی شب فرا رسید و شهر در سکوتی مرگبار فرو رفت. از همه جا وحشت و مرگ می‌بارید. پیکرهای شهیدان هنوز در خیابان‌ها مانده بود و هر از چند گاهی صدای شلیک گلوله و رگبار مسلسل بر وحشت شب می‌افزود. حرکت کامیون‌های نظامی و رفت و آمد سربازان و کماندوها در طول شب ادامه داشت. کامیون‌های نظامی از پیکرهای کشتگان پر می‌شد و به سمت قبرستان‌ها حرکت می‌کرد. در میدان‌ها و خیابان‌های مهم شهر، تانک‌ها و

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۸۸.

کامیون های نظامی هرگونه حرکتی را زیر نظر داشتند. بازار، دانشگاه، مسجدها و میدان بار فروش ها در محاصره پلیس قرار داشت و هرکس که در خیابان ها دیده می شد، بازداشت می شد.

پلیس در یک حمله وحشیانه به کوی دانشگاه در امیرآباد، صدها نفر از دانشجویان را که به نوار سخنرانی امام خمینی رحمه الله در عصر عاشورا گوش می کردند، دستگیر و روانه زندان کرد. ساواک هر شخصیت مذهبی و سیاسی را که احتمال می داد در جنبش مردمی نقشی داشته باشد، دستگیر می کرد و به بازداشت گاه ها و پادگان های نظامی می فرستاد.

دژخیمان پهلوی توانسته بودند به زور سرنیزه و تانک و مسلسل، جنبش مردمی را در پانزده خرداد متوقف کنند و به ظاهر پیروز شوند؛ غافل از آن که این سکوت فریاد زیر خاکستری بود که به زودی ارکان رژیم را در برمی گرفت و دودمان آن را درهم می شکست.

۱۳. کشتار مردم در ۱۶ خرداد

۱۳. کشتار مردم در ۱۶ خرداد

رژیم فکر می کرد با خون ریزی بی رحمانه ای که در تهران به راه انداخته بود، دیگر کسی جرأت آمدن به خیابان و اعتراض به بیدادگری های رژیم را نخواهد داشت، ولی فردای آن روز، مردم از جان گذشته و مسلمان تهران دوباره به خیابان ها آمدند تا ثابت کنند که از آرمان های اسلامی خویش دست نکشیده اند و هرگز رهبری خویش را تنها نخواهند گذاشت. تظاهر کنندگان با دادن شعار «یا مرگ یا خمینی» به سوی کاخ شاه به حرکت درآمدند و در سر راه خود به کامیون ها و زره پوش های رژیم حمله ور شدند و شماری از آن ها را به آتش کشیدند.

شاه که از حماسه بزرگ مردم آشفته شده بود، فرمانی صادر کرد که هیچ کس نباید گلوله ای را هدر بدهد. هر گلوله باید در مغز و قلب تظاهر کنندگان جای بگیرد. بنابراین، فرمان «به قصد کشت» صادر شد تا جنبش مردم را بتواند سرکوب کند. به فرمان شاه، تانک ها به حرکت درآمدند و مسلسل ها غریدند و مبارزان مسلمان را به خاک و خون کشیدند.

وحشی گری رژیم در روز ۱۶ خرداد با روزهای گذشته فرق اساسی داشت. اگر در روزهای گذشته حکومت ستم شاهی می خواست مخالفان رژیم را پراکنده سازد و قیام و جنبش آن ها را سرکوب کند، ولی در ۱۶ خرداد فرمان ستمگرانه شاه اقتضا می کرد که هیچ گلوله ای بی هدف شلیک نشود و باید قلب و مغز مبارزان نشانه گرفته می شد. راه پیمایی ۱۶ خرداد نیز چهره واقعی رژیم را که آدم کشی و خون خواری از ویژگی های ننگین آن بود، آشکارتر ساخت و به جهانیان ثابت کرد که رژیم برای اجرای انقلاب سفید، حاضر است تمام کشور را به خون بکشد.

۱۴. قیام در دیگر شهرستان ها

۱۴. قیام در دیگر شهرستان ها

هم زمان با تهران و قم، در شهرستان های دیگر کشور نیز تظاهرات مردمی و اعتصاب های عمومی برای اعتراض به دستگیری رهبری نهضت به راه افتاد که با یورش جنایت کاران رژیم روبه رو شد.

در شیراز، قیام اسلامی مردم این شهر در ۱۶ خرداد به شدت از سوی رژیم سرکوب شد. آیت الله محلاتی _ از روحانیان برجسته _ با روشنگری و آگاه سازی مردم شیراز و استان فارس و عشایر آن منطقه، از جنایت های رژیم ستم شاهی پرده برداشت و نقش مؤثری در جنبش مردمی آن منطقه بر عهده

گرفت. ساواک همیشه می کوشید با محدود کردن این روحانی مبارز، از شورش مردم این خطه از کشور جلوگیری به عمل آورد که هیچ گاه موفق نشد. ساواک با اوج گیری قیام مردمی و هم زمان با دستگیری امام خمینی رحمه الله، آیت الله محلاتی را نیز همراه با چند نفر از روحانیان مبارز دستگیر کرد و به تهران فرستاد. راه پیمایی و مخالفت مردم شیراز با رژیم که در ۱۵ خرداد به دلیل اعتراض به دستگیری امام خمینی رحمه الله ادامه داشت، در روز ۱۶ خرداد با شور و حال دیگری ادامه یافت. شنیدن خبر جنایت های رژیم در تهران و قم نیز در ایجاد شور و هیجان مردمی بی تأثیر نبود. گروه زیادی از راه پیمایی کنندگان در آن روز دستگیر و روانه زندان های رژیم شدند. روزنامه اطلاعات نوشت:

اشخاصی که در وقایع ۱۶ خرداد در شیراز متهم هستند، حدود ۵۰۰ نفر می باشند که عده ای از آن ها دستگیر شده و به زودی محاکمه خواهند شد و مأمورین در تعقیب سایر متهمین هستند. (۱)

اعتراض های مردمی در مشهد از شدت بیش تری برخوردار بود. آیت الله قمی و آیت الله میلانی از جمله شخصیت های مبارزی بودند که در مشهد به افشاگری جنایت های رژیم می پرداختند. با اوج گیری مبارزات مردم در تهران و قم و دیگر شهرها، دستگاه خون آشام شاه احتمال می داد که در مشهد نیز مخالفت ها گسترده تر شود. بنابراین، از اول صبح جاهای حساس شهر به محاصره نیروهای نظامی درآمده بود. روز دوازده محرم (۱۵ خرداد) وقتی آیت الله قمی به قصد زیارت حرم مطهر امام رضا علیه السلام از خانه به راه افتاده بود، وضع

غیرعادی شهر را می بیند که شهر در اشغال نیروهای نظامی است و بازار تعطیل است و از رفت و آمد روزانه مردم جلوگیری می کنند و صدای شلیک تیر هوایی به گوش می رسد. آیت الله قمی پس از اقامه نماز ظهر و عصر در مسجد گوهرشاد، می خواست به خانه برگردد که سیل جمعیت پشت سر ایشان به راه افتادند. رژیم که از شکل گیری تظاهرات گسترده بیمناک بود، از حرکت مردم جلوگیری کرد، ولی مردم به هشدار پلیس توجهی نکردند و به افراد مسلح هجوم آوردند. مزدوران رژیم نیز مردم بی دفاع را به رگبار گلوله بستند و آزادی خواهان مسلمان را به خاک و خون کشاندند. در این راه پیمایی، آیت الله قمی را دستگیر کردند و با یک آمبولانس یکسره به تهران و زندان قصر فرستادند و ایشان نیز در جوار سلول امام خمینی رحمه الله زندانی شد.

یکی دیگر از شهرهایی که اعتصاب ها و راه پیمایی های مردم گسترده گی بیش تری داشت، شهر تبریز بود که با یورش وحشیانه رژیم روبه رو شد. در دیگر شهرهای کشور نیز مردم همانند مشهد و شیراز به اعتصاب هایی دست زدند و با بستن بازار و تعطیلی مغازه ها و با راه انداختن اجتماع و راه پیمایی، خشم و نفرت خود را نسبت به دژخیمان رژیم نشان دادند.

۱۵. دروغ پراکنی و وارونه جلوه دادن واقعیت ها

۱۵. دروغ پراکنی و وارونه جلوه دادن واقعیت ها

رژیم خون آشام شاه که با کشتار آزادی خواهان و دین داران در تهران و قم و دیگر شهرها توانسته بود به صورت موقت تاج و تخت خود را از فروپاشی کامل نجات دهد، سرمست پیروزی ظاهری بود و دنیا را به کام خود می دید. شاه فکر می کرد با حمام خونی که در ایران به راه انداخته است، دیگر کسی جرأت نمی کند رو در روی رژیم بایستد و به مخالفت با او برخیزد. وی که

خود را یکه تاز میدان می دید و از این که با کشتار مردم توانسته است منافع امپریالیسم غربی و صهیونیسم جهانی را حفظ کند و ایران را به طور موقت، جزیره امنی برای اربابان خویش درآورد، بسیار مغرور و خوش حال بود. البته هنوز ترس و نگرانی ناشی از قیام مردمی ۱۵ خرداد، رژیم را هراسان نگاه داشته بود و شاه از وحشت نهضت و انقلاب مردم هنوز بر خود می لرزید. بنابراین، کوشیدند تا با صحنه سازی و دروغ پراکنی زمینه را برای گرفتن انتقام از رهبری نهضت و روحانیان و مبارزان سیاسی فراهم کنند. در حالی که آیت الله میلانی و آیت الله قمی در زندان به سر می بردند، روزنامه های وابسته به دربار در یک اعلامیه جعلی با تیتراژ درشت نوشتند:

حضرت آیت الله میلانی و آیت الله طباطبایی قمی مردم را به آرامش و رعایت نظم دعوت کردند. رژیم از یک سو علما و روحانیان مبارز را زندانی کرده بود و از سوی دیگر، به نام آن ها دروغ سازی می کرد و مردم را به آرامش فرا می خواند. این امر ترس و وحشت بی اندازه رژیم طاغوتی از خشم مردم را نشان می داد. (۱)

پاکروان _ رئیس سازمان امنیت کشور _ در یک گفت و گو مطبوعاتی در بعد از ظهر ۱۵ خرداد، برای این که ذهن ها را برای شایعه پراکنی آماده سازد، قیام اسلامی مردم را ارتجاع خواند و عنوان کرد که قیام کنندگان به تحریک کشورهای خارجی شورش کرده اند و افرادی که در راه پیمایی شرکت داشتند،

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۹۵.

از عناصر بیگانه پول می گرفته اند. (۱)

نخست وزیر وقت _ اسدالله علم _ نیز در گفت و گو با خبرنگاران خارجی ادعا کرد که تمامی سران و بزرگان قیام کنندگان دستگیر شده اند و در مخالفت های مردمی بر ضد حکومت، در اثر تیراندازی مأموران پلیس تنها ۲۰ نفر کشته شده اند. وی در این گفت و گو که در ۱۷ خرداد ترتیب یافته بود، گفت:

۱۵ نفر از بزرگ ترین پیشوایان مذهبی که در آشوب ضد دولتی این هفته در شهرهای مختلف دست داشتند، تسلیم محکمه نظامی خواهند شد و محکمه نظامی ممکن است معنی مجازات اعدام را داشته باشد. (۲)

پیرو دروغ پردازی های عناصر وابسته دربار، خود شاه نیز در ۱۷ خرداد پس از مصاحبه اسدالله علم، قیام مردمی آزادی خواه و استبدادستیز را «ارتجاع سیاه» خواند و حرکت مقدس آنان را «اقدام وحشیانه» نامید. سپس با روا داشتن تهمت های بزرگی به ملت شریف ایران، با نگرانی و بیچارگی، دروغ هایی را سر هم کرد که هیچ عقل سلیمی آن را باور نمی کرد. وی گفت:

باید به شما بگویم که متأسفانه کسانی که بساط پانزده خرداد را به راه انداختند، کما این که در میان کسانی که زخمی شده اند یا دستگیر شده اند، خیلی از آن ها می گفتند که ما چه کار کنیم؛ به ماه ۲۵ ریال پول داده بودند و می گفتند در کوچه ها بدوید و بگویید: «زنده باد فلانی». ما حالا می دانیم این وجوه از کجا رسیده است و به شما ملت ایران به زودی جزییات گفته خواهد شد. فقط این

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۴۹۵ _ ۴۹۸.

۲- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۴۹.

موضوع اولاً- از لحاظ ایرائیت یک ایرانی که پول خارجی را بگیرد و بر ضد جامعه خودش اقدام کند، این را چه می شود گفت. دوم یک نفر شیعه پول بگیرد از یک نفر مسلمان غیر شیعه این چیست؟ و این خون هایی که در روز پانزده خرداد ریخته شد، به گردن کیست و کی مسئول این خون هاست. باید بگویم کسانی که بساط پانزده خرداد را به راه انداخته و باعث ریخته شدن خون ها شده اند، به زودی به سزای اعمال خودشان خواهند رسید. (۱)

نقشه رژیم این بود که با پیوند دادن قیام مردم با عوامل بیگانه و زدن برچسب ارتجاعی و مادی به قیام، از سویی قیام اسلامی مردم را مادی جلوه دهد که برای ۲۵ ریال و آن هم به تحریک بیگانگان! به خیابان ها ریخته اند و از سوی دیگر، زمینه را برای اعدام رهبر ملت فراهم کند. البته رویدادها و تحولات آینده، رسوایی بزرگی برای رژیم شاه به بار آورد و ساختگی بودن گفته های آنان را بر همگان روشن ساخت. به طور کلی، قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲، زمینه را برای پیروزی نهضت مردم در سال ۵۷ فراهم کرد و پایه های تشکیل حکومت اسلامی را در ایران بنیان نهاد.

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۰۰.

فصل چهارم: ویژگی های قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل چهارم: ویژگی های قیام ۱۵ خرداد

زیر فصل ها

۱. دینی بودن

۲. مردمی و خودجوش بودن

۳. رهبری شایسته و توانمند

۴. همه جانبه بودن

۵. استقلال فکری

۶. استبداد و استعمارستیزی

۱. دینی بودن

۱. دینی بودن

یکی از مهم ترین ویژگی های قیام پانزده خرداد، دینی و اسلامی بودن حرکت مردم بود. البته این بدان معنا نیست که عامل حرکت مردم، تنها ایدئولوژیکی و عقیدتی بوده و عوامل دیگر در پدید آمدن نهضت، اثر نداشته است. اسلامی که امام خمینی رحمه الله بر اساس اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله به جهانیان معرفی کرد، افزون بر معنویت گرایی، هرگونه ستم و استبداد را نیز نفی می کرد. و خواستار برابری اجتماعی و برچیده شدن فاصله طبقاتی و تقسیم عادلانه ثروت میان همه گروه های مردمی بود.

شهید مرتضی مطهری در این باره می گوید:

نهضت ما واقعا یک نهضت اسلامی بوده است. با آن که نهضت از سویی خواهان عدالت بود و از سویی دیگر، در جستجوی آزادی و استقلال، ولی عدالت را در سایه اسلام می خواست و استقلال و آزادی را در پرتو اسلام جست و جو می کرد. به عبارت بهتر، نهضت ما همه چیز را با رنگ و بوی اسلامی طلب می کرد. این، همان جهت مورد خواست و میل ملت بود. (۱)

اساساً اسلام، دین کفرستیز و مکتب مبارزه با بی عدالتی ها و بردگی هاست، ولی این جنبه های اجتماعی دین اسلام در اثر تبلیغات دروغ و حکومت های پادشاهی، فراموش شده بود که امام خمینی رحمه الله توانست این غبار را از چهره

۱- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، ص ۵۴.

اسلام بزدايد. امام بيان داشت كه سياست مسلمان از ديانت وي جدا نيست و هر فرد مسلمان يك فرد سياسي و مبارز عليه بي عدالتی هاست. بنابراین، مسلمانان كه ارزش های اسلامی و قرآن و مذهب خود را در خطر می دیدند، در سایه آموزه های اسلام به مبارزه برخاستند و به خیابان ها ریختند تا حقوق از دست رفته خود را بازیابند.

نهضت های پیشین كه بیش تر جنبه ملی و مذهبی یا تنها رنگ ملی داشتند، نتوانستند موفقیت اساسی به دست آورند. در این نهضت ها، رهبران سیاسی از رهبران دینی جدا بودند و مسایل مذهبی تحت الشعاع مسایل ملی قرار می گرفت. رهبران ملی نیز چندان توجهی به مذهب نداشتند. در مقابل، آن چه در پانزده خرداد رخ داد، این بود كه رهبران مذهبی و سیاسی یکی بودند و در اصل، سياست نهضت بر پایه ديانت و باورهای مذهبی مردم بود و مبارزه بر اساس اسلام بود.

ریچارد نیکسون، از نظریه پردازان و سياست مداران امریکا در تحلیل ماهیت انقلاب اسلامی بر این امر تأکید می کند كه انقلاب ایران، انقلاب عليه همه ارزش های غربی و شرقی بود. وی با رد انگیزه های مادی در قیام مردم، باورهای مذهبی توده ها را عامل اصلی حرکت مردم معرفی می کند.^(۱)

۲. مردمی و خودجوش بودن

۲. مردمی و خودجوش بودن

بی تردید قیام پانزده خرداد را توده های مردمی بر اساس آموزه های اسلام و به رهبری عالمان دینی به ویژه امام خمینی؛ آغاز کردند و ادامه دادند. در سال

۱- مؤلفه های مدنیت ولایی در ایران، ص ۲۴۹.

۴۲، برنامه و سازمان دهی مشخصی از سوی یک گروه یا حزب خاصی برای حرکت مردم پیش بینی نشده بود. تنها گروه های مختلف مردم؛ یعنی بازاریان، کارگران، کشاورزان، روحانیان، دانشجویان و... آن گاه که دیدند اسلام و قرآن در خطر است، به رهبری یک مرجع تقلید آگاه، در راه مبارزه با استبداد و استعمار داخلی و خارجی گام نهادند و برای تحقق آرمان های اسلامی به خیابان ها ریختند.

این قیام به غرب و شرق وابسته نبود و از سوی حزب یا گروه خاصی سازماندهی نمی شد، بلکه قیام کاملاً مردمی علیه حکومت استبدادی شاه و استعمارگران بود. نهضت مردم ایران از باورهای مذهبی آن ها سرچشمه می گرفت و مبارزه با استبداد عامل وحدت بخش همه گروه های مبارز بود. رهبران مذهبی به عنوان نیروی مستقل، مردمی، روشن بین و استبداد ستیز، رهبری توده های مردم را بر عهده داشتند.^(۱)

در شرایطی که رژیم تا دندان مسلح بود و هرگونه مخالفتی را در هم می کوبید و هر صدای مخالفی را در گلو خفه می کرد، تنها نیرویی که می توانست در برابر مسلسل ها و تانک های رژیم پایداری کند و استبداد را به وحشت اندازد، نیرو و قدرت شگفت انگیز ایمان مردم بود. هیچ حرکت انقلابی بدون پشتوانه مردمی به پیروزی و نتیجه نمی رسید. پیروزی انقلاب اسلامی نیز دستاورد حضور حماسی مردم در قیام پانزده خرداد ۴۲ بود.

امام خمینی رحمه الله که رهبری نهضت مردم را بر عهده داشت، درباره ماهیت

مردمی قیام پانزده خرداد می فرماید:

اشخاصی که در ۱۵ خرداد جان دادند، هرچه هست [از] این قشر پایین است. این قشر کشاورز است؛ این قشر کارگر است؛ این تاجر مُسَلِم است؛ این کاسب مُسَلِم است؛ این روحانی متعهد است. هرچه هست، از این قشر است. پس ۱۵ خرداد را به تبع اسلام این ها به وجود آوردند و به تبع اسلام این ها حفظ کردند و به تبع اسلام این ها نگهداری می کنند. (۱)

۳. رهبری شایسته و توانمند

۳. رهبری شایسته و توانمند

حکومت ستم شاهی محمدرضا توانسته بود با همکاری قدرت های استعمارگر و به زور سرنیزه و شکنجه و زندان، همه مخالفان خود اعم از ملی گرایان، چپ گرایان، مالکان، نخبگان و روشن فکران را سرکوب کند و اوضاع سیاسی کشور را به سود خود آرام سازد. در چنان شرایطی، امام خمینی رحمه الله در برابر هشدارها و تهدیدهای رژیم هیچ گاه تسلیم نشد و در عاشورای ۴۲ چنان ضربه محکمی به دودمان پهلوی زد که کاخ ستم شاهی را برای همیشه به لرزه درآورد. امام در زمانی که شاه خود را شاهنشاه و شکست ناپذیر می خواند، وی را بدبخت و بیچاره خواند.

صراحت بیان، شجاعت، هوشیاری و زمان شناسی از ویژگی های مهم امام بود. (۲) هم چنین ایشان دارای اصالت فکری بود و همین عامل، در بسیج نیروهای

۱- صحیفه نور، ج ۷، ص ۵۶.

۲- غلام رضا نجاتی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۷۱، چ ۳، ص ۴۷۷.

مردمی نقش مؤثری داشت. وی عضو حزب یا گروه سیاسی خاصی نبود و تنها با توکل به خدا و باور راسخ به نیروی مردمی، مبارزه خود را با رژیم آغاز کرد.

اساس حرکت امام بر پایه مبانی اسلامی بود و هدف او تحقق آموزه های اسلام بود. وی در این راه، از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد و خستگی ناپذیر بود. شهید سعیدی نقل می کند که پس از ۱۵ خرداد به امام گفتم: «ممکن است یاران کم تری در راه مبارزه داشته باشید» که امام فرمود:

به خدا قسم، اگر تمام جن و انس پشت به پشت هم بدهند و در مقابل من بایستند، من چون این راه را حق یافته ام، از پای نخواهم نشست. (۱)

آن چه این نهضت را از نهضت های پیشین متمایز می کرد، وجود یک رهبر دینی و مرجع تقلید در رأس حرکت مردمی بود. این گونه نبود که مردم به یک عضو حزب یا گروه سیاسی رأی بدهند و او را به رهبری برگزینند، بلکه به دلیل مبارزات طولانی، ایشان در میان مردم جایگاه والایی یافت و توانست رهبری مردم را به دست گیرد.

ممکن است افرادی پیدا شوند که ویژگی های یک رهبر سیاسی را داشته باشند، ولی تفاوت امام با دیگر مبارزان سیاسی این بود که ایشان راه تازه ای برای مبارزه با رژیم برگزید. روشی که امام برای فشار بر رژیم به کار برد و منطقی را که برای بسیج توده های مردم به کار گرفت، با راه و روش دیگران متفاوت بود.

بی شک، اسلام، ریشه ای دیرینه در تار و پود ملت ایران دارد و ایرانیان

مسلمان علاقه خاصی به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم (علیهم السلام) می دهند. مبارزه و نهضت امام خمینی رحمه الله نیز در قالب دین اسلام و آموزه های مذهب شیعه صورت گرفت. بنابراین، وقتی مردم یک مرجع دینی را در رأس مبارزه دیدند، با جان و دل به او پیوستند و فتواها و دستورهای ایشان را واجب دانستند.

شهید مطهری در این زمینه می گوید:

امام خمینی به این علت رهبر بلامنازع و بلا- معارض این نهضت شد که علاوه بر این که واقعا شرایط و مزایای یک رهبر در فرد ایشان جمع بود، ایشان در مسیر فکری و روحی و نیازهای مردم ایران قرار داشت. حال آن که دیگران (یعنی) آن ها که برای کسب مقام رهبری نهضت تلاش می کردند، به اندازه ایشان در این مسیر قرار نداشتند. رمز موفقیت رهبر [امام] در این بود که مبارزه را در قالب مفاهیم اسلامی به پیش برد. ایشان با ظلم مبارزه کرد، ولی مبارزه با ظلم را با معیارهای اسلامی مطرح کرد. امام از طریق القای این فکر که یک مسلمان نباید زیر بار ظلم برود و یک مسلمان نباید تن به اختناق بدهد و مؤمن نباید زیر دست و فرمانبر کافر باشد، مبارزه خود را آغاز کرد. (۱)

بنابراین، رهبری مبارزان در پانزده خرداد در دست یک مرجع تقلید بود و هیچ گروه و فرد دیگری با گرایش ملی یا چپ در کار رهبری دخالتی نداشت.

۴. همه جانبه بودن

۴. همه جانبه بودن

از دیگر ویژگی های قیام پانزده خرداد، همه جانبه بودن و گستردگی حرکت مردم در جنبه های گوناگون بود. هیچ کدام از نهضت های پیشین، این چنین گسترده و همه جانبه نبودند. نهضت های گذشته، بیش تر در تهران یا چند شهر

۱- پیرامون انقلاب اسلامی، صص ۵۱ و ۵۲.

بزرگ کشور، هوادارانی از یک طبقه یا گروه خاص پیدا می کرد یا به دلیل سطحی بودن خواسته های قیام کنندگان، با عقب نشینی رژیم، جنبش قیام کنندگان نیز پایان می یافت. هم چنین گاه با سرکوبی قیام کنندگان و دستگیری رهبران آن دیگر هیچ گونه واکنشی صورت نمی گرفت و صدای اعتراض آن ها برای همیشه قطع می شد.

در عاشورای ۱۳۸۳ ه. ق، مردم مسلمان و مذهبی که از سراسر کشور برای زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام و نیز برای برقراری ارتباط بیش تر با علما و مراجع به قم آمده بودند، با چشم خود وحشی گری ها و جنایت های رژیم را در کشتار مردم و حمله به مراکز دینی دیدند. پس از آن، مردم حتی در روستاهای دور افتاده نیز از جنایت های رژیم علیه اسلام سخن می گفتند.

پس از دستگیری حضرت امام، دیگر هر فرد مسلمانی بر اساس باورهای مذهبی اش، خود را موظف به مبارزه با رژیم می دانست. به دیگر سخن، دین داری مساوی با مبارزه با رژیم شده بود؛ چون توهین به ساحت دین و مراجع و قرآن برای یک فرد مسلمان تحمل پذیر نبود. بنابراین، وقتی پانزده خرداد آغاز شد، تمام کشور به پا خاست و همه نهادها و مراکز علمی و مذهبی و سیاسی را حتی در خارج از مرزهای ایران به واکنش وا داشت.

دلیل گستردگی و همه جانبه بودن قیام پانزده خرداد، واکنش کشورها و نهادها و سازمان های بین المللی نسبت به این قیام بود. بی شک، شکوه و گستردگی این قیام، امپریالیسم غربی و کمونیسم شرقی را به وحشت انداخته بود. از این رو، برای جلوگیری از قیام اسلامی مردم ایران، آن را یک حرکت ارتجاعی لقب دادند و محکوم کردند تا بتوانند با پشتیبانی از دستگاه وابسته

داخلی، منافع استعماری خویش را بهتر فراهم آورند و از توفانی که منافع آن‌ها را به خطر انداخته بود، نجات یابند.

در این نهضت، همه گروه‌های مردمی شرکت داشتند؛ زیرا همگان بر اساس باورهای اسلامی، سکوت در برابر ستم و استبداد را ننگ می‌دانستند. آنان آشکارا وابستگی رژیم پهلوی به بیگانگان و غارت بیت‌المال به دست استعمارگران را به چشم می‌دیدند و رژیم استبدادی شاه را دژخیمانه‌ترین حکومت تشخیص می‌دادند. بنابراین، همگی دست در دست هم نهادند تا حکومت خفقان و استبداد و وابسته به بیگانه را سرنگون کنند.

۵. استقلال فکری

۵. استقلال فکری

نهضت اسلامی پانزده خرداد حرکتی مستقل و متفاوت با دیگر حرکت‌ها و مبارزات احزاب و گروه‌های سیاسی مبارزه با رژیم استبدادی بود. پانزده خرداد حرکتی بر اساس اسلام بود. اگرچه ملی‌گراها و لیبرال‌ها و روشنفکران، سال‌ها پیش از پانزده خرداد مبارزات سیاسی خود را علیه رژیم پهلوی آغاز کرده بودند، ولی قیام پانزده خرداد بر اساس آموزه‌های دینی اسلام آغاز شد؛ در حالی که به هیچ‌کدام از حرکت‌های گذشته و مبارزات سیاسی غیر دینی وابسته نبود. تفاوت اساسی این قیام با دیگر قیام‌ها، درون‌مایه و نگرش حاکم بر مبارزات مردم بود. جریان‌های پیشین، خواسته‌های سطحی از حکومت را دنبال می‌کردند و هرگز به فکر دگرگونی در ساختار حکومت و جای‌گزینی حکومت مردمی به جای حکومت سلطنتی نبودند، ولی هدف قیام‌کنندگان در پانزده خرداد براندازی نظام پادشاهی و برقراری حکومت اسلامی بود.

احزاب و گروه های سیاسی در ایران، به طور کلی یا ساخته دست قدرت های بیگانه مثل انگلستان، امریکا و شوروی بودند یا به دلیل داشتن ذهنیت غربی، در میان مردم پایگاه اجتماعی نداشتند. در نتیجه، احزاب و بسیاری از گروه ها سرچشمه آشفتگی و بدبینی در میان مردم نسبت به هدف و مقصودشان بودند.^(۱)

برای مثال، مردم به خوبی می دانستند حزب توده که به عنوان گروه چپ در ایران فعالیت می کند، به استعمار شوروی وابسته است و نمی خواهد کشور از یوغ بندگی بیگانگان رها شود. مردم از ماهیت تشکیلاتی مانند فراماسونری نیز باخبر بودند و از وابستگی آن ها به بیگانگان و امپریالیسم غربی آگاهی داشتند. بنابراین، به آن ها هیچ گونه اعتمادی نداشتند. البته گروه هایی مانند ملی گراها نیز در ایران بودند که فعالیت های سیاسی می کردند و مخالف رژیم و سیاست های او بودند، ولی به دلیل داشتن ذهنیت غربی و تأثیرپذیری از غرب و الگوهای غربی، هرچند با استبداد داخلی و استعمار خارجی مبارزه می کردند، نتیجه ای به بار نمی آمد. در این میان، تنها صدایی که کاخ استبداد و استعمار را به لرزه درآورد، صدای دین بود. امام خمینی رحمه الله افزون بر آن که شاه را دیکتاتور معرفی کرد، عامل اصلی استبداد را نیز استعمار خارجی دانست و با هر دو به مبارزه برخاست.

بنابراین، امام خمینی رحمه الله کوشید در تمام مراحل مبارزه، روحانیت را در مسیر

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر هشتم، ص ۴۳، سخنان سید محمد خاتمی.

مبارزه حفظ کند و آن‌ها را از تهمت‌های وابستگی و اتحاد فکری با دیگر احزاب و گروه‌ها کنار نگه دارد. این بدان معنا نیست که امام از مشارکت دیگر گروه‌ها در مبارزه با رژیم استبدادی جلوگیری کرد، بلکه هدف این بود که ماهیت اسلامی نهضت با مسایل ملی آمیخته نشود و نهضت از هدف‌های دینی و اسلامی خود منحرف نگردد.

۶. استبداد و استعمارستیزی

۶. استبداد و استعمارستیزی

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم نهضت پانزده خرداد، مبارزه و ستیز با استبداد داخلی و استعمار خارجی است. در واقع، شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» از نهضت پانزده خرداد آغاز شد. امام خمینی رحمه الله در همان حال که شاه را عامل بدبختی‌های مردم و دیکتاتور معرفی می‌کرد، امریکا، انگلیس، شوروی و اسرائیل را سلطه‌گر و استعمارگر می‌نامید و وابستگی به هر نوع قدرت خارجی را رد می‌کرد. ایشان درباره علت این قیام می‌فرماید:

اساس این قیام از شدت فشارهای خارجی و داخلی و چپاول‌گری‌های خارجی و داخلی و اختناق‌های فوق‌العاده سرچشمه گرفته [است]. نهضت پانزده خرداد مانند نهضت تنباکو نبود که به موضوع خاصی پافشاری کند و پس از عقب‌نشینی استبداد و دستگاه حاکمه، مسایل را حل شده تلقی کند و از ادامه مبارزه باز ایستد، بلکه جنبشی بود که ریشه استبداد و استعمار را نشانه گرفته بود. قیام پانزده خرداد مانند نهضت ملی شدن نفت نبود که تنها قطع دست استعمار را در صنعت نفت خلاصه کند، بلکه (این) قیام اساس استعمار و وابستگی به هر قدرت خارجی را نفی می‌کرد. (۱)

این قیام، مبارزه قهرآمیز و سازش ناپذیری را با رژیم وابسته به امپریالیسم در پیش گرفته بود و در سطحی جهانی حتی مبارزه با امپریالیسم جهانی را در پیش گرفت. آموزه های دین مبین اسلام، سیطره غیرمسلمان بر مسلمان را نفی می کند و برای رهایی از بند بندگی و بردگی، مسلمانان را به مبارزه فرا می خواند و زندگی با عزت را برای آن ها می پسندد. از سوی دیگر، بیگانگان در ایران منافی داشتند و به راحتی از آن دست بر نمی داشتند. مانع بزرگ بر سر راه سلطه بیگانگان بر این کشور، اسلام و باورهای مذهبی مردم بود که مسلمانان را به مبارزه همیشگی با استعمار و استبداد فرا می خواند. (۱)

مردم وقتی دانستند انقلاب سفید شاه برای ریشه دارتر کردن سلطه استعمار و استبداد بر کشور است، به مبارزه و مخالفت دست زدند و علیه همه ارزش های غربی و برای تشکیل جامعه ای اسلامی به پا برخاستند. امام نیز در آن شرایط، خطاب به دستگاه فرمود:

شما وقتی برنامه هم می خواهید درست کنید، دستتان را پیش اسرائیل دراز می کنید. شما کارشناس نظامی از اسرائیل به این مملکت می آورید. این مملکت مترقی است که الآن نسبت به هر چیزش به خارج احتیاج دارد؟ (۲)

امام خمینی رحمه الله که خوب می دانست استبداد داخلی از استعمار خارجی فرمان می گیرد، مبارزه خود را در هر دو زمینه در پیش گرفت. ریچارد نیکسون، تحلیل گر و سیاستمدار امریکایی درباره ماهیت ضد استبدادی و استعماری این نهضت

۱- برای آگاهی بیش تر نک: فصل اول همین پژوهش، عوامل و زمینه های قیام.

۲- صحیفه نور، ج ۱، ص ۷۷.

این انقلاب همان قدر که از سرمایه داری غرب تنفر داشت، از کمونیسم (شرق) نیز متنفر بود.^(۱)

شوروی به گسترش انقلاب کمونیستی و انقلاب سرخ در ایران کمر همت بست و امریکا نیز برای این که بتواند بر اوضاع ایران مسلط شود، انقلاب سفید را به دست شاه در ایران به راه انداخت، ولی مردم ایران فریب هیچ کدام از قدرت های استعماری جهان را نخوردند. آری، آن ها دست به انقلاب زدند، ولی نه انقلاب سرخ و نه انقلاب سفید، بلکه انقلابی بر مبنای اسلام. یک نشریه علمی مسیحیان امریکا در تحلیل واقعه پانزده خرداد به این نکته اشاره می کند و می نویسد:

انقلاب ایران همان گونه که خروشچف پیش بینی کرده بود انجام می گیرد، ولی برخلاف نظر وی، انقلاب ایران از تاریخ بومی و از جریان های ملی و مذهبی آنان رخ می دهد. شاه در رأس حکومت ایران قرار دارد و اسدالله علم که نقش یک نخست وزیر را بازی می کند، مجری دستورات اوست و از طرف مجلس تأیید نشده است؛ چون مجلسی وجود ندارد که نخست وزیر قانونی تعیین کند. واقع امر چنین است که تظاهرات هفته گذشته (قیام پانزده خرداد) علیه شخص شاه انجام گرفته [است].^(۲)

۱- مؤلفه های مدنیت ولایی در ایران، ص ۲۹۴.

۲- نهضت روحانیون ایران، ج ۴، ص ۱۵۸.

فصل پنجم: نقش نیروها و گروه های مبارز در قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل پنجم: نقش نیروها و گروه های مبارز در قیام ۱۵ خرداد

در فصل گذشته گفته شد که ماهیت اصلی قیام پانزده خرداد، مذهبی و اسلامی بودن آن است و نیز گفتیم که مبارزه با استبداد رژیم شاه و استعمار خارجی در قالب آموزه های اسلام انجام می گرفت. بنابراین، گروه هایی در این قیام نقش سازنده داشتند که دارای گرایش های مذهبی و جایگاه مردمی بودند و اسلام را اساس حرکت خود می دانستند. البته احزاب و گروه های دیگری نیز بودند که شاه را مستبد و دیکتاتور می دانستند و با رژیم و استعمار خارجی مبارزه کردند. اینان با وجود آن که گرایش های مذهبی نداشتند، در صف مبارزات بودند. با این حال، مسلم است که سهم همه گروه های شرکت کننده در این نهضت، به یک اندازه نبود و حتی گروه هایی که گرایش های مذهبی داشتند، موضع و هدف متفاوتی را در مبارزه با رژیم پی می گرفتند.

گفتنی است احزاب و گروه هایی نیز بودند که در شرایط حساس مبارزه، با رژیم و امپریالیسم جهانی هم سویی می کردند و قیام مردم را ارتجاعی و بی نتیجه می خواندند. پس از آن که پانزده خرداد معادلات سیاسی را دگرگون کرد و دست آوردهای این نهضت و زمینه های شکل گیری انقلاب اسلامی فراهم شد، آنان ادعا کردند که در نهضت، مشارکت مثبت داشته اند. این در حالی است که عملکرد آن ها در شرایط حساس و برهه های سخت مبارزاتی نقش واقعی شان را نشان می دهد. در ادامه می کوشیم با معرفی این گروه ها و نیروهای شرکت کننده در نهضت پانزده خرداد، نقش آنان و رویکردها و عملکردهایشان را در جریان مبارزات مردم نشان دهیم.

۱. روحانیان

۱. روحانیان

برای روشن شدن نقش روحانیت در پانزده خرداد باید چگونگی آغاز این قیام بزرگ را بررسی و تحلیل کرد. در فضای خفقان بار دهه چهل، تنها صدای پرطنین که برای مخالفت با رژیم پهلوی بلند شد، صدای دین بود که از منبرهای علما برخاست. آغاز پیدایش نهضت به دوره تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی برمی‌گردد. روحانیت اولین گروهی بودند که خطر آن لایحه ضد دینی را تشریح کردند و ملت را از توطئه‌های استعمار جهانی برای نابودی ارزش‌ها و باورهای دینی آگاه ساختند.

در حقیقت، پانزده خرداد به رهبری علما و روحانیون جامعه رخ داد که در رأس آن امام خمینی رحمه الله قرار داشت. مردم عمل به فتواها و دستورهای رهبر دینی خود را یک تکلیف شرعی می‌دانستند و اجرای آن را برای خود واجب می‌شمردند. امام خمینی رحمه الله از حوزه علمیه قم _ به عنوان سنگر مبارزه _ به افشاگری می‌پرداخت و طلبه‌ها و روحانیان دیگر _ به عنوان پیک‌های تبلیغاتی در سراسر کشور _ در مسجدها، حسینیه‌ها و مجالس عزاداری به تبیین دیدگاه‌های ایشان می‌پرداختند و بدین وسیله، توده‌های مردم را نسبت به موضع روحانیت آگاه می‌کردند.

اگرچه ملی‌گراها و گروه‌های چپ در دانشگاه‌ها و مراکز دیگر در مسیر مخالفت با رژیم فعالیت می‌کردند، ولی دیدگاه‌های سیاسی و دینی امام در مبارزه با شاه، ابتکار عمل را به دست حوزه‌های علمیه و روحانیت سپرد. گفتنی است با اعلام مخالفت امام و چند مرجع تقلید دیگر با لایحه ننگین انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مردم یکپارچه پشت سر علما و روحانیان به مبارزه

علیه رژیم برخاستند تا جایی که رژیم عقب نشینی کرد و لغو آن را با تلگراف و اعلامیه به رهبران مذهبی یعنی روحانیت اعلام کرد.

با بررسی واقع بینانه نهضت پانزده خرداد روشن می شود که این قیام از مدرسه فیضیه و با دستگیری امام خمینی رحمه الله آغاز شد. سپس مردم به پشتیبانی از مرجع تقلید خویش و برای آزادی وی به خیابان ها ریختند و در مقابل کاخ شاه «شعار مرگ بر شاه» سر دادند. رفراندوم اصول شش گانه رژیم از سوی علما تحریم شد و افشاگری های علما، محرم ۱۳۸۳ ه. ق را سرآغاز انقلاب اسلامی قرار داد. بنابراین، اگر بخواهیم نقشی برای روحانیت در این نهضت در نظر بگیریم، عنوان رهبری نهضت و هدایت همه جانبه حرکت مردمی، بهترین نقش است. این امر به قدری روشن است که دستگاه های تبلیغاتی رژیم و امپریالیسم غرب و شرق، روحانیت را هدف قرار داده بودند و آنان را «مرتجع» لقب می دادند تا شاید بتوانند علما را از راهی که در پیش گرفته اند، باز دارند. با ورق زدن صفحه های روزنامه های آن سال ها، به خوبی نقش محوری و تعیین کننده روحانیت روشن می شود. به همین دلیل، رژیم برای سرکوبی قیام مردم به دستگیری گسترده روحانیان دست زد تا با زندانی کردن رهبران نهضت بتواند از گسترش مبارزات مردمی جلوگیری کند.

پاک روان، رییس ساواک با اعتراف به این موضوع گفت: در سپیده دم چهارشنبه (۱۵ خرداد) آیت الله خمینی رحمه الله را در قم و آیت الله قمی را در مشهد و حدود ۳۰ تن دیگر از علما را توقیف کرده اند. این اشخاص به اتهام توطئه

علیه امنیت ملی کشور محاکمه خواهند شد. (۱)

روزنامه لوموند در شماره ۵۷۶۰، در تاریخ ۲۵/۷/۱۹۶۳ م. می نویسد:

روحانیان بزرگ در زندان به سر می برند و هواداری توده با آن هاست. (۲)

این روزنامه در جایی دیگر درباره علت شکل گیری تظاهرات سراسری در ایران می نویسد:

شورش روزهای ۱۵ و ۱۶ خرداد به علت دستگیری رهبران مذهبی به ویژه آیت الله خمینی که شخصیت برجسته ای در میان توده های مسلمان شیعه دارد، به وجود آمده است. (۳)

۲. دانشگاهیان

۲. دانشگاهیان

دانشگاه ها در هر کشوری به دلیل شرایط و فضای خاصی که بر آن حاکم است، همیشه یکی از کانون های بزرگ دگرگونی های فکری، سیاسی و اجتماعی به شمار می روند. با آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله، اندیشه های سیاسی و مذهبی ایشان در دانشگاه های ایران راه یافت و پس از آن، دانشگاه به عنوان یکی از مراکز مهم تربیت نیروهای انقلابی در کنار حوزه قرار گرفت. اولین حرکت هماهنگ دانشگاه در پشتیبانی از مبارزات امام خمینی رحمه الله، پس از تصویب لایحه ضد دینی انجمن های ایالتی و ولایتی بود. دانشگاهیان با تشکیل گردهمایی و مخالفت ورزیدن با تصویب این لایحه، در پشتیبانی از قیام به حق علما به قم شتافتند و در حرم مطهر، مسجد اعظم و بیت علما

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۹۷.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۱۹.

۳- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۳۱.

و مراجع علیه رژیم شعار دادند.^(۱)

پس از اعلام لوایح شش گانه و برنامه های انقلاب سفید، دانشگاهیان نیز در کنار دیگر گروه ها به مخالفت با رفراندوم دروغین شاه پرداختند و از تحریم همه پرسه پشتیبانی کردند. در آن روزها، در دانشگاه ها به دلیل نفوذ ملی گراها و عناصر چپ، شعارهایی سر داده می شد که با هدف کلی نهضت که براندازی کاخ ستم شاهی بود، چندان هم سویی نداشت. شعارهایی مانند: «اصلاحات آری، دیکتاتوری نه»؛ «اصلاحات ارضی نباید سرپوشی برای دیکتاتوری باشد»؛ «دانشجویان با اصلاحات موافقند، اما حکومت دیکتاتوری بر ایشان قابل تحمل نیست»،^(۲) که بر در و دیوار دانشگاه زده شده بود، نشانگر این بود که هنوز گروه های ملی به مبارزه اصلاح گرایانه ادامه می دهند و موضع چندان روشنی در راه مبارزه ندارند. آن چه مسلم است این که طولی نکشید دانشجویان و دانشگاهیان به عنوان وجدان های بیدار جامعه، موضع خود را به روحانیت نزدیک کردند و دانشگاه در کنار حوزه به یکی از بزرگ ترین کانون های مبارزه برای براندازی رژیم بدل شد. برای همین بود که سازمان امنیت و نیروهای نظامی بارها به دانشگاه حمله ور شدند و با مجروح کردن دانشگاهیان، سراسر دانشگاه ها را به خاک و خون کشیدند.

دانشجویان در شب یازدهم محرم، راه پیمایی باشکوهی در مخالفت با رژیم برگزار

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۱۸۲.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۲۴۴.

کردند و در روزهای دیگر نیز دوشادوش دیگر گروه‌های جامعه در راه پیمایی‌ها حضوری فعال داشتند. پس از دستگیری امام خمینی رحمه الله نیز اولین راه پیمایی روز پانزده خرداد در تهران، در حمایت از رهبری نهضت، از دانشگاه شکل گرفت و مردم با شنیدن صدای «خمینی را آزاد کنید»، به جمع دانشجویان مبارز پیوستند.

۳. بازاریان

۳. بازاریان

یکی دیگر از کانون‌های مبارزاتی مردم در جریان قیام پانزده خرداد و تحولات پس از آن، مجموعه بازاری بود. بازاریان دوشادوش دیگر گروه‌های در مبارزات مردم علیه حکومت ستم‌شاهی اجتماعی حضوری فعال داشتند. اینان از اولین گروه‌هایی بودند که پس از دریافت اطلاعیه‌های امام در صحنه‌های مبارزه حضور می‌یافتند.

از مهم‌ترین عملکردهای بازاریان، راه‌اندازی اعتصاب‌های سراسری در کشور بود که شرایط فوق‌العاده‌ای در کشور ایجاد می‌کرد و رژیم را زیر فشار قرار می‌داد. روشن است که اعتصاب یکی از شیوه‌های رایج مبارزاتی و از مؤثرترین روش‌ها برای اعمال فشار به حکومت هاست. بازاریان در شرایط حساس، نه تنها دست از کسب و کار می‌کشیدند، بلکه به صف راه پیمایی مردم می‌پیوستند و هم‌گام با توده‌های مردمی به پشتیبانی از رهبری نهضت می‌پرداختند. پس از تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، بازاریان جزو اولین گروه‌هایی بودند که با انتشار اعلامیه و نوشتن طومار، مخالفت خود را با آن لایحه اعلام کردند و تا زمان لغو آن، از پای نشستند.^(۱)

۱- نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۵۶.

پس از اوج گیری مبارزات، اولین راه پیمایی از بازار آغاز می شد. هم چنان که با صدور اعلامیه تحریم فرماندوم شاه از سوی امام خمینی رحمه الله، بازار تهران تعطیل شد و کسبه به خیابان ها آمدند و موج انبوهی از مردم هم گام کردند. (۱) در جریان قیام پانزده خرداد، بازار تهران و دیگر شهرها، اولین محل تجمع راه پیمایی کنندگان بود. به طور کلی، بازار همواره به عنوان دژ مستحکم و سنگر انقلاب در کنار حوزه و دانشگاه به کانون سوم مبارزات مردم تبدیل شده بود.

۴. دیگر گروه های مردمی

۴. دیگر گروه های مردمی

مهم ترین عناصر شکل دهنده قیام پانزده خرداد و مبارزات پس از آن، گروه های مختلف مردم بودند. کارگران، صنعت گران، کشاورزان، عشایر و قشرهای مستضعف و محروم جامعه از جمله گروه هایی بودند که از آغاز راه پیمایی ها و مبارزات تا آخرین مرحله های آن در صحنه مبارزه حضوری فعال و گسترده داشتند.

توده های مردمی که افرادی دین دار و مذهبی بودند، وقتی باورهای مذهبی خود را در خطر دیدند، پشت سر مرجع دینی خود برای حفظ اسلام و قرآن به پا خاستند. آن ها روحانیت را بخشی از مردم و پشتیبان خود می دانستند که برای تحقق عدالت اجتماعی و گرفتن حقوق از دست رفته محرومان جامعه به

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۲۴۶.

پا خاسته است. مردم حرکت اسلامی روحانیت را بهترین و مناسب ترین فرصتی یافتند تا برای به دست آوردن حقوق اولیه خویش گام بردارند. حتی عشایر کشور در کوه ها و دشت ها به مبارزه مسلحانه با رژیم و عوامل خود فروخته آن پرداختند. (۱) بیش ترین شهیدان و مجروحان این قیام از میان همین گروه های محروم و پا برهنه جامعه بود. امام خمینی رحمه الله که رهبری حرکت مردم را در دست داشت، درباره نقش سازنده و میزان مشارکت توده های مردمی در نهضت پانزده خرداد می فرماید:

اشخاصی که در ۱۵ خرداد جان دادند، سنگ های قبرهای آن ها را ببینید. کی بودند این ها؟ هر چه هست، این قشر پایین است؛ این قشر کشاورز است؛ این قشر کارگر است؛ این قشر تاجر مُسَلِم است. این قشر کاسب مسلم است. هر چه هست، از این قشر است. پس ۱۵ خرداد را به تبع اسلام این ها به وجود آوردند. (۲)

۵. روشن فکران

اشاره

۵. روشن فکران

با وجود حضور پرشور و حماسی مردم مسلمان ایران در نهضت پانزده خرداد و تحولات پس از آن، روشن فکران جامعه، رویکرد متفاوتی در برابر قیام خونین مردم داشتند.

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲- صحیفه نور، ج ۷، ص ۵۴.

دو گروه روشن فکران؛ یعنی روشن فکران ملی گرا و غیرمذهبی و روشن فکران مذهبی در آن برهه فعال بودند.

الف) ملی گراها و روشن فکران غیر مذهبی

این افراد که بیش تر در قالب حزب توده و احزاب و گروه های ملی گرا مانند: جبهه ملی و بعضی از عناصر نهضت آزادی گردهم می آمدند، به سبب داشتن مقام دولتی یا تلاش برای رسیدن به آن، تنها به مخالفت سطحی با رژیم بسنده می کردند. افزون بر آن، این ها به دلیل وابستگی فکری به مکتب های غربی، باور چندانی به مبارزه در قالب اسلام نداشتند. در این جا با آوردن گفته های چند تن از سران روشن فکر آن زمان، می کوشیم به معرفی آنان پردازیم: کریم سنجابی یکی از برجستگان ملی گرای آن روز در حالی که می کوشد روحانیت را متهم کند، می گوید:

معامله با آخوندها نمی شود [کرد]. آن ها اهل سیاست نیستند و می خواهند آخوند بازی دریاورند. موقعیت فعلی ایجاب نمی کند مبارزه ای شروع شود، جز این که افرادی قربانی شود و نتیجه ای هم گرفته نشود. ما افرادی هستیم که به مبارزه قانونی معتقدیم. عقل اجازه نمی دهد مردم را بیهوده به وحشت بیانداریم.^(۱)

حتی بعضی از آن ها قدرت چشم گیر مردمی را نادیده می گرفتند و برای انجام اصلاحات دست به دامن امریکایی ها می شدند. غافل از این که همه برنامه ها و سیاست های ایران بر اساس نقشه ها و طرح های امریکا و در راستای منافع آنان اجرا می شود. مهندس مهدی بازرگان در ماجرای بازجویی خود در سال ۵۷ در بازداشت گاه ساواک، درباره ارتباط عناصر جبهه ملی با خارجی ها در زمینه قیام ۱۵ خرداد می گوید:

۱- مؤلفه های مدنیت ولایی در ایران، ص ۲۷۱.

در حدود سال های ۴۰ و ۴۱ ما از طرف نهضت آزادی نامه ای تهیه و به منازل عده زیادی از امریکایی های مقیم تهران انداختیم. مفهوم این بود که شما امریکاییان در مملکت ما چه کار می کنید؟ چه منافی دارید؟ اگر پشتیبان مبارزات ملی هستید، چه نظری دارید؟ بعد از مدتی، از قرار معلوم، نامه بدون امضایی به منزل اللهیار صالح انداخته بودند، ولی معلوم بود که از سوی امریکایی ها و در جواب نامه مذکور است و مفهوم نامه این بود که: شما رهبر قابل قبول و مورد اطمینانی ندارید تا حکومت را در دست بگیرد. اگر رهبر شایسته بین شما پیدا شد، مورد پشتیبانی ماست و مسلماً امریکایی ها منافی در ایران دارند و به همین سادگی از ایران چشم پوشی نخواهند کرد. (۱)

جلال آل احمد درباره نقش روشن فکران در مبارزات انقلابی مردم به ویژه در جریان نهضت پانزده خرداد می گوید:

مهم این است که روشن فکران... هرگز صدایی به مخالفت برنیاوردند و همیشه با یک دنباله روی کودکانه در این دعوی مدام میان حکومت و روحانیت، طرف حکومت را گرفته اند و آخرین بارش قضیه ۱۵ خرداد ۴۲ به این طرف است. چنین است که به احتمال قوی، بار اصلی تمام شکست های سیاسی و اجتماعی مملکت را در این قرن اخیر به دوش روشن فکران باید دانست؛ هم چنان که نقش اصلی در قیام ها و حرکت های اجتماعی همین قرن اخیر را روحانیت عهده دار بودند. (۲)

(ب) رویکرد روشن فکران مذهبی

این گروه که گرایش های مذهبی داشتند، مخالف سرسخت رژیم شمرده

۱- مؤلفه های مدنیت ولایی در ایران، ص ۲۷۲.

۲- جلال آل احمد، در خدمت فضیلت روشنفکران، انتشارات رواق، تهران، ص ۳۲۹.

می شدند و با رژیم هیچ گونه همکاری نداشتند. این گروه، اگرچه تفسیرهای جدیدی از اسلام ارایه می دادند، ولی در کل به مبارزه بر اساس اسلام اعتقاد کامل داشتند. البته شمار این افراد بسیار کم بود که از آن جمله می توان دکتر علی شریعتی و جلال آل احمد را نام برد. این افراد با بیان اندیشه های خویش بر اساس اسلام، نقش مؤثری در حرکت ها و تحولات اجتماعی آن روز داشتند.

دکتر شریعتی به عنوان یک اندیشمند برجسته در دوران مبارزات سیاسی خود که از سال ها پیش از ۱۵ خرداد آغاز شده بود و تا درگذشتش ادامه داشت، بر اساس اندیشه دینی، هزاران جوان دانشجو را با فلسفه سیاسی خود که ترکیبی از سنت های اسلامی با افکار انقلابی بود، آشنا ساخت. (۱)

۶. جمعیت های مؤتلفه اسلامی

۶. جمعیت های مؤتلفه اسلامی

این گروه از بازاریان، دانشجویان، روحانیان، کارگران و کارمندان تشکیل می شدند و در جریان قیام خونین پانزده خرداد نقش اساسی در پیش برد نهضت داشتند. اگرچه این گروه پس از پانزده خرداد، نام رسمی و تشکل منسجمی به خود گرفت، ولی اعضای تشکیل دهنده این گروه در وقایع پانزده خرداد فعالانه شرکت داشتند و در حقیقت، برنامه های اصلی حرکت مردم به دست این گروه بود. از اعضای شاخص این گروه می توان به شهید مهدی عراقی، شهید فضل الله محلاتی و آقای حبیب الله عسکر اولادی اشاره کرد.

۱- تاریخ بیست و پنج ساله ایران، ص ۴۷۸.

۷. نهضت آزادی

۷. نهضت آزادی

پیش از کودتای ۲۸ مرداد، «جبهه ملی» در داخل خود به دو گروه: ملی گراهای غیر مذهبی و ملی گراهای مذهبی تقسیم شده بود. گروه دوم؛ یعنی مذهبی های جبهه ملی به عنوان «نهضت مقاومت ملی» نامیده می شدند که بعدها به دلیل دو دستگی ها و اختلاف های داخلی گسترش نیافت. بنابراین، آن دسته از افراد مذهبی که از جبهه ملی جدا شده بودند، اساس «نهضت آزادی» را پس از کودتای ۲۸ مرداد تشکیل دادند که از جمله آن ها آیت الله سید محمود طالقانی، مهندس مهدی بازرگان و دکتر یدالله سبحانی بودند. اعضای عادی نهضت آزادی را فرهنگیان، دانشگاهیان و مسلمانان تحصیل کرده تشکیل می دادند که از آن جمله محمد علی رجایی و دکتر مصطفی چمران از اعضای این نهضت به شمار می رفتند. (۱) البته عناصر غیرمذهبی نیز به داخل این نهضت رخنه کرده بود که آیت الله طالقانی از نفوذ آن ها سخت ناراحت بود و می گفت: «من با این اعضا مخالف بودم، ولی بازرگان این ها را آورد». از جمله این افراد عباس سمیعی و حسن نزیه بودند. (۲)

به هر حال، نهضت آزادی از جمله گروه های مبارز با رژیم ستم شاهی به شمار می رفت که حتی بیش تر اعضای اصلی آن بارها دستگیر و روانه زندان شدند و در جریان ۱۵ خرداد نیز در زندان بودند و تنها آیت الله طالقانی آزاد

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر هفتم، صص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۲- خاطرات پانزده خرداد، دفتر هفتم، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

شده بود. این گروه بیش تر از دیگر گروه های ملی در مبارزات مردم نقش داشت. (۱)

نهضت آزادی در جریان تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، با صدور اعلامیه هایی، رفتار دولت را در فریب دادن مردم و سرگرم کردن آن ها محکوم و به شدت از آن انتقاد کرد. (۲) این گروه هم چنین نهضت آزادی در اعلامیه ای که در تاریخ ۲۲/۴/۱۳۴۲ به مناسبت چهلم شهدای ۱۵ خرداد صادر کرد، جنایت های رژیم را در به خاک و خون کشیدن ملت مبارز ایران نکوهید. و حکومت پهلوی را حکومتی مرتجع و دیکتاتور نامید. در این اعلامیه آمده است:

آیا کسی که برای دموکراسی و احیای حکومت مردم بر مردم، سر بر کف دست گرفته است، مرتجع است یا آن که با زور و سر نیزه و به تبعیت از روش های قرون وسطایی، مملکت را به صورت فردی اداره کردن و تا بزنگاه نیستی و انهدام سوق دادن؟ (۳)

این گروه در مبارزات مردم شرکت داشت، ولی آن چه قابل توجه است این که شیوه مبارزه آن ها با امام فرق داشت. آن ها گرایش های اسلامی داشتند، ولی نمی توانستند اسلام را وارد مبارزات خود کنند و براساس مبانی اسلام حرکت کنند. آن ها در مبارزه سیاسی، معیارهای جداگانه ای داشتند و بیش تر بر ملی

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر هفتم، ۱۱۱ و ۱۱۲.

۲- بررسی نهضت امام خمینی رحمه الله، ص ۱۶۶، اعلامیه نهضت آزادی، اعلامیه دوم، ص ۱۸۴.

۳- نهضت روحانیون ایران، ج ۴، صص ۱۵۷ - ۱۶۰

گرایی تأکید داشتند تا بر اسلام. در نظر آن‌ها، ملیت نقش تعیین کننده داشت، حال آن که در نظر امام «ملیت گرایی خودش مخالف اسلام بود».^(۱)

این گروه اگر چه با حکومت دیکتاتور پهلوی مبارزه می کردند، ولی تا پایان مبارزه خود بر این که «شاه سلطنت کند، نه حکومت» تأکید داشتند. اینان به برقراری رابطه با امریکا و حرکت و مبارزه براساس قانون اساسی معتقد بودند و به جهاد و انقلاب اولویت نمی دادند چنان که بازرگان در سخنان خود به مناسبت اعلام موجودیت این گروه، بر پیروی از قانون اساسی تأکید کرد.^(۲) زمانی که امام در پاریس بود، مهندس بازرگان به دیدار ایشان رفت و می خواهم گفت که شاه در ایران بماند و سلطنت کند، نه حکومت. وی حتی به امام گفت: نخست وزیر را هم خودتان تعیین کنید، ولی امام این موضوع را نپذیرفت و فرمود: «شاه باید برود». وقتی بازرگان به ایران برگشت، گفت: «آیت الله خمینی می گوید: مرغ یک پا دارد!»^(۳)

۸. جبهه ملی

۸. جبهه ملی

پس از انشعاب عناصر مذهبی جبهه ملی از آن، افراد غیر مذهبی و

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر هفتم، ص ۵۴.

۲- اسناد نهضت آزادی، تهران، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۷.

۳- خاطرات پانزده خرداد، دفتر دوم، ص ۴۵.

پان ایرانیس این گروه، جبهه ملی دوم (۱) را تشکیل دادند که از افراد مذهبی در آن خبری نبود و به همین دلیل هیچ گونه پایگاه مردمی نداشتند. این گروه مصلحت اندیش و فرصت طلب بودند و با شعار حفظ نظام شاهنشاهی و پاسداری از قانون اساسی، برای برقراری حکومت دموکراسی در ایران تلاش می کردند؛ یعنی هم می خواستند مردم را با شعارهای عوام فریبانه پشت سر خود بسیج کنند و هم پیوند خود را با حکومت از دست ندهند و به پست و مقامی برسند. این گروه، با انجام اصلاحات در ایران بسیار خرسند بودند و از آن پشتیبانی می کردند و از در پیش گرفتن هرگونه رویکرد تند علیه شاه و دولت پرهیز داشتند. از این رو، در جریان قیام پانزده خرداد خود را از مبارزات مردم دور نگه داشتند. آن ها همواره با شاه و امریکا در تماس بودند و در فعالیت های سیاسی خود بسیار با احتیاط پیش می رفتند.

جبهه ملی نمی توانست موضع مشخصی در برابر سیاست های شاه داشته باشد؛ چون شاه در حقیقت مجری سیاست های امریکا بود و جبهه ملی که خود را «لایبک» و مورد حمایت امریکا می دانست، در عمل نمی توانست همراه ملت و روحانیان به مخالفت با شاه برخیزد. بنابراین، آن ها در پی شعاری بودند که هم بتوانند پیوندشان با شاه را حفظ کنند و هم در میان ملت جایگاهی داشته باشند. از این رو، شعار «اصلاحات آری؛ دیکتاتوری نه» را مطرح

می کردند.^(۱) همراهی با شاه و مخالفت با مردم، در حقیقت، سرآغاز مرگ سیاسی این جبهه بود. این گروه در ۱۵ خرداد نتوانست موضع مشخصی در قبال شاه و ملت بگیرد و با توجه با اختلاف های داخلی و نیز به دلیل شرایط سیاسی کشور، ضربه سختی متحمل شد و دیگر نتوانست فعالیت سیاسی مؤثری انجام دهد.

در عصر روز چهارشنبه ۱۵ خرداد که تیمسار پاک روان _ رئیس ساواک _ در گفت و گوی مطبوعاتی شرکت کرده بود، در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران که پرسیده بود: آیا جبهه ملی در این جریان ها شرکت داشته است؟ گفت: «تا آن جا که من اطلاع دارم خیر».^(۲)

دکتر محمد مصدق نیز که در آن زمان به احمد آباد تبعید شده بود، همواره با سران جبهه ملی تماس داشت و هیچ گونه واکنشی از خود نشان نداد.^(۳)

۹. حزب توده

۹. حزب توده

پس از قیام خونین پانزده خرداد و آشکار شدن دستاوردهای این قیام، حزب توده ادعا کرد که در جریان مبارزات مردم علیه حکومت پهلوی نقش اساسی داشته و از مواضع روحانیت پشتیبانی کرده است. این حزب در کتاب

۱- جواد منصوری، قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، مرکز انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۲۶۸ _ ۲۷۲.

۲- جواد منصوری، قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، مرکز انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۰.

۳- جواد منصوری، قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، مرکز انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۰.

اسناد و دیدگاه های حزب توده، سخنان شاه را که گفته بود: «ارگان بی دینان دنیا، گاهی چنان از دین و روحانیت دفاع می کند که گویی وظیفه پیامبری بر عهده دارد»،^(۱) به عنوان نمونه برای هم سویی این حزب با قیام اسلامی پانزده خرداد نقل می کند، ولی واقعیت چیز دیگری است. حزب توده که وابسته به شوروی سابق و مجری سیاست های آن کشور در ایران بود، هر چند با عنوان گروه چپ با حکومت پهلوی مبارزه می کرد، ولی همواره خواهان ایجاد انقلاب کمونیستی (انقلاب سرخ) در ایران بود، در حالی که قیام اسلامی مردم ایران که در پانزده خرداد شکل گرفت، همان اندازه که امپریالیسم غربی را رد می کرد، با کمونیسم شرقی نیز مخالف بود. در نتیجه، حزب توده با پیروی از شوروی و هم صدا با کشورهای غربی، قیام مردم را «کوشش محافل ارتجاعی» لقب داد و آن را محکوم کرد.

ماهنامه مردم _ ارگان تئوریک حزب توده _ در تیرماه ۱۳۴۲ نوشت:

در این که محافل ارتجاعی کوشیده اند در ایام عزاداری از احساسات مذهبی عده ای سوء استفاده کرده، گروهی از افراد عقب افتاده و متعصب را به اعمال و رفتاری جاهلانه ضد ترقی و برخلاف انسانیت برانگیزند و حتی شعارهایی علیه اصلاحات ارضی و آزادی (زنان) در میان تظاهرات مردم پخش نمایند، شکی نیست.^(۲)

رادیو پیک ایران نیز که به عنوان سخن گوی این حزب در خارج از مرزهای

۱- اسناد و دیدگاه ها (حزب توده ایران در آغاز پیدایی تا انقلاب ۵۷)، ۱۶ آذر، شماره ۶۸، ص ۴۶۱.

۲- زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۲۲۱.

ایران فعالیت می کرد، در تحلیل واقعه پانزده خرداد گفت:

افرادی که با لباس روحانیت با شرکت زنان ایران در سرنوشت خود و جلب نیمی از ایرانیان به امور سیاسی مخالفت می ورزند، اگر تحریک شده از طرف محافل معین استعماری و مخالف با پیشرفت و آزادی مردم ایران نباشند، بدون شک و شبهه، در شمار جاهلان کور باطل و خرافاتی های قشری هستند که درک نمی کنند مخالفت آنان با برابری حقوق زنان ایران آن هم در نیمه دوم قرن بیستم بی اندازه ننگ آور و زیان بخش است. (۱)

۱۰. حزب زحمتکشان

۱۰. حزب زحمتکشان

یکی دیگر از گروه های فرصت طلب، حزب زحمتکشان به رهبری دکتر مظفر بقایی بود. این گروه اساساً به نهضت اسلامی اعتقادی نداشتند و تنها به امید آن که امریکا با ایجاد اصلاحات و فضای باز سیاسی در ایران به افرادی مانند علی امینی و خود مظفر بقایی چراغ سبز نشان خواهد داد و آن ها را روی کار می آورد، به میدان فعالیت سیاسی پا نهادند اعضای این حزب از ملی گراهایی بودند که هیچ گونه گرایش مذهبی نداشتند. این گروه در تیرماه ۱۳۴۲ پس از تجزیه و تحلیل وقایع کشور، به این نتیجه رسید که از حرکت های آزادی خواهانه مردم پشتیبانی کند. بنابراین، خود را در ظاهر به روحانیت نزدیک می کردند و از دسیسه ها و نقشه های رژیم برای انحراف نهضت و سرکوبی آن خبر می دادند. این گروه بر این عقیده بود که دولت می خواهد امام خمینی رحمه الله را در یک

۱- نهضت روحانیون ایران، ج ۴، ص ۱۵۸، برگرفته از: روزنامه مردم، دوره پنجم، شماره ۷۷، ۱۵ اسفند ۱۳۴۲.

محکمه سرّی به اعدام محکوم کند و سپس با پنهان کاری های غیر مستقیم از روحانیت بخواهد که با التماس، درخواست عفو کنند. آن گاه رژیم با یک درجه تخفیف نسبت به حکم اعدام، همه خون های ریخته شده را به گردن روحانیت بیاندازد و در محیط خفقان و وحشت و سکوت، به اصلاحات و انتخابات فرمایشی دست بزنند. این گروه، تحلیل های خود را بر اساس سخنان اسد الله علم تنظیم کرده بودند که گفته بود سران مذهبی که اکنون در زندان هستند، به محکمه نظامی سپرده خواهند شد و احتمال دارد برای آنان حکم اعدام صادر شود. این گروه پس از تجزیه و تحلیل مسایل جامعه، به علمای قم پیشنهاد کرد که:

۱. حضرت آیت الله خمینی به عنوان مرجع تقلید و شخص اول روحانیت به تمام مراجع داخلی و خارجی رسماً و بدون ابهام معرفی گردد؛

۲. کلیه تقاضاهای مختلفه به صورت شعار واحد؛ یعنی اجرای کامل قانون اساسی و قوانینی که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است، منحصر گردد؛

۳. رسماً اعلام شود هر کس مطلبی خارج از این اعلام دارد، بستگی به مقامات روحانی ندارد. [\(۱\)](#)

مطالب پیشنهادی این حزب به خوبی نشان می دهد که تلاش این گروه تنها برای این است که خود را در قیام مردم سهیم کند و پایگاه مردمی به دست آورد و به منافع شخصی خود دست یابند؛ چون با دقت در این پیشنهاد در می یابیم که امام خمینی رحمه الله را به عنوان شخص اول روحانیت معرفی کرده اند، نه

به عنوان رهبر تمام جامعه. هم چنین این گروه، خواسته های خود را در چارچوب قانون و مصوبات مجلس فرمایشی پی می گیرند، در حالی که این امر با هدف قیام اسلامی مردم در تضاد است. افزون بر آن، آن ها به جای آن که موضع خود را تغییر دهند و به مردم و مراجع نزدیک شوند، می خواستند روحانیت را به خود نزدیک کنند.

۱۱. دیگر گروه ها

۱۱. دیگر گروه ها

از گروه های دیگری که در جریان قیام پانزده خرداد ۴۲ نقش داشتند، گروه خلیل ملکی بود. در حقیقت، جامعه سوسیالیست ها به رهبری وی به طور رسمی در قیام پانزده خرداد شرکت کردند.^(۱) وی در حزب توده فعالیت داشت جزو حزب زحمتکشان بقایی بود که از آن جدا شد. خلیل ملکی با این که گرایش های اسلامی نداشت، ولی فردی آگاه بود که با صدور اعلامیه ای در پانزده خرداد، از مبارزات مردم به رهبری امام خمینی رحمه الله پشتیبانی کرد و یاوه گویی های رژیم را محکوم ساخت. در بخشی از این اعلامیه آمده است:

این ها مرتجع نیستند. این ها مردمان پابرهنه ای هستند که حقشان را می خواهند.^(۲)

از گروه های دیگری که به حمایت از قیام مردم و در مخالفت با رژیم به مبارزه پرداختند، گروهی به نام «مجاهدین» بود. این گروه، در جریان تصویب

۱- زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۲۲۶.

۲- خاطرات پانزده خرداد، دفتر دوم، ص ۵۵.

لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، اعلامیه تندى علیه رژیم صادر کرد. در بخشی از این اعلامیه آمده است:

بر حسب فرمان لازم الاجرای الهی، آنان که برخلاف نوامیس اسلامی و قوانین قرآن آغاز به فعالیت های کرده اند، بایستی در این موقعیت خطرناک، از انقلاب عمیق علیه خود بترسند. شاه و ایادی شاه بدانند مردم مسلمان ایران نمرده اند که برخلاف عقاید دینی آنان این گونه علنی اقدام شود. (۱)

فصل ششم: واکنش های خارجی به قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل ششم: واکنش های خارجی به قیام ۱۵ خرداد

موضع گیری های مجامع بین المللی و کشورهای شرق و غرب در برابر قیام اسلامی پانزده خرداد قابل توجه و بررسی است. بلوک غرب و کشورهای امپریالیستی به ویژه امریکا همواره پس از جنگ دوم جهانی با کشورهای کمونیستی به ویژه شوروی سابق در رقابت بودند و هر کدام از آن ها موضع متضادی نسبت به در قبال کشورهای زیر سلطه از جمله ایران یکدیگر داشتند. با این حال، وقتی نهضت اسلامی مردم ایران در پانزده خرداد آغاز شد، همه آن کشورها هم پیمان شدند و برای مخالفت با قیام مردم مسلمان ایران، از رژیم شاهنشاهی پشتیبانی کردند. دلیل این امر را باید در ماهیت اسلامی این نهضت جست و جو کرد؛ اسلام همان اندازه که منافع امپریالیسم غربی را در ایران به خطر می انداخت و بساط سلطه آنان را از ایران برمی چید، به همان اندازه با

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۱۸۳.

کمونیسم شرقی سر ستیز داشت و هر گونه سلطه خارجی بر این کشور را نفی می کرد.

بنابراین، همه آن کشورها یک صدا در حمایت از رژیم و «ارتجاعی» و «باطل» خواندن قیام مردم مسلمان ایران هم پیمان شدند. البته مواضع نهادها و سازمان های مستقل جهانی و شخصیت های آزادی خواه بیش تر به حقیقت نزدیک بود و آن ها به گونه ای جدا و متفاوت از کشورهای استعماری عمل می کردند. در ادامه، مواضع بعضی از کشورها و نهادهای جهان را به اختصار بیان می کنیم.

۱. آمریکا

۱. آمریکا

همان گونه که پیش تر گفته شد، اصلاحات در ایران به پیشنهاد و دستور کاخ سفید بود تا ساختار سیاسی و اجتماعی ایران را دگرگون سازد و با حفظ تاج و تخت پادشاهی، سلطه خویش را بر این کشور گسترش دهد. ماه ها پیش از آن که شاه اصول شش گانه انقلاب سفید را اعلام کند، فیلیپ تالبوت _ معاون وزارت خارجه آمریکا _ در سخنانی در کنگره این کشور، اصلاحات در ایران را نوید داد و گفت:

ایران با تشویق ها و کمک های آمریکا به اجرای برنامه های شجاعانه ای که عبارت از تثبیت اوضاع سیاسی باشد، پرداخته است که دور نمای امید بخشی برای رفع مشکلات داخلی آن دارد. این برنامه که در سال ۱۹۶۳ آغاز می شود، کاملاً جدید و پرارزش خواهد بود. (۱)

شاه، اصول انقلاب سفید را در ۶ بهمن ۱۳۴۱ برابر با ۲۶ ژانویه سال

۱۹۶۳؛ یعنی همان سالی که اربابان امریکایی گفته بودند، اعلام کرد. کاخ سفید به شاه اعلام کرده بود در صورتی کمک های نظامی و مالی امریکا به رژیم افزایش خواهد یافت که برنامه اصلاحاتی در ایران به طور کامل اجرا شود. با آغاز اصلاحات در ایران، رسانه های امریکا با مدیحه سرایی از شاه، عملکردهای وی را «ابتکار بی سابقه» نامیدند و به طور گسترده از او پشتیبانی کردند. روزنامه یونایتد پرس نیز آغاز اصلاحات را اساسی ترین گام دولت برای جلوگیری از شورش داخلی و مبارزه با کمونیسم توصیف کرد.^(۱)

قیام اسلامی مردم مسلمان ایران منافع استعماری امریکا را در هر زمینه به خطر می انداخت. بنابراین، با آغاز مبارزات مردمی و اوج گیری آن در پانزده خرداد، مطبوعات و رسانه های ایالات متحده امریکا با چاپ مقاله ها و گزارش هایی از اوضاع ایران، از قیام مردم با لحن توهین آمیزی یاد می کردند و آن را ارتجاعی و ضد پیشرفت لقب می دادند. مجله تایم در سرمقاله شماره ۱۴ ژوئن ۱۹۶۳ (۲۴ خرداد ۱۳۴۲) نوشت:

تهران در هفته گذشته سه روز تمام میدان نبرد بود. مردم شیون می کشیدند، مسلسل ها می غریدند و دودی که از زباله های سوخته به هوا می رفت، با ابرهایی از گاز اشک آور درآمیخته بود. این نبردی بر ضد پیشرفت بود.

این مجله در ادامه شاه را «پادشاه فوق العاده و اصلاح اندیش» نامید و مبارزات او را برای «تبدیل کشور فئودالی به کشوری مدرن!» ستود. هم چنین این مجله درباره مخالفان شاه نوشت:

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۱۲۶.

مخالفان نیرومند او (شاه) عبارتند از دیوان سالاران فاسد، زمین داران بزرگ و ملاحایی که برنامه او را در اعطای حق رأی به زنان و اجاره دادن روستاهای موقوفه به دهقانان، کفرآمیز می دانند. (۱)

هم چنین یونایتدپرس اینترنشنال در گزارشی از اوضاع ایران نوشت:

هزاران مسلمان متعصب به قلب تهران یورش بردند.

این روزنامه در گزارش دیگری اعلام کرد:

تظاهرات به تحریک شخصیت های دینی صورت گرفته است، همان کسانی که با اصلاحات شاه مخالفند؛ زیرا اصلاحات او به درآمد ایشان از زمین هایی که اکنون به روستاییان اعطا شده لطمه زده است. (۲)

روزنامه های وابسته به دولت امریکا، همان مواضع رژیم ایران را در قبال نهضت تکرار کردند و راه پیمایی کنندگان را مزدوران و تحریک شدگان از سوی کمونیسم لقب دادند. این در حالی بود که شوروی نیز مخالف این نهضت اسلامی بود. در این میان، نشریه علمی مسیحیان که دیدگاه اعتدالی داشت، با بررسی اوضاع ایران در جریان قیام پانزده خرداد، نهضت مردم را متأثر از تاریخ بومی و جریان های ملی و مذهبی ایران دانست که در مخالفت با شخص شاه و دیکتاتوری های او صورت گرفته است. (۳) نشریه نوشن (NOTION) نیز با پشتیبانی از مبارزات مردم، حرکت علمای دینی را تو دهنی

۱- زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۲۲۲.

۲- زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۲۲۲.

۳- نهضت روحانیون ایران، ج ۴، ص ۱۵۸.

به رژیم خواند. (۱)

۲. انگلستان

۲. انگلستان

گفتیم که کشورهای غربی با آغاز اصلاحات، به پشتیبانی از رژیم شاه برخاستند و مخالفان آن را به هر وسیله ممکن کوبیدند. روزنامه نیوز دیلی چاپ انگلستان با مدیحه سرایی از شاه نوشت:

شاهنشاه با تقسیم املاک میان کشاورزان، حق شناسی عمیق مردم ایران را به خود جلب کرده است. (۲)

با این ادعا، روشن می شود که این روزنامه، دولت های استعماری را با ملت ایران به اشتباه گرفته است؛ زیرا شاه می کوشید با انجام اصلاحات به قیمت سرکوبی مردم، خشنودی کشورهای غربی را فراهم کند. با اوج گیری مبارزات مردم ایران در پانزده خرداد و کشتار گسترده مردم به دست رژیم، این کشور هم چنان به پشتیبانی از رژیم استبدادی شاه ادامه داد و راه پیمایی های اسلامی و به حق مردم را آشوب های خیابانی و حرکت های ارتجاعی نامید. رادیو لندن (BBC) در تفسیری که به اوضاع و دگرگونی های ایران اختصاص داشت، با بررسی روزنامه های داخلی انگلستان و شرح گزارش هایی از آن ها به نقل از روزنامه های می گوید:

ریشه این غائله، مذهبی و احساساتی است که در ماه محرم غلیان می کند. رهبران که قدرت فراوانی دارند، قدرت خود را در ایران با برنامه ترقی خواهانه

۱- نک: فصل هفتم همین پژوهش، دست آوردهای قیام، زیر عنوان معرفی قیام در خارج از مرزهای کشور.

۲- روزنامه اطلاعات، ۲۲ بهمن ۱۳۴۰.

شاه در خطر می بینند. (۱)

این رادیو به نقل از روزنامه کنس وایتر دهلی تلگراف، دروغ های رژیم ایران را در استقبال مردم از رفراندوم قلبی شاه تکرار می کند و می گوید:

۹۹ درصد مردم از برنامه اصلاحات ارضی و اقتصادی شاه پشتیبانی کردند! اکنون دستگاه انقلابی سلطنت با مخالفین ارتجاعی مواجه شده اند.

همان گونه که روشن است این رادیو، قیام اسلامی مردم ایران را حرکت ارتجاعی می داند که مانع از عملکردهای انقلابی و پیشرفته رژیم می شود. رادیو BBC در ادامه، آمار کشته ها و زخمی های تظاهرات خونین پانزده خرداد را بسیار اندک تر از آن چه روی داده بود، بیان می کند و می گوید:

پس از چندین روز آشوب و تظاهرات در ایران، دست کم نودونه کشته و قریب ۲۰۰ نفر زخمی شده اند.

البته چنین موضع گیری های ناحق از سوی کشورهایی مانند امریکا و انگلیس و دولت های استعماری که تنها به منافع خود می اندیشند، چندان هم دور از انتظار نیست؛ چون امروزه بر همگان آشکار است که آن دولت ها به نام آزادی، حاضرند ملت های بی گناهی را به خاک و خون بکشند تا منافع اقتصادی خود را به دست آورند.

۳. اتحاد جماهیر شوروی (سابق)

۳. اتحاد جماهیر شوروی (سابق)

گفتیم که نهضت اسلامی مردم ایران همان اندازه که با سیاست های استعماری غرب مخالف بود، با سلطه گری های شرق نیز مخالف بود. بنابراین، شوروی با دشمنان پیشین خود هم پیمان شد آنان در برابر خطر مشترکی که هر

دو آن‌ها را تهدید می‌کرد، به پا خاستند. بیان دیدگاه‌ها و مواضع رسانه‌های این دو ابرقدرت، این موضوع را به خوبی آشکار می‌کند.

رادیو مسکو در برنامه فارسی شب ۱۶ خرداد خود، با تکرار همان مواضع رسانه‌های امریکایی و اروپایی، قیام مردمی پانزده خرداد را چنین ارزیابی می‌کند:

عناصر ارتجاعی ایران که از اصلاحات این کشور مخصوصاً اصلاحات ارضی ناراضی هستند و افزایش حقوق اجتماعی و توسعه آزادی زنان ایران را باب میل خود نمی‌دانند، امروز در تهران و قم و مشهد تظاهرات خیابانی برپا کردند. رهبران بلوا و محرکین اصلی آن، برخی از رهبران مذهبی بودند. عناصر ارتجاعی بازار را به آتش کشیدند، چند مغازه را مورد حمله قرار داده و غارت کردند. اتومبیل‌ها و اتوبوس‌ها را درهم شکستند و به چند اداره دولتی نیز حمله ور شدند. (۱)

این رادیو در تفسیر روزهای بعد نیز با ارایه گزارش‌هایی از ایران، غارت مغازه‌ها و حمله به زنان بی‌چادر را که از سوی عناصر لباس شخصی رژیم صورت می‌گرفت، به مردم مذهبی و راه‌پیمایان دینی نسبت داد. (۲)

پشتیبانی شوروی از رژیم و محکومیت قیام مردم به رادیو دولتی این کشور محدود نماند و مطبوعات دولتی و غیر دولتی نیز کوشیدند با ناسزاگویی به مردم تظاهرات‌کننده در ایران، رسالت دروغ‌گویی خود را به انجام برسانند. (۳)

۱- زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۲۲۲.

۲- سروش، ش ۱۰۰، ص ۴۷.

۳- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۱۵.

روزنامه امانیته چاپ فرانسه همانند دیگر کشورهای غربی مخالفت های مردم با اصلاحات در ایران «حرکت ارتجاعی» خواند و آنان را به مخالفت با «آزادی زنان و توسعه» متهم کرد. روزنامه لیبراسیون نیز با ارایه گزارش هایی از اوضاع ایران، قیام ملت را «آشوب های خیابانی» نامید و آن را به شدت محکوم کرد. (۱) البته موضع روزنامه لوموند تا حدودی به واقعیت ها نزدیک بود و در لایه لای مطالب این روزنامه، حقایقی از کشتار فجیع رژیم و وحشی گری های آن در سرکوبی مردم به چشم می خورد. این روزنامه در شماره ۵۷۱۹ خود به تاریخ ۷/۶/۱۹۶۳ نوشت:

۲۳ تانگ سنگین امریکایی در برابر اداره شهربانی و وزارت خارجه آماده عملیات هستند. سربازان به طور مداوم انگشتانشان روی ماشه آماده فشردن است. وزارت دادگستری آمار کشته شدگان را ۷۴ نفر شمرد، ولی به نظر می رسد شمار قربانیان خیلی بیش از این باشد. هرگونه اجتماع از ساعت ۸ به بعد ممنوع است. مأموران فرمانداری نظامی دستور دارند در پی اولین اخطار شلیک کنند. هر کس علیه نظم عمومی فعالیت کند، در معرض مجازات اعدام قرار دارد.

این روزنامه در ادامه به گفته های تیمسار پاک روان _ رئیس ساواک _ اشاره می کند که گفته بود:

توطئه گران با عوامل مصری ارتباط داشتند و جوهری از آن کشور دریافت داشته اند. هدف آیت الله خمینی، رئیس توطئه گران با هم دستی علمای خارجی این است که می خواهد خود را مرجع شیعیان گرداند.

این روزنامه در شماره بعدی خود (۸ ژوئن) می نویسد:

به نظر می رسد که شورش روزهای چهارشنبه و پنج شنبه (۱۵ و ۱۶ خرداد) بخشی از یک برنامه عمومی از پیش تعیین شده نبوده است، بلکه به علت دستگیری رهبران مذهبی به ویژه دستگیری آیت الله خمینی که شخصیت برجسته ای در میان توده های مسلمان شیعه دارد، به وجود آمده است. (۱)

روشن است که موضع این روزنامه تا حدودی با واقعیت های اوضاع ایران در آن زمان سازگار است و گرچه سانسور خبری نیز اعمال شده است، ولی جنایت های رژیم و اعمال فاشیستی او را افشا می کند.

۵. آلمان

۵. آلمان

رسانه های کشور آلمان در راستای اهداف امپریالیسم غربی، تظاهر کنندگان علیه رژیم را مخالفان آزادی زنان و توسعه نامید و آنان را «افراطیون مذهبی» لقب داد. روزنامه فرانکفورترستونگ که تفسیر خبری خود را با عنوان «اغتشاشات در ایران» نام گذاری کرده بود، ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران را نظامی شکست خورده و کهنه خواند و نجات کشور و استقلال همه جانبه ایران را در گرو اصلاحات و انقلاب شاهنشاهی دانست. این روزنامه اجرای برنامه های امریکا و وابسته کردن کشور به غرب و نابودی کشاورزی ایران را استقلال سیاسی و اقتصادی ایران می داند، شاه را به دلیل کارهای شجاعانه اش می ستاید و مخالفان وی را افرادی متعصب و مخالف آزادی معرفی می کند.

روزنامه دی ولت (شماره ۱۲۹ در تاریخ ۶/۶/۱۹۶۳) در گزارشی از اوضاع

ایران، با عنوان «مسلمانان علیه اصلاحات؛ بازار در حال آتش سوزی» چنین خبر می دهد:

برابر احتمال هایی که داده می شود، صدها نفر از مردم کشته شده اند... تظاهر کنندگان، بازار را در چندین نقطه به آتش کشیدند. (۱)

البته در این جا این پرسش مطرح می شود در حالی که شمار زیادی از قیام کنندگان از بازاریان بودند و بازار اولین محل تجمع راه پیمایی کنندگان بود، چگونه ممکن است که خود بازاریان و مردم، مغازه هایشان را به آتش بکشند و آن ها را غارت کنند. این روزنامه، عملکرد عناصر ساواک را همانند رژیم پهلوی به مردم عادی نسبت می دهد تا میان تودهای مردم ایجاد اختلاف کند. این روزنامه در شماره های بعدی، سانسور خبری را شدیدتر کرده و حتی آمار کشته شدگان را که پیش تر صدها نفر اعلام کرده بود، به استناد گفته های دولت، به ۲۶ نفر و زخمی ها را به ۶۰ نفر کاهش می دهد. دی ولت در شماره ۱۳۰ تاریخ ۷/۶/۱۹۶۳ می نویسد:

در اغتشاشاتی که ۳ روز به طول انجامید، برابر گفته علم _ نخست وزیر کشور _ ۲۶ نفر کشته و ۶۰ نفر زخمی شده اند. (۲)

۶. عراق

۶. عراق

واکنش دولت عراق و حوزه های علمیه این کشور نسبت به قیام مردم ایران در سال ۱۳۴۲ کاملاً متفاوت بود. رادیو بغداد در گزارش هایی که از اوضاع

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۵۲۶ و ۵۲۸.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۵۲۶ و ۵۲۸.

ایران مخابره می کرد، در راستای اهداف امپریالیسم جهانی، قیام مردم را توطئه عوامل خارجی با انگیزه های مادی بر می شمرد. این رادیو در آن زمان گفت:

تظاهر کنندگان از سوی بعضی از روحانیان تحریک شده بودند و خود این روحانیان نیز به واسطه مالکانی که با اصلاحات ارضی مخالف هستند، حمایت می شوند.^(۱)

در واقع، این رادیو علت قیام مردم را قطع شدن موقوفات و وجوهی می داند که مالکان به روحانیت می پرداختند. این مطلب همان تبلیغات دستگاه حاکم ایران بود که برای انحراف و تغییر ماهیت قیام اسلامی پانزده خرداد صورت می گرفت.

البته جامعه روحانیت این کشور از همان آغاز مبارزات مردم، به پشتیبانی از رهبری نهضت و قیام اسلامی مردم برخاستند و با صدور اعلامیه ها و بیانیه های گوناگون و محکوم کردن جنایت های رژیم ایران و عملکردهای ضد اسلامی و استبدادی او، انزجار و نفرت خود را از حکومت ایران اعلام کردند. در جریان فراندوم ساختگی، رادیو دولتی ایران اعلام کرد که «روحانیون ایرانی و ایرانی های مقیم عراق به صورت گسترده در دبیرستان ایرانیان کربلا حضور یافته اند و با امضای طوماری، پشتیبانی خود را از انقلاب سفید شاه اعلام کرده اند». در پی آن، علما و مراجع کربلا با صدور اعلامیه ای واکنش تنیدی به دروغ پردازی های رژیم نشان دادند و با محکوم کردن اعمال ضد اسلامی شاه، استبداد دستگاه حاکم، زندانی کردن علما و مردم و عوام فریبی های رژیم، این گونه

دروغ پردازی ها را راهی برای پوشیده نگه داشتن جنایت های رژیم دانستند. مجله صوت المبلغین با درج اعلامیه علمای عراق، حقایقی را از فریب کاری های رژیم برای انحراف افکار عمومی افشا کرده است که جالب توجه است. این مجله می نویسد:

جاسوسان شاه در کربلا، اولیای اطفال دبستانی و دبیرستانی را به اسم گرفتن لباس رایگان برای فرزندانشان به محل دبیرستان ایرانی های مقیم کربلا فرا می خوانند و پس از حضور عده ای از اولیا، جشنی برگزار می کنند و با تزویر و نیرنگ به عنوان رسید لباس، امضاهایی از مردم می گیرند. آن گاه با بوق و کرنا مردم شرافت مند کربلا و علمای اسلام را متهم می سازند که رژیم ضد قرآن و ضد علمای دین را تأیید کرده اند! و اعلام می کنند که رفتن مردم کربلا به محل دبیرستان ایرانیان مقیم کربلا برای پشتیبانی از فرزندوم شاه بوده است؛ در صورتی که مردم شرافت مند کربلا از فتوای علمای خویش علیه هیأت حاکمه ایران و کارهای ضد اسلامی رژیم شاه باخبرند و هیچ گاه آن را تأیید نمی کنند. (۱)

علمای عراق در جریان حادثه فیضیه نیز با برگزاری مجالس سوگواری و ترحیم، اعمال فاشیستی رژیم را در کشتار طلاب و مردم بی گناه و مظلوم ایران محکوم کردند و با محاصره سفارت ایران در عراق و صدور اعلامیه ای، خشم و انزجار خود را از رژیم شاه آشکار ساختند. پس از آن وقایع، آیت الله العظمی حکیم از علمای ایران خواست تا به نشانه اعتراض به رژیم شاه، به عراق مهاجرت کنند.

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۲۷۸.

در پی این موضع گیری آگاهانه علمای عراق در پشتیبانی از مبارزات مردم ایران، جهانگیر تفضل _ مشاور نخست وزیر _ در یک گفت و گوی خبری گفت:

علمای شرافت مند حقیقی ایران که در عراق هستند، طرفدار انقلاب (انقلاب سفید) شاه ملت ایران می باشند، ولی شنیده ام که بعضی در لباس روحانیت از جانب سرهنگ عبدالناصر (مصری) سودهایی مادی برده اند و تشویق هایی شده اند تا اولاً خلیج فارس را خلیج عربی بنامند و ثانیاً با انقلاب مقدس ملت ایران ناجوان مردانه مبارزه کنند. (۱)

گفتنی است این گونه تهمت زدن ها به علمای عراق نمی توانست آن ها را از راهی که برگزیده بودند، بازدارد. پس از حوادث خونین پانزده خرداد، حوزه های علمیه نجف، کربلا و کاظمین با شنیدن جنایت های رژیم و کشتار وحشیانه مردم به دست دژخیمان استبداد، با تمام نیرو پشتیبانی خود را از امام خمینی رحمه الله و ملت به پا خاسته ایران علیه استبداد اعلام کردند. هم چنین با صدور اعلامیه ها و تلگراف هایی از تمام سران کشورهای اسلامی و سازمان های بین المللی برای آزادی امام خمینی رحمه الله و دفاع از ملت ایران کمک خواستند. آنان با فرستادن اعلامیه هایی به رژیم شاه، خشم و انزجار خود را از وحشی گری های رژیم در کشتار مبارزان مسلمان در ایران ابراز داشتند.

۷. مصر

۷. مصر

وقتی امام خمینی رحمه الله مبارزات خود را علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی آغاز کرد، اسرائیل را بزرگ ترین خطر برای کشورهای اسلامی

می شمرد. در آن زمان، به دلیل گسترش روابط رژیم ایران با اسرائیل و به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی حکومت ایران، رابطه ایران با کشور مصر قطع شده بود.^(۱)

پس از قیام خونین پانزده خرداد که شاه در آن به کشتار گسترده مردم دست زد و هزاران نفر را به خاک و خون کشید، رژیم شاه برای این که اعمال فاشیستی خود را توجیه کند، در یک دروغ سازی آشکار، قیام مردم را با عوامل خارجی پیوند داد و اعلام کرد که قیام کنندگان از سرهنگ جمال عبدالناصر مصری مبلغی پول دریافت کرده اند. بنابراین، دستگاه های تبلیغاتی رژیم نوشتند:

در تاریخ یازدهم خرداد، شخصی به نام عبدالقیس جوجو از لبنان وارد فرودگاه مهرآباد تهران شده است، ولی چون مورد سوء ظن مأموران گمرک قرار گرفته بود، تحت بازجویی و واریسی قرار گرفت و مبلغی معادل یک میلیون تومان از او به دست آمد. وی پس از تحقیقات اعتراف کرد آن مبلغ را از سوی جمال عبدالناصر برای افراد مشخصی در ایران آورده است.^(۲)

این دروغ به قدری ناشیانه بود که رژیم در انتشار آن دچار تناقض گویی شده بود، به گونه ای که سفارت ایران در بغداد با تکرار داستان یاد شده، فرستاده عبدالناصر را فردی به نام محمد توفیق القیاسی معرفی کرد،^(۳) ولی مدارک مستند این دروغ هیچ گاه برای افکار عمومی ارایه نشد و رسوایی بزرگی برای

۱- برای اطلاع بیش تر نک: فصل اول همین پژوهش علل و زمینه های قیام، بخش مربوط به اسرائیل.

۲- روزنامه کیهان، ۲۶ خرداد ۱۳۴۲.

۳- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۰۶.

رژیم به بار آورد.

روزنامه الاهرام در تاریخ پنجشنبه ۱۶ خرداد با تیتر «تهران شعله ور گردید و مردم با صدای بلند، فروپاشی نظام حاکم و قطع رابطه با اسرائیل را خواستار شدند»، تظاهرات خونین مردم و خون آشامی های رژیم را توضیح داد و با گسترده توصیف کردن تظاهرات مردم، آن را کاخ برانداز معرفی کرد. این روزنامه در شماره بعدی خود (در ۱۷ خرداد) نوشت:

انقلاب مردمی سراسر ایران را فرا گرفته است و تلاش بی امان ارتش که به تانک و زره پوش مسلح است، در سرکوبی انقلاب به جایی نرسیده است. دانشجویان دانشگاه ها در برابر در ورودی دانشکده صنعتی شعار «مرگ بر شاه خون آشام» را نوشته اند. دامنه انقلاب به شیراز نیز کشیده شده است و در تهران تظاهرات قهرآمیز و کشتار ادامه دارد و از شمار کشته شدگان آمار درستی در دست نیست. (۱)

شادروان شیخ محمود شلتوت _ رئیس دانشگاه الازهر _ با صدور اعلامیه ای، مسلمانان جهان به ویژه علمای مجاهد اسلام را به پشتیبانی از روحانیت و ملت ایران فرا خواند و اهانت رژیم به ساحت مقدس دین را ننگی بزرگ برای بشریت دانست. ایشان با محکوم کردن عملکرد رژیم دیکتاتوری شاه خواستار آزادی دستگیر شدگان پانزده خرداد به ویژه امام خمینی رحمه الله شد. (۲)

البته باید گفت گروه ها و شخصیت های دیگری نیز از این قیام حمایت

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۳۸.

۲- بخش هایی از این اعلامیه را در بخش سخنان بزرگان فصل نهم همین پژوهش می آوریم.

کردند که از آن جمله به موارد زیر بسنده می شود: جامعه علمی اسلامی لبنان؛ جوانان مسلمان کویت؛ جبهه ملی ایران در اروپا و آمریکا؛ دانشجویان مسلمان ایرانی مقیم آلمان و آقای سید علی شایگان، رئیس شورای عالی جبهه ملی ایرانیان آمریکا».^(۱)

این گروه ها و شخصیت ها با صدور تلگراف ها و بیانیه ها و با فرستادن نامه های سرگشاده به مجامع بین المللی، برای پشتیبانی از ملت ایران و امام خمینی رحمه الله به پا خاستند و کشتار وحشیانه رژیم را در به خاک و خون کشیدن هزاران نفر از مردم بی گناه ایران محکوم کردند.

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۴۱.

فصل هفتم: دستاوردهای قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل هفتم: دستاوردهای قیام ۱۵ خرداد

زیر فصل ها

۱. شکست ابهت شاه

۲. آشکار شدن ماهیت ضد دینی رژیم

۳. از دست رفتن وجهه ملی شاه

۴. تزلزل در پایه های رژیم

۵. پایه ریزی حکومت اسلامی

۶. پوپایی دانشگاه ها

۷. سیاسی شدن حوزه ها

۸. پیوند حوزه و دانشگاه

۹. تشکیل گروه های سازمان یافته

۱۰. توجه احزاب به نیروهای مردمی

۱۱. معرفی قیام در خارج از مرزها

۱۲. تجلّی پیوند دین و سیاست

۱۳. مرجعیت و رهبری بی مانند امام خمینی رحمه الله

۱. شکست ابهت شاه

۱. شکست ابهت شاه

رژیم شاه توانسته بود با سرکوبی و شکنجه و زندان، هرگونه جنبش و حرکتی را مهار کند و با ایجاد ترس و وحشت عمومی، فضای جامعه را به سود استبدادگری های خود، در آرامش نسبی نگه دارد. گروه های سیاسی در حالت ناامیدی به سر می برند و انتظار دگرگونی اوضاع را نداشتند. برخی احزاب سیاسی تغییر ماهیت داده و در عمل، با سیاست های رژیم هم سو شده بودند. وقتی امام خمینی رحمه الله در چنان فضایی، نهضت اسلامی خویش را آغاز کرد، در همان گام نخست، قلب استبداد را نشانه رفت. در فضایی که کوچک ترین توهین به یک شهردار یا فرمانده نظامی یا مقام دولتی، مجازات سختی در پی داشت و کسی جرأت نمی کرد که اسم شاه را بر زبان آورد و از جنایت های او سخن بگوید، سخنان کوبنده امام در عصر عاشورای ۴۲ ه. ش ابهت شاه را در هم شکست و سخنان ایشان چون پتکی سنگین بر سر استبداد فرود آمد. سخنان آن روز امام چنان ضربه سنگینی بر پیکر رژیم طاغوتی شاه وارد ساخته بود که منابع خبری رژیم، ناباورانه، شکست شاه را چنین بیان کردند:

آخوند پرخاشگری به ساحت شاهنشاه اهانت کرده است.(۱)

این حرکت امام به اندازه ای برای رژیم سنگین بود که سازمان امنیت کشور (ساواک) با اعتراف به شکست ابّهت شاه، سخنان امام را چنین گزارش داد:

خمینی به منبر رفت و شروع به نصیحت و بدگویی شدید کرد. مرتب تکرار می کرد: بدبخت، بیچاره، بدبخت، بیچاره. کاری نکن که بدهم تو را بیرون کنند و مرتب به شاه نصیحت می کرد و می گفت: «بیچاره، چرا این کارها را می کنی سرعقل بیا» یک ساعت صحبت کرد و از منبر پایین آمد. از نطق او هم نوار تهیه کرده اند و به تهران آورده اند. (۱)

پس از سخنرانی پرشور امام خمینی رحمه الله در ۱۵ خرداد، تظاهرات سراسری در کشور شکل گرفت و مردم یک صدا در برابر کاخ شاه خواستار سرنگونی حکومت شاهنشاهی شدند. پس از پانزده خرداد، دیگر کسی از رژیم شاهنشاهی ترسی نداشت و فریاد «مرگ بر شاه» از هر کوی و برزن به گوش می رسید.

۲. آشکار شدن ماهیت ضد دینی رژیم

۲. آشکار شدن ماهیت ضد دینی رژیم

شاه همواره خود را مسلمان معرفی می کرد و نقاب دین داری بر چهره می زد تا با بهره برداری از احساسات دینی مردم، منافع اربابان امپریالیستی خود را حفظ کند. وی برای پیشبرد هدف های استبدادی خود و سرکوبی هرگونه مخالفتی، در اجتماع کارکنان شرکت واحد اتوبوس رانی تهران (در ۳ خرداد سال ۱۳۴۲) ادعا کرد که امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف را در دوران کودکی در خواب دیده

۱- مجله پانزده خرداد، ش ۲۵، ص ۱۱۶، برگرفته از: گزارش، شماره ۸۳۱.

است. وی خود را «وسیله مشیت الهی» خواند و اعمال فاشیستی و ضد دینی خود را برابر شرع مقدس و در راستای اجرای احکام اسلامی دانست. او هم چنین خود را با خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت عباس علیه السلام در ارتباط دانست و مخالفان خود را دشمنان شیعه و ملت لقب داد و گفت:

باید بدانید که دشمنان این مملکت، دشمن های این ملت و مملکت شیعه، راحت ننشسته اند. به هر وسیله ای، با صرف وجوه، افراد بی عقیده و بی ایمان و بدبختی را می خرنند و تحریک می کنند و در هر لباس و هر مکانی و در هر قیافه ای ظاهر می شوند. این ها دشمن این مملکتند و دشمن این ملت و مذهب مقدس «شیعه»^(۱).

امام که چهره واقعی شاه را می شناخت و می دانست وی به هر وسیله ای برای حفظ سلطه خویش بر این مملکت چنگ می زند، در میان طلبه ها و علما این خطر بزرگ را گوشزد کرد و فرمود:

در این جا طرف خطاب و حساب شخص شاه است، نه دولت. او مأمور است که این برنامه را به هر قیمتی به اجرا بگذارد و با کمال درندگی با هر مخالفتی مقابله خواهد کرد.^(۲)

با اوج گیری مخالفت ها و مبارزات مردم، چهره واقعی رژیم که برای نابودی دین و مذهب در این کشور کمر همّت بسته بود، آشکار شد؛ به گونه ای که شاه آشکارا در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۲ اعلام کرد:

اگر این گونه کارها متوقف نشود، دست به کشتار وسیع خواهیم زد و کلیه

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۳۴، برگرفته از: سخنان شاه، ص ۴۲.

۲- مجله پانزده خرداد، ش ۲۵، ص ۴.

علمایی که به نحوی در راه اندازی این آشوب‌ها سهیم باشند، دستگیر خواهند شد. (۱)

پس از آن، رژیم طاغوتی شاه برای حفظ تاج و تخت پادشاهی، به کشتار بی رحمانه مردم مسلمان ایران دست زد و حتی به مراکز علمی و مذهبی مانند مدرسه فیضیه یورش برد و به دستگیری و شکنجه علما و مراجع پرداخت. با کشتاری که رژیم در پانزده خرداد برای سرکوبی قیام مردم به راه انداخت، همگان چهره ضد دینی رژیم را شناختند. حتی کارهای بعدی شاه پس از این رخدادهای خونین که برای جبران حرکت‌های ننگین گذشته و فریب دوباره مردم صورت می‌گرفت، مؤثر واقع نشد. وی از سال ۱۳۴۳ به بعد، به ساختن مسجد، چاپ قرآن و زیارت عتبات و... دست می‌زد تا دوباره بتواند چهره مذهبی به خود گیرد و اعمال ضد دینی‌اش را توجیه کند. شاه در سال ۱۳۴۴، قرآنی به نام قرآن پهلوی چاپ کرد که با مخالفت شدید علما این طرح به شکست انجامید.

۳. از دست رفتن وجهه ملی شاه

۳. از دست رفتن وجهه ملی شاه

حکومت پهلوی برای این که بتواند چهره ملی و مردمی به خود گیرد، برنامه اصلاحات امریکایی را «انقلاب سفید ملت» نامید. کشورهای غرب و شرق نیز که سیاست‌های شاه را برنامه ریزی می‌کردند، انقلاب سفید در ایران را

وسیله ای برای آرام نگهداشتن توده ها و به دست آوردن رضایت آنان قلمداد می کردند.

شاه برای به دست آوردن محبوبیت در میان روستاییان و کشاورزان ایران که بخش بزرگی از جامعه را تشکیل می دادند، به اصلاحات ارضی دست زد. سپس برای این که بتواند موافقت نیمی از جمعیت کشور، یعنی زنان را جلب کند، حق رأی زنان را مطرح کرد و به اصطلاح خواست به آنان آزادی دهد و حقوق پایمال شده آنان را بازگرداند. هم چنین برای سرگرم ساختن جوانان، برنامه های هدف مندی را در پیش گرفت.

در پرتو مبارزات و آگاهی مردم، هیچ کدام از نقشه های رژیم به طور کامل اجرا نشد و کشتار گسترده مردم در خیابان های تهران، قم، تبریز، شیراز، مشهد و سراسر ایران، چهره ضد ملی و استبدادی شاه را نشان داد و از دسیسه های شوم وی برای وابستگی بیش تر ایران به بیگانگان پرده برداشت.

رژیم می خواست با سانسور شدید خبری، مخالفت های مردم را به افراد و گروه های محدودی نسبت دهد، ولی تظاهرات مردم به اندازه ای گسترده بود که رسانه های بزرگ خبری جهان در حالی که می کوشیدند اوضاع را به سود رژیم تغییر دهند، مخالفت های مردم را منعکس کردند. به طور کلی، همگی این نکته را گزارش دادند که مردم ایران در پانزده خرداد فریاد «مرگ بر شاه» سر دادند و خواستار فروپاشی رژیم شدند.

شاه که خود را پیش از پانزده خرداد، «شاهنشاه ایران» و «آریا مهر» و «پدر ملی» لقب داده بود، پس از قیام خونین مردم، منفورترین چهره سیاسی ایران شده بود.

۴. تزلزل در پایه های رژیم

۴. تزلزل در پایه های رژیم

نهضت ها و حرکت هایی که در راستای مخالفت با رژیم در پیش از پانزده خرداد روی می داد، خواسته های سطحی داشتند و هیچ کدام خواهان دگرگونی در ساختار حکومت نبودند؛ چون همه آن گروه های مخالف، رژیم را شکست ناپذیر می شمردند و توان رویارویی و مبارزه جدی با رژیم را در خود نمی دیدند.

رژیم پهلوی نیز با انجام اصلاحات و انقلاب سفید می خواست پایه های رژیم خویش را در میان توده های مردم مستحکم سازد و با انجام رفراندوم در مجامع بین المللی، چهره ای دموکراتیک و مردمی از خود نشان دهد. هم چنین با خریدهای کلان تجهیزات نظامی، خود را در منطقه و داخل کشور شکست ناپذیر وانمود کند و به مخالفانش بفهماند که رژیم می تواند هرگونه شورش را به شدت سرکوب سازد.

قیام پانزده خرداد تنها نهضتی بود که خواستار دگرگونی در ساختار حکومت طاغوتی بود و می خواست به جای حکومت استبدادی و پادشاهی، حکومت اسلامی تشکیل دهد. بنابراین، وقتی نهضت پانزده خرداد آغاز شد، مردم در برابر کاخ شاه و در حالی که در محاصره تانک ها و مسلسل ها و نیروهای نظامی بودند، خواستار سرنگونی رژیم پادشاهی شدند و با حرکت حماسی خود پایه های رژیم را به لرزه در آوردند.

۵. پایه ریزی حکومت اسلامی

۵. پایه ریزی حکومت اسلامی

نهضتی که از سال ۱۳۴۱ به رهبری امام خمینی رحمه الله آغاز شد، با تمام حرکت های پیش از خود تفاوت داشت. انقلاب مشروطیت با این که دگرگونی های بسیار گسترده ای را در نظام اجتماعی ایران به وجود آورد، ولی از نظر حکومتی، نظام پادشاهی هم چنان باقی ماند. حرکت های بعدی هم چون نهضت تنباکو و نهضت ملی شدن نفت نیز خواستار اصلاح در بخشی از حکومت و جامعه بودند. در مقابل، نهضت پانزده خرداد اساس حکومت پادشاهی را سست و پایه های حکومت اسلامی را طرح ریزی کرد. این قیام، جنبش جدیدی به وجود آورد که دگرگونی در ساختار حکومتی را بر اساس اسلام پی گیری می کرد.

برخی این قیام را بی برنامه و بی هدف نشان می دهند، ولی هدف قیام، دگرگونی در ساختار حکومت بود. اساساً هر انقلابی پس از زمینه سازی های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بسیار و پس از سال ها و دهه ها به نتیجه می رسد و به انقلاب تبدیل می شود. قیام پانزده خرداد به ظاهر ناکام ماند، ولی مهم این است که این قیام، مبارزات مردم را در مسیر باورهای دینی قرار داد و توده های مردمی را برای اسلام بسیج کرد که آنان مبارزات و فعالیت های خود را به طور پیوسته تا برقراری حکومت اسلامی دنبال کردند. آقای جلال الدین فارس در این باره می گوید:

قیام مردم مسلمان ایران را می توان به درختی تشبیه کرد که ریشه اش، اعتقاد؛ تنه اش؛ تحول در عقاید و اخلاق و طرز تفکر و خوی و عادت هاست و ثمرش،

پیروزی (انقلاب) و رهایی از طاغوت است. (۱)

قیام پانزده خرداد فرآیندی بود که به پیروزی انقلاب اسلامی ایران انجامید و بزرگ ترین دستاورد آن، برقراری حکومت اسلامی بود. این قیام با نگرش جدید به دین و یکی دانستن سیاست و دیانت و به پیروی از رهبران دینی و براساس آموزه های اسلامی آغاز شد و براندازی نظام سلطه و برقراری حکومت اسلامی را در دستور کار خود قرار داد. به همین دلیل، امام خمینی رحمه الله قیام پانزده خرداد را مبدأ تاریخ انقلاب اسلامی بر شمرد و این قیام را اساس انقلاب اسلام دانست:

یادتان نرود که ما یک ۱۵ خرداد داشتیم. ۱۵ خرداد مبدأ نهضت اسلامی ایران است. (۲)

۶. پویایی دانشگاه ها

۶. پویایی دانشگاه ها

از دیگر دستاوردهای قیام ۱۵ خرداد، پویایی دانشگاه ها در راستای اسلامی شدن بود. دانشگاه ها به عنوان یکی از قطب های بزرگ تأثیرگذار در جامعه، پیش از پانزده خرداد هماهنگی و هم سویی چندانی با سیاست های دینی نداشتند. گروه ها و احزاب سیاسی فعال، بیش تر ملی گرا و وابسته به حزب توده و جبهه ملی بودند و گرایش های غیرمذهبی داشتند؛ به گونه ای که وقتی در آغاز نهضت اسلامی، اعلامیه های امام در دانشگاه ها، با واکنش منفی این

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر هفتم، ص ۹۳.

۲- صحیفه نور، ج ۹، ص ۶۵.

گروه ها رو به رو می شد.^(۱) البته گروهی نیز بودند که گرایش های مذهبی داشتند و با مواضع روحانیت مخالف نبودند؛ هر چند شیوه های مبارزاتی آنان با رهبران دینی فرق می کرد. بزرگ ترین تحولی که نهضت پانزده خرداد به وجود آورد، این بود که گرایش اسلامی و دینی بر دانشگاه حاکم شد و دانشگاه به بزرگ ترین کانون مبارزه فکری و عملی در راستای نهضت اسلامی بدل گردید.

فضای دانشگاه بهترین مکان برای نشر افکار انقلابی و فعالیت های سیاسی بود، اگر چه ساواک و نیروهای پلیس آشکارا و پنهان در دانشگاه ها حضور داشتند. پس از پانزده خرداد و در حالی که سکوت و خفقان در جامعه حاکم شده بود، دانشگاه در کنار حوزه، نیرومندترین سنگر سیاسی کشور بود و نیروهای انقلابی در آن تربیت می شدند. نوارهای سخنرانی و اعلامیه های امام در دانشگاه ها دست به دست می گشت و فعالیت های فکری و سیاسی و عملی در آن جا سازماندهی می شد و در جامعه بازتاب می یافت.

۷. سیاسی شدن حوزه ها

۷. سیاسی شدن حوزه ها

پیش از نهضت پانزده خرداد، فرهنگ تقیه بر حوزه ها حاکم بود و علما و روحانیان از دخالت در امور سیاسی پرهیز می کردند و حوزه را مرکز حفظ دین و سنت آل محمد صلی الله علیه و آله می دانستند. آنان در توجیه رویکرد خود معتقد بودند که رژیم قدرت نظامی بالایی دارد. بنابراین، اگر حوزه ها وارد مبارزات سیاسی شوند، رژیم، حوزه را سرکوب و نابود می کند. این روند تا زمان مرجعیت آیت

۱- خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر هفتم، ص ۶۷.

اللّٰه العظمی بروجردی ادامه داشت و روابط حوزه و حکومت بر پایه جدایی دین از سیاست و احترام دو سویه استوار بود. رژیم آیت اللّٰه العظمی بروجردی را بزرگ ترین مانع در راستای سیاست های خود می دانست، ولی بسیاری از علما تنها مخالف عملکرد ضد دینی رژیم بودند. دستگاه تبلیغاتی رژیم در آن زمان از امام خمینی رحمه الله به عنوان یک «افراطی» یاد می کرد و وقتی ایشان نهضت خود را در سال ۱۳۴۱ آغاز کرد، برخی در درون حوزه با کارهای امام مخالف بودند و آشکارا می گفتند: «چرا نمی گذارید زندگی بکنیم».^(۱)

وقتی امام خمینی رحمه الله نهضت اسلامی خود را آغاز کرد، سیاست را عین دیانت دانست و تأکید کرد که طلبه ها آن چه را به صورت نظری یاد می گیرند، باید در عمل نیز اجرا کنند. اسلام تنها دین عبادی نیست، بلکه دین زندگی است. ایشان دخالت فرد مسلمان را در امور سیاسی، وظیفه و تکلیف دینی شمرد و توانست حوزه ها را دگرگون کند.

پس از آن که در پرتو روشننگری های امام، حوزه رهبری مبارزات مردم را به دست گرفت، گروه های ناراضی از رژیم پهلوی به حوزه ها روی آورند و توجه به حوزه از دانشگاه ها بیش تر شد و از آن پس، هدایت مبارزات مردم در حوزه ها شکل گرفت. بیش تر طلبه ها و روحانیان جوان به مسایل فرهنگی و سیاسی روی آوردند و به چاپ نشریه و روزنامه پرداختند و فعالیت های سیاسی شان را رونق بخشیدند. پس از پانزده خرداد و کشتار گسترده مردم و

حمله به مدرسه فیضیه و جنایت های دیگر، آن گروه از روحانیان محافظه کار که تا آن روز سکوت کرده بودند، به صف مبارزان رژیم پیوستند. حوزه علمیه قم، نجف و کربلا به هم نزدیک شدند و دیگر رژیم نتوانست حوزه های نجف و کربلا را پشتیبان خود بداند. بنابراین، می توان گفت که امام با رویکردی نو، حوزه ها را پویا کرد و آن ها را از دینی صرف بودن، به یک محیط دینی، سیاسی و اجتماعی تبدیل کرد.

۸. پیوند حوزه و دانشگاه

۸. پیوند حوزه و دانشگاه

از دیگر دستاوردهای مهم پانزده خرداد، پیوند میان حوزه و دانشگاه بود. با توجه به تجربه ای که رژیم از ملی شدن صنعت نفت داشت، از نزدیک شدن گروه های ملی و مذهبی می هراسید. از این رو، با پیاده کردن سیاست هایی می کوشید تا این دو کانون بزرگ تأثیرگذار در جامعه ایران را از هم دور نگه دارد. عناصر تبلیغاتی رژیم در دانشگاه ها به دانشجویان القا می کردند که روحانیان افرادی واپس گرا و دنباله رو سحر و جادو و افسانه و اسطوره ها هستند اندیشه های آنان نیز به هزار سال پیش مربوط است و به درد زندگی امروزی که عصر تکنولوژی و پیشرفت های علمی است، نمی خورد. در مقابل، در میان حوزویان تبلیغ می کردند که دانشگاهیان بی دین و مذهب هستند و کسی که وارد دانشگاه می شود، با اسلام قهر می کند و مرتد می شود. بنابراین، مسیر زندگی، هدف و اندیشه های دانشگاهیان به طور کامل با حوزویان متفاوت است.

این سیاست سال ها برای جدایی این دو نهاد و آرام نگه داشتن جامعه

صورت می گرفت. گاه حتی رژیم این دو کانون را رویاروی هم قرار می داد و به چالش فرا می خواند، ولی آن چه رژیم از آن وحشت داشت، در پانزده خرداد ۱۳۴۲ روی داد و حوزه و دانشگاه در مسیر مبارزه علیه رژیم قرار گرفتند. این وحشت و نگرانی از اطلاعاتیه هایی که رژیم در آن روزها صادر می کرد، به خوبی آشکار است. برای مثال، سازمان امنیت کشور با صدور اعلامیه ای گفت: «ارتجاع سیاه و ارتجاع سرخ، دست به دست هم داده اند تا کشور را نابود کنند!»^(۱)

منظور ساواک از ارتجاع سیاه، روحانیان و مبارزان دینی بودند. رژیم بارها با این عنوان از آنان یاد می کرد و منظور از ارتجاع سرخ دانشجویان و دانشگاهیان بودند که رژیم آن ها را عوامل کمونیسم معرفی می کرد. البته عالمانی مانند: آیت الله مطهری و آیت الله بهشتی از سال ۱۳۴۱ به بعد در دانشگاه ها فعالیت می کردند و با همکاری روشن فکران مذهبی مانند دکتر علی شریعتی به تبلیغ مسایل مذهبی و آگاه ساختن دانشجویان می پرداختند، ولی پیوند واقعی این دو نهاد علمی پس از قیام پانزده خرداد بود. از آن پس، نامه ها و اعلامیه های امام در دانشگاه ها دست به دست می گشت و روحانیان به راحتی در دانشگاه فعالیت می کردند. گروه های دانشجویی نیز همیشه با حوزه در رفت و آمد و ارتباط بودند.

۱- خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر اول، ص ۱۸۱.

۹. تشکیل گروه های سازمان یافته

۹. تشکیل گروه های سازمان یافته

یکی از ایرادهای وارد بر نهضت پانزده خرداد، سازمان نیافتگی آن است. پس از پانزده خرداد، روحانیت به این نتیجه رسیدند که برای ایجاد دگرگونی های اساسی در ساختار جامعه و رسیدن به پیروزی، نهادهای سازمان یافته ای باید باشند که به هنگام نیاز هماهنگ عمل کنند. بنابراین، روحانیان به فکر راه اندازی تشکل ها و گروه های سیاسی، فرهنگی، نظامی و مذهبی افتادند و کوشیدند گروه هایی را که پیشینه فعالیت سیاسی داشتند و دارای گرایش های مذهبی بودند، با خود همراه سازند.

نخست تشکل های گروهی به صورت صنفی بود. دانشجویان مسلمان، بازاریان، روحانیان و دیگر گروه های مذهبی و عزاداری تشکل هایی داشتند که به دلیل مذهبی بودنشان، رژیم به آسانی نمی توانست با آن ها برخورد کند، مانند: جبهه مسلمانان آزاد.^(۱)

هنوز یک هفته از کشتار بی رحمانه و مردم در پانزده خرداد نگذشته بود که روزنامه ای به نام فریاد شروع به کار کرد^(۲) و از همان آغاز مواضع بسیار تندی علیه رژیم گرفت. چند ماه پس از این قیام، «مجمع طلاب و فضیلاب مبارز» در قم شکل گرفت که ماهیت کاملاً مذهبی _ سیاسی داشت و ارگان مبارزاتی آن، نشریه «بعثت» بود. با اوج گیری فعالیت ها در سال ۱۳۴۳، نشریه دیگری به نام «انتقام» برای افشاگری جنایت های رژیم با همکاری جمعیت های مؤتلفه

۱- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۶۰.

۲- مؤسسه نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ادبیات انقلاب و انقلاب ادبیات، کنگره بررسی تأثیر امام خمینی رحمه اللهو انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر، تهران، مهرماه ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۰.

اسلامی آغاز به کار کرد. حتی در خارج از مرزها نیز گروه مبارزی به نام «تشکل روحانیون مبارز خارج از کشور» شروع به فعالیت کرد. هم چنین رادیویی به نام «صدای روحانیت» در عراق برای نشر اندیشه های روحانیان راه اندازی شد که هشت سال فعالیت گسترده داشت. (۱) بسیاری از گروه ها نیز شاخه های نظامی تشکیل دادند و به مبارزه مسلحانه پرداختند که از جمله این تشکل های نظامی پس از پانزده خرداد به «هیأت های مؤتلفه اسلامی» و «حزب ملل اسلامی» می توان اشاره کرد. (۲)

۱۰. توجه احزاب به نیروهای مردمی

۱۰. توجه احزاب به نیروهای مردمی

گفتیم که حوزه ها به دلیل این که در خود توان رویارویی با قدرت نظامی شاه را نمی دیدند، از ورود به میدان مبارزات سیاسی پرهیز می کردند. احزاب و گروه های سیاسی نیز به دلیل این که منافع حزبی خود را دنبال می کردند، در میان توده های مردم جایگاهی نداشتند. حتی بسیاری از گروه ها و احزاب، شرط رسیدن به پیروزی را وابستگی به یکی از قدرت های بزرگ خارجی می دانستند و بیش تر اجرا کننده سیاست های امپریالیسم غرب و شرق بودند.

امام خمینی رحمه الله تنها کسی بود که توانست این حقیقت را نهادینه کند که برای ایجاد نهضت و انقلاب، «بزرگ ترین قدرت، نیروی مردم است». ایشان با افشاگری ها علیه رژیم و مخاطب قرار دادن مردم توانست توده های مردمی را علیه رژیم تا دندان مسلح شاه، بسیج کند و پایه های رژیم پهلوی را به لرزه

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر اول، ص ۱۳۱.

۲- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، صص ۱۰۰ - ۱۱۰.

درآورد. وقتی قیام پانزده خرداد رخ داد و دستاوردهای آن آشکار شد، احزاب و گروه های سیاسی، به نیروی مردمی در ایجاد انقلاب پی بردند و کوشیدند به گونه ای، خود را به نهضت مردمی پیوند زنند.

۱۱. معرفی قیام در خارج از مرزها

۱۱. معرفی قیام در خارج از مرزها

یکی دیگر از دستاوردهای قیام پانزده خرداد، معرفی خواسته های مردم در خارج از مرزهای ایران بود. تا پیش از پانزده خرداد، به دلیل دولتی بودن رسانه های داخلی و سانسورهای شدید خبری، مبارزات به حق مردم به گوش آزادی خواهان و آزاداندیشان جهان نمی رسید و حتی بسیاری از شهرهای دور افتاده ایران نیز از اوضاع کشور آگاهی چندانی نداشتند.

قیام پانزده خرداد به اندازه ای گسترده بود که مجامع بین المللی و رسانه های خبری بزرگ جهان را به واکنش واداشت. هر چند واکنش کشورهای غرب و شرق و رسانه های بین المللی نسبت به قیام مردم، تکرار گفته های دستگاه های تبلیغاتی رژیم شاه بود و تنها بعضی از آزاداندیشان و مجامع علمی و مذهبی، واقعیت ها را به گوش جهانیان می رساندند، ولی در مجموع، این واکنش ها سبب شد که خواسته های مبارزان در خارج از مرزها به گوش جهانیان برسد.

۱۲. تجلی پیوند دین و سیاست

۱۲. تجلی پیوند دین و سیاست

در اثر سیاست ها و دسیسه های رژیم و غفلت مسلمانان، دخالت در امور سیاسی از صفحه جامعه دینی کنار مانده بود و چنین تبلیغ می شد که سیاست کار دروغ و لا مذهبی است و دین داران برای این که پاک بمانند، نباید خود را

به دروغ و نیرنگ مشغول کنند. ساواک در مقاله ای که با عنوان «مذهب و مسایل روز» در روزنامه ها به چاپ رساند، نوشت:

مذهب امری است جدا از سیاست. سیاست سخن روز است و مذهب سخن ازلی و ابدی. سیاست امروز یک چیز می گوید و فردا چیز دیگر. مذهب فردا و امروز و دیروز یک چیز می گوید. (۱)

پس از درگذشت آیت الله العظمی بروجردی، شاه به آیت الله العظمی حکیم در عراق پیام تسلیت فرستاد. امام خمینی رحمه الله که سیاست و دیانت را یکی می شمرد، این اقدام شاه را دخالت در امور مذهبی دانست و اعلام کرد که دخالت هر فرد مسلمان در سیاست لازم است. (۲) البته امام سیاستی را که پر از دروغ و نیرنگ باشد، نمی خواست، بلکه سیاستی که امام براساس اسلام مطرح می کرد، عین صداقت و براساس حقیقت بود و هرگونه جور و ستم و بی عدالتی و دروغ را رد می کرد. امام با فتوای تاریخی خود، «تقیه» را حرام دانست و پس از آن فتوا، یعنی پس از پانزده خرداد کسی که مسلمان بود، باید در صف مبارزان قرار می گرفت.

۱۳. مرجعیت و رهبری بی مانند امام خمینی رحمه الله

۱۳. مرجعیت و رهبری بی مانند امام خمینی رحمه الله

پس از درگذشت آیت الله العظمی بروجردی، در میان شیعیان جهان به ویژه

۱- روزنامه اطلاعات، ۱۵ اسفند ۱۳۴۱.

۲- ایران ابرقدرت قرن، ص ۴۵۱ و ۴۵۲.

در داخل ایران خلأیی احساس می شد. (۱) رژیم از این فرصت بهره گرفت و در پیام تسلیتی به آیت الله العظمی حکیم در عراق خواست این نکته را وانمود کند که از این پس، ایشان بزرگترین مرجع شیعیان جهان هستند. رژیم قصد داشت با این سیاست، روحانیت را در ایران تضعیف کند.

در چنان شرایطی، امام خمینی رحمه الله فعالیت سیاسی خود را در مخالفت با رژیم آغاز کرده بود و از لحاظ علمی و دینی نیز مقام والایی داشت. علما و مردم در تهران و دیگر شهرها، جلسه‌هایی برای تعیین مرجعیت ترتیب دادند. آنان سرانجام به این نتیجه رسیدند که اگر بخواهند کشور را از زیر یوغ استعمار و استبداد رها کنند، باید کسی را به مرجعیت برگزینند که توانایی رویارویی با رژیم را داشته و در مسایل سیاسی روز نیز صاحب نظر باشد. آنان با توجه به سابقه مبارزاتی امام خمینی رحمه الله و ویژگی‌های اخلاقی، علمی و سیاسی وی، ایشان را تنها کسی می دانستند که تمامی ویژگی‌های رهبری را داراست.

امام، رهبری نهضت و مرجعیت مسلمانان را در دست داشت و با فتواها و تدبیرهای ایشان نهضت به صورت هماهنگ به پیش می رفت. با اوج گیری مبارزات امام، رژیم در یک اقدام نسنجیده، ایشان را دستگیر کرد و اعلام داشت که ممکن است حکم اعدام برای دستگیر شدگان در نظر گرفته شود.

۱- پس از درگذشت آیت الله العظمی بروجردی، مسأله مرجعیت به این شکل تقسیم شد: آیات عظام سید محسن حکیم، شاهرودی، هادی شیرازی، سید ابوالقاسم خویی و عبدالله شیرازی در عراق و آیات عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی و شریعتمداری در قم، خاطرات پانزده خرداد، دفتر ۸، ص ۱۰۱.

پس از آن، علما و مراجع در قم چندین جلسه مشورتی تشکیل دادند و سرانجام به این نتیجه رسیدند که امام خمینی رحمه الله به صورت رسمی «مرجع تقلید شیعیان» معرفی گردد؛ چون در قانون اساسی، مصونیت مرجع تقلید آمده بود. در آن صورت، رژیم نمی توانست به امام آسیمی برساند. متن نامه تنظیم گشت و پس از امضای حاضران (۱) به شاه، نخست وزیر و دیگر علما و مردم تلگراف شد.

پس از قیام پانزده خرداد دیگر هیچ کس در رهبری و مرجعیت امام خمینی رحمه الله تردیدی نداشت. همه گروه ها و افراد می کوشیدند مواضع خود را با دیدگاه های امام هماهنگ کنند.

محور حرکت مردم در پانزده خرداد، آموزه های اسلامی و باورهای دینی بود. وقتی مردم فاصله طبقاتی و نابرابری های اجتماعی و خفقان و ستم گری ها و استبداد رژیم را دیدند، آن را با سنت پیامبر و دین اسلام ناسازگار می یافتند. از این رو، ستیز با آن را وظیفه شرعی خود می دانستند. وقتی مردم کشتار رژیم را دیدند، به یاد مبارزات صدر اسلام و واقعه عاشورا به پا خاستند. دفاع از مسلمان بودن ایجاب می کرد که علیه یزید زمان به پا خیزند و در راه تحقق اسلام و حفظ قرآن، لحظه ای دریغ نوزند.

۱- از جمله افراد حاضر در جلسه، آیت الله العظمی شریعتمداری، بنی صدر، منتظری، شیخ مرتضی حائری، خادمی، محلاتی، قمی، دستغیب، سید محمد جعفر طاهری شیرازی و ملا علی همدانی بودند خاطرات پانزده خرداد، دفتر ۸، صص ۱۱۰ - ۱۱۴.

مبارزه های هیچ کدام از گروه های مخالف رژیم که در قالب تشکل های غیراسلامی و در چارچوب باورهای ملی صورت می گرفت، به نتیجه ای نرسید و تنها صدای دین بود که توانست توده های مسلمان را علیه رژیم بسیج کند و قیام سراسری بیافریند.

پس از پانزده خرداد، اسلام و مرجعیت دینی به عنوان محور حرکت مطرح شدند. هر کس که به اسلام و رهبران دینی اعتقاد نداشت، خود به خود از سیل خروشان مردم، کنار می افتاد و مردم آن ها را رد می کردند. از این رو، کسانی که گرایش اسلامی نیز نداشتند، مجبور بودند حرکت های خود را با روحانیت و نیروهای مردمی هماهنگ کنند.

فصل هشتم: آسیب شناسی قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل هشتم: آسیب شناسی قیام ۱۵ خرداد

در «آسیب شناسی» یک پدیده یا جریان، نباید تنها به بررسی خطرها و آسیب هایی بسنده کرد که در زمان روی دادن آن پدیده یا جریان، آن را تهدید می کرده است، بلکه ممکن است یک نهضت یا یک پدیده اجتماعی و سیاسی به دلیل ماهیت خاص خود یا به واسطه برخوردهایی که با دیگر مسایل و گروه های اجتماعی دارد، در آینده به چالش هایی کشیده شود که برای ادامه و دوام آن مشکل آفرین باشد. مقام معظم رهبری درباره «آسیب شناسی یک انقلاب» می فرماید:

نباید این طور تلقی کرد که آن چه به عنوان «آسیب شناسی انقلاب» مطرح می شود، حتماً به آن چه امروز تحقق و وقوع یافته است، نگاه می کند. نه، شما باید آسیب های ممکن را بررسی بکنید؛ چه آن چه الان هست، چه آن چه که ممکن است بعداً پیش بیاید. (۱)

در این فصل می کوشیم با بررسی آسیب هایی که در همان سال ها متوجه قیام پانزده خرداد بوده است، به بیان خطرها و تهدیدهایی که انقلاب به احتمال زیاد در آینده با آن ها رویارو خواهد شد، پردازیم. برخی از این آسیب ها به قرار زیر است:

-
- ۱- انقلاب پویا، سخنان مقام معظم رهبری در جمع اعضای دبیرخانه همایش آسیب شناسی یک انقلاب در تاریخ ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۷۷، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۷، ص ۹.

۱. سازمان نیافتگی و بی برنامه‌گی

۱. سازمان نیافتگی و بی برنامه‌گی

اساساً برای انجام دگرگونی‌های اساسی در جامعه و ایجاد هر نوع جنبش اجتماعی، وجود نوعی سازماندهی و برنامه‌ریزی هماهنگ ضروری است تا با صرف کم‌ترین نیرو و در مدت زمان کوتاهی، بیش‌ترین و بهترین نتیجه ممکن را به دست آورد. همه کارشناسان بر این نکته تأکید دارند که قیام پانزده خرداد سال ۱۳۴۲، بدون سازمان‌دهی بود و نهضت، برنامه‌ای از پیش تعیین شده نداشت. (۱) حتی در آن زمان برخی، به اشتباه، این نهضت بزرگ را که دستاورد مهم آن، انقلاب اسلامی ۵۷ شد، قیامی کور می‌شمردند.

هرچند اسلام به عنوان اساس حرکت و اندیشه‌های دینی این نهضت، توده‌های مردم را گرد هم آورده بود، ولی این قیام با همه گستردگی و سازمان‌درونی و معنوی‌اش، نظم و تشکیلات بیرونی نداشت. اگر این نهضت مردمی، نظم و برنامه‌هدایت شده‌ای داشت، چه بسا بساط حکومت استبدادی را در همان سال ۴۲ از کشور بر می‌چید.

به‌طور کلی، می‌توان گفت هر نوع قیام و حرکتی باید سازمان‌فرهنگی، سیاسی و حتی نظامی هماهنگی داشته باشد؛ همان‌گونه که پس از پانزده خرداد، قیام‌کنندگان این ضرورت اساسی را احساس کردند و به فکر تشکیل گروه‌های سازمان‌یافته افتادند.

شعارهایی که مردم در نهضت پانزده خرداد سر می‌دادند، هیچ‌کدام برنامه‌ریزی شده نبود و برنامه‌ای برای راه‌پیمایی وجود نداشت، بلکه مردم

به طور خود جوش و براساس شرایط پیش آمده شعارسازی می کردند. حتی بعضی از عناصر ملی از این وضع سوء استفاده کرده و شعارهایی مانند «مصدق رهبر ملی، خمینی رهبر دینی» سر می دادند که براساس خواست اصلی تظاهرکنندگان و رهبری نهضت نبود.

راه پیمایان برنامه و هدف مشخصی در مسیر راه پیمایی خود نداشتند و با توجه به واکنش نیروهای انتظامی و شرایط پیش آمده، عمل می کردند. نبود هدایت راه پیمایی از سوی نیروهای خاص، سبب می شد رژیم، وحشیانه و به شدت، قیام کنندگان را سرکوب کند و پراکنده سازد.

۲. نداشتن نتیجه زودرس

۲. نداشتن نتیجه زودرس

درست است که یک نهضت پس از سال ها مبارزه پی گیر و طولانی مردم به انقلاب می انجامد، ولی با توجه به گستردگی و شور و حالی که در قیام پانزده خرداد وجود داشت، قیام کنندگان تصور نمی کردند که رژیم بتواند در برابر اراده و خواست آنان مقاومت و قیام گسترده مردمی را سرکوب کند. با این حال، رژیم خون آشام شاه توانست نهضت پانزده خرداد را دست کم برای چندین سال، سرکوب کند. این امر سبب شد پس از قیام پانزده خرداد نوعی سکوت و خفقان بر جامعه حکم فرما شود. امام در زندان بود، ولی گروه های مذهبی _ سیاسی به سازمان دهی و تشکل نهادهای هماهنگ روی آوردند و چند سالی طول کشید تا توانستند دوباره مردم را به صحنه مبارزه بکشانند. ناامیدی ایجاد شده در توده های مردم، تنها با روشنگری ها و هدایت های امام خمینی رحمه الله از میان رفت. اگر روشن گری های امام نبود، چه بسا نهضت و قیام

مردم برای همیشه خاموش می شد. این ناامیدی گاه حتی در میان یاران نزدیک امام نیز دیده می شد. پس از کشتار بی رحمانه شاه در فیضیه، شهید سعیدی که از یاران جان بر کف امام خمینی رحمه الله و از فعالان بزرگ نهضت اسلامی بود، به امام خمینی رحمه الله می گوید: احتمال دارد پس از قیام، یاران کم تری در راه مبارزه داشته باشید، ولی امام در پاسخ می فرماید:

به خدا قسم اگر تمام جن و انس پشت به پشت هم بدهند و در مقابل من بایستند، من چون این راه را حق یافته ام، از پای نخواهم نشست. (۱)

مردم چنین فکر می کردند که در همان روزهای نخستین، پیروزی شان حتمی است، ولی به دلیل سرکوبی شدید، نوعی ناامیدی بر توده ها حاکم شده بود. تنها روشنگری ها و تدبیر درست امام بود که به آن وضع پایان بخشید و مردم را به آینده امیدوار ساخت.

۳. ناآگاهی مردم در دیگر شهرها

۳. ناآگاهی مردم در دیگر شهرها

یکی از مواردی که می توان به عنوان «آسیب» برای نهضت پانزده خرداد در نظر گرفت، ناآگاهی مردم در شهرها و روستاهای دور افتاده از مراکز استان ها و پایتخت بود. این ناآگاهی دو جنبه داشت: یکی این که شهرهای کوچک دیرتر از جریان های تهران و قم با خبر می شدند. بنابراین، نمی توانستند به طور هماهنگ عمل کنند. دیگری جنبه سیاسی بود؛ یعنی مردم دیگر شهرها از ماهیت نقشه ها و دسیسه های دستگاه حاکم و استعمار کم تر با خبر می شدند و

انقلاب سفید شاه و مسایلی هم چون فراندوم برای آنان روشن نبود. چون تا آن زمان، نه تنها مردم، بلکه حوزه ها نیز در امور سیاسی دخالت چندانی نداشتند.

بی شک، اگر توده های مردم از مسایل پشت پرده اصلاحات شاه و انقلاب سفید او که به دست استعمار برنامه ریزی شده بود، با خبر بودند و در این زمینه آگاهی های بیش تری داشتند، شرایط و اوضاع به گونه ای دیگر رقم می خورد.

۴. نبود وسایل ارتباط جمعی

۴. نبود وسایل ارتباط جمعی

داشتن رسانه های گروهی و دستگاه های تبلیغاتی، در پیشبرد هدف ها و آرمان های یک حزب یا جنبش نقش مهمی دارد. از این رو، برای آگاهی توده ها و حتی هواداران فکری، داشتن رسانه های گروهی از نیازهای ضروری برای هر حرکتی است. وقتی قیام پانزده خرداد آغاز شد، روحانیت که نقش رهبری نهضت را در دست داشتند، از ابتدایی ترین وسیله تبلیغاتی یعنی «روزنامه» بی بهره بودند. در مقابل، مخالفان نهضت؛ یعنی رژیم شاه و استعمار جهانی، قوی ترین رسانه های گروهی را برای به شکست کشاندن نهضت مردم، در دست داشتند. البته حوزه با اعزام مبلغان مذهبی به سراسر کشور و ارتباط این مبلغان با توده های مردم، تا اندازه ای پیام ها و اخبار سیاسی روز را به گوش مردم می رساند، ولی این روند بسیار کند صورت می گرفت و هنگام نیاز، این گونه اطلاع رسانی ها جواب نمی دادند.

به هر حال، نیاز به دستگاه های تبلیغاتی و رسانه های گروهی در آن زمان به شدت آشکار بود. بر همین اساس، روحانیت پس از قیام پانزده خرداد به

سرعت به چاپ روزنامه (روزنامه فریاد که در اولین هفته پس از قیام انتشار یافت) و نشریه روی آوردند.^(۱)

۵. کمبود نیروهای آموزش دیده

۵. کمبود نیروهای آموزش دیده

یکی از خطرهای آسیب‌های قیام مردم، کمبود نیروهای آموزش دیده‌ای بود که از لحاظ فکری و سیاسی بتوانند در نبود امام خمینی رحمه الله، برنامه‌های ایشان را در میان توده‌ها بر عهده بگیرند. این امر پس از دستگیری امام در جریان قیام پانزده خرداد کاملاً آشکار بود. پیش‌تر گفتیم که وقتی امام خمینی رحمه الله در زندان رژیم به سر می‌بردند، فضای سکوت و آرامش و بی‌تکلیفی و سردرگمی بر جامعه حاکم بود و کسی نمی‌توانست در راستای خط مشی امام تصمیم‌گیری بگیرد. باید افراد و گروه‌هایی می‌بودند تا در نبود امام در میان مبارزان، با محور قرار گرفتن ایشان، جریان نهضت هم‌چنان پویا ادامه یابد و نیروهای متمرکز مردم فعالانه عمل کنند و سست و دل‌سرد نشوند.

۶. نبود هماهنگی و هم‌سویی در نیروهای انقلابی

۶. نبود هماهنگی و هم‌سویی در نیروهای انقلابی

قیام پانزده خرداد به دلیل ماهیت اسلامی‌اش، با واکنش‌های متفاوتی از سوی نیروهای داخلی رو به رو بود. هر چند بیش‌تر گروه‌ها و احزاب سیاسی به گونه‌ای در این قیام شرکت داشتند و با رژیم مخالفت می‌کردند، ولی کاملاً با

۱- نک: فصل دستاوردهای قیام در همین پژوهش، بخش تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های منسجم.

آرمان ها و اهداف قیام کنندگان هم سو نبودند. بعضی از این گروه ها، به دلیل گرایش های ملی گرایانه، هیچ گرایشی به اسلام نداشتند و نمی خواستند که اسلام اساس حکومت و هدایت مردم قرار گیرد. بنابراین، در زمان بحران، هیچ نوع مشارکتی در نهضت نداشتند. این گروه ها بعدها به دلیل فرصت طلبی هایشان خود را در قیام مردم سهیم می پنداشتند. یکی از دانشجویان جبهه ملی از قول اللهیار صالح _ از سران اصلی آن جبهه _ درباره موضع جبهه ملی در قیام پانزده خرداد می گوید:

ایشان (اللهیار صالح) ما را از هر گونه پیروی و همکاری با مبارزات روحانیون سخت منع کرد و اظهار نمود که دنبال این گونه حرکت های زود گذر و موسمی نروید. (۱)

بیژن جنونی _ یکی از مارکسیست ها _ در کتاب طرح جامعه شناسی و مبانی استراتژی (۲) با ارتجاعی خواندن قیام پانزده خرداد، درباره نقش چنین نیروهایی می گوید:

در این مورد باید گفت شعار جبهه ملی در این دوران «اصلاحات آری، دیکتاتوری نه!» بود؛ یعنی صریحاً برنامه های شاه را تحت عنوان انقلاب سفید پذیرفتند و حتی حکومت شاه را نیز تأیید کردند؛ یعنی همان حرف مصدق را که می گفت: «سلطنت آری، دیکتاتوری نه» دنبال می کردند. بنابراین، آن ها عملاً قیام ۱۵ خرداد را نفی کردند. به همین دلیل، منزوی شدند. (۳)

۱- پیام انقلاب، ش ۳۳، ص ۴۵.

۲- طرح جامعه شناسی و مبانی استراتژی، ج ۱، ص ۲۲۱.

۳- طرح جامعه شناسی و مبانی استراتژی، ج ۱، ص ۲۲۱.

این نیروها در شعار، خود را مخالف رژیم نشان می دادند، ولی در عمل، آن رژیم را تأیید و قیام مردم را نفی می کردند. این نیروها هر چند به دلیل گستردگی و مردمی بودن قیام نتوانستند چندان تأثیر گذار باشند، ولی به عنوان خطر و آسیب درونی نهضت مطرح بودند. مقام معظم رهبری این گونه نیروها را به عنوان آسیب درونی انقلاب نام می برد و این گونه می فرماید:

در ایران کسانی بودند که تنها از لحاظ این که آن ها با دین بر سر لجاج بودند و دین را قبول نداشتند، با انقلاب مقابل شدند. این یکی از مسایل و حقایق قابل توجه است؛ چون انقلاب مدّعی و مروج دین بود و مردم را به دین داری سوق می داد و آن ها تحت تأثیر فرهنگ غربی و با تفکرات گوناگون _ و به قول خودشان گرایش به ایدئولوژی ها و مکتب های گوناگون _ با دین، میانه ای نداشتند. (۱)

این گونه نیروها هر چند در ظاهر به دلیل منافع شخصی و حزبی، خود را با نهضت مردم هم سو نشان می دادند، ولی در عمل، بر همان مواضع گذشته خود ماندند و بعدها خود به خود از صحنه سیاسی کشور حذف شدند.

۷. عوامل و نیروهای خارجی

۷. عوامل و نیروهای خارجی

با آغاز قیام پانزده خرداد رهبری نهضت بر قطع وابستگی خارجی تأکید می ورزید و به دلیل ماهیت اسلامی قیام با استبداد داخلی و با استعمار شرق و غرب مبارزه می کرد. بنابراین، وقتی بلوک شرق و غرب، خطری مشترک را در راه منافع خود احساس کردند، هم صدا به مخالفت با قیام پانزده خرداد پرداختند. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

۱- انقلاب پویا، ص ۲۴.

ایجاد یک حکومت دینی برای شوروی، به خصوص در همسایگی جمهوری های مسلمان نشین، همان قدر ضرر داشت که انقلاب برای امریکا و از دست رفتن نفوذ کمپانی های امریکایی و مستشاران امریکایی، ضرر داشت. (۱)

اگر چه مردم مسلمان ایران بر استقلال تأکید می کردند و کمک هیچ قدرت خارجی را نمی خواستند، ولی مخالفت همه جانبه استعمار شرق و غرب که گسترده ترین رسانه های تبلیغاتی را در اختیار داشتند، در تضعیف روحیه مردم نقش مهمی داشت. در چنین شرایطی، نیروهای مبارز و انقلابی حتی ابتدایی ترین وسایل تبلیغاتی را در اختیار نداشتند تا بتوانند در دفع توطئه های دستگاه های تبلیغاتی داخلی و خارجی گامی بردارند و برای آگاه سازی توده ها نقش ایفا کنند.

فصل نهم: قیام ۱۵ خرداد در سخنان بزرگان

فصل نهم: قیام ۱۵ خرداد در سخنان بزرگان

رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی رحمه الله در پیامی به مناسبت سالروز قیام خونین پانزده خرداد در تاریخ پانزدهم خرداد سال ۱۳۶۱، این قیام اسلامی را چنین تحلیل می کند:

سالروز خرداد ۴۲ خمیر مایه نهضت مبارک ملت بزرگ ایران و روز بذر انقلاب اسلامی ماست. ملت عزیز باید این خمیرمایه و بذر پر برکت را در عصر عاشورای ۸۳ جست و جو کند؛ عصر عاشورای مصادف با ساعات شهادت نصرت آفرین سید مظلومان و سرور شهیدان؛ عصر عاشورایی که خون طاهر و مطهر ثارالله و ابن ثاره به زمین گرم کربلا ریخت و ریشه انقلاب اسلامی را آبیاری نمود. ملت عظیم الشان در سالروز شوم این فاجعه انفجار آمیزی که مصادف با ۱۵ خرداد ۴۲ بود، با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده را به بار آورد. اگر عاشورا و گرمی و شور انفجار آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می شد. واقعه عظیم عاشورا از ۶۱ هجری تا خرداد ۶۱ و از آن تا قیام عالمی بقیه الله _ ارواحنا لمقدمه الفداء _ در هر مقطع انقلاب ساز است. آن روز یزیدیان با دست جنایت کاران گور خود را کردند و سقوط و ننگ ابدی را برای خویش به جا گذاشتند که ملت عظیم الشان ایران بحمد الله تعالی با قدرت و پیروزی بر گور آتشبار آنان لعنت می فرستد. (۱)

امام بزرگوار به مناسبت های گوناگون درباره ماهیت و تأثیر این قیام، سخنان ارزنده ای ایراد کرده است. در این جا، برای اختصار تنها به سخنان کوتاهی از ایشان اشاره می کنیم:

کشتار پانزده خرداد از اعمال یک قشون با ملت بیگانه بدتر بود. آن ها بچه ها را

نمی کشتند، زن ها را نمی کشتند. تا ملت عمر دارد، غمگین در مصیبت پانزده خرداد است. پانزده خرداد ننگ ملت بود؛ زیرا از پول همین ملت اسلحه تهیه شد و با این اسلحه، مردم را کشتند. (۱)

امام خمینی رحمه الله پس از آزادی از زندان در تاریخ ۲۵/۲/۱۳۴۳، ناراحتی خود را از کشتار مردم به دست رژیم خون آشام شاه چنین ابراز کرد:

قضیه پانزده خرداد را من مطلع نبودم تا این که از حبس به حصر تبدیل شد و اخبار خارج به من رسید. خدا می داند که مرا اوضاع پانزده خرداد کوبید (گریه شدید حضار). حالا هم که این جا آمده ام از قیطره، مواجه هستم با یک منظره هایی؛ با بچه های کوچک بی پدر (گریه شدید حضار)، با پدرهای جوان از دست داده با مادرهای جوان مرده، با زن های برادر مرده، با پاهای قطع شده گریه شدید حضار، با افسردگی ها. این ها علامت تمدن آقایان است و ارتجاع ما. (۲)

ایشان در جای دیگر می فرماید:

نهضت بزرگ ایران که در ۱۲ محرم ۸۳ (پانزده خرداد ۴۲) شکوفا گردید، پرده های تزویر و عوام فریبی شاه را پاره کرد و قتل عام شاهانه و فداکاری ملت، مبدأ عظیمی در تاریخ ایران گردید و مفاتیح نجات اسلام و عدالت به دست آمد. (۳)

یادتان نرود که ما یک پانزده خرداد داشتیم. پانزده خرداد مبدأ نهضت اسلامی

۱- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۶۶.

۲- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۶۷.

۳- صحیفه نور، ج ۲، ص ۴، پس از کشتار ۱۹ دی.

ایران است. (۱)

وقتی که فریاد اسلام خواهی مردم کشور ما در پانزده خرداد به گوش امریکا رسید، وقتی که برای اولین بار غرور امریکا و اقتدار و ابرقدرتی او در اعتراض به مصونیت کارگزارانش در ایران شکسته شد و امریکا متوجه اقتدار و رهبری علما و روحانیت اسلام و عزم و جزم و اراده پولادین ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال و رسیدن به نظام عدل اسلامی گردید، به نوکر بی اراده و وطن فروش و فرومایه خود محمدرضاخان دستور داد که صدای اسلام خواهی ملت را خاموش کند و همه دیدیم که خاینان و سرسپردگان در این مأموریت لحظه ای درنگ نمودند و به نام آزادی از کشته های این ملت پشته ها ساختند و در و دیوار کشور ما را از فیضیه گرفته تا دانشگاه و از دانشگاه تا کوچه و بازار و خیابان و از خیابان تا مسجد و محراب، به خون عزیزان و جوانان تکبیرگوی پیرو خدا و رسول خدا ۹۱ رنگین کردند. (۲)

پانزده خرداد در عین حالی که مصیبت بود، لکن مبارک بود برای ملت که منتهی شد به یک امر بزرگی و آن استقلال کشور و آزادی برای همه مملکت بود. (۳) بزرگداشت روز حماسه آفرین پانزده خرداد، بزرگداشت ارزش های انسانی در طول تاریخ است. (۴)

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای نیز درباره تأثیر قیام پانزده خرداد در پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ می فرماید:

پانزده خرداد یک شعله ای بود که اگر چه دیر نپایید، اما آتش گیره های واقعی

۱- صحیفه نور، ج ۹، ص ۶۵.

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۶.

۳- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۵۴.

۴- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۶۴.

و ماندگار را روشن کرد. همان طوری که وقتی چند تا هیزم حسابی را می خواهند آتش بزنند، یک شعله مفصلی باید درست بکنند تا (هیزم ها آتش) بگیرند. وقتی گرفت، از فاصله صد متری هم گرم می کند و از دور دیده می شود. اما این شعله نمی ماند، یک مقدار که گذشت این شعله فرو می نشیند. آدم های ظاهر بین خیال می کنند تمام شد، اما آدم های واقع بین می فهمند که آتش شروع شده است؛ زیرا آن هیزم های پر حجم، تازه روشن شده است. آن ها شعله ندارد، اما آتش ماندگار است. پانزده خرداد هم این طور بود. آتش خرداد دو روزه نشست، اما آن هیزم های اصلی انقلاب (آتش) گرفت؛ حرکت های زیرزمینی شروع شد؛ اندیشه حرکت مسلحانه در میان انقلابیون راه یافت. روحانیونی که تا قبل از مبارزات ۴۱، اصلاً به فکر مبارزه نبودند و بعد از آن هم مبارزاتشان جنبه شعاری و منبری و سخنرانی داشت، به فکر تشکّل افتادند. اولین تشکیلات انقلابی یک عده روحانی، بعد از پانزده خرداد تشکیل شد که اساس آن یازده نفر بود که جز و آن یازده نفر (آقایان) منتظری، ربانی شیرازی، بنده، هاشمی، مصباح، آقای قدوسی، آذری، قمی و امینی نجف آبادی بود. (۱)

آقای سید محمد خاتمی، رییس جمهور نیز در تحلیل ماهیت نهضت اسلامی پانزده خرداد، آن را قیامی مترقی می داند که ویژگی های اساسی داشته است. به نظر ایشان، انقلاب ایران که از پانزده خرداد آغاز شد، براساس همان خواسته های مردم در پانزده خرداد ادامه یافت و سرانجام به پیروزی رسید. در این جا به مطالبی از سخنان ایشان در این باره اشاره می کنیم:

ماهیت نهضت پانزده خرداد را می توان از زاویه ارتجاعی یا مترقی بودن نهضت اسلامی بررسی کرد. متأسفانه، امروزه مطالبی اظهار می شود که به گونه ای

تأیید کننده (گفته های رژیم در) آن سال هاست. در همان زمان، (رژیم) روی ارتجاعی بودن حرکت انقلابی تکیه داشت و در مقابل حرکت انقلابی، به اصطلاح انقلاب خود را سفید می نامید و به تمام حرکت های دیگر عنوان ارتجاع و واپس گرا می داد. از طرف دیگر، حکومت های غربی که صاحبان اصلی منافع در ایران و پیشنهاد دهنده اصلاحات بودند، عقیده داشتند که حرکت انقلابی پانزده خرداد یک حرکت ارتجاعی است.

راه این است که تاریخ را منصفانه بررسی کنیم... در آن سال امام با بیداری و هوشیاری و نیز با تکیه بر اصالت اسلام و نیروی مردم توانستند انقلاب را آغاز (کنند) و پس از آن، با گذراندن انقلاب از سنگلاخ های بسیار سخت، انقلاب را به پیروزی برسانند. یکی از رازهای موفقیت امام، مردمی نگهداشتن این انقلاب بود. مگر کسی برنامه پانزده خرداد را برنامه ریزی کرده بود که مردم را به خیابان ها بکشاند تا آن ها به نفع امام جانبازی کنند. پیوند تاریخی بین مردم و مرجع و دین و نقش معنوی او سبب شد تا مردم حرکت کنند. امام از همان روز مخاطب خود را مردم قرار دادند، نه جریان های سیاسی و گروه های چریکی. انقلاب دارای این دو جنبه؛ یعنی مردمی و دینی بوده است. (۱)

پس از دستگیری امام و حادثه خونین پانزده خرداد، علما و مراجع کشور در محکومیت جنایت های رژیم و پشتیبانی از حماسه ملت و رهبری، اعلامیه هایی صادر کردند که به اختصار به چند مورد اشاره می کنیم:

در اطلاعیه آیت الله العظمی گلپایگانی رحمه الله چنین آمده بود:

بازداشت حضرت آیت الله آقای خمینی... و سایر علما و مبلغین، بازداشت ملت شیعه و اهانت به مذهب و دین اسلام است. حقیر انزجار شدید خود را از این توهینات اظهار و اعلام می دارم مراجع شیعه در مورد مخالفت مقررات اخیر، با

احکام شرعیه اتفاق رأی داشته و دارند و ان شاء الله تعالی با تشریک مساعی و هم قدمی و اتحاد کلمه، مقاصد مشروع خود را تعقیب خواهند نمود. (۱)

هم چنین آیت الله العظمی میلانی، در اطلاعیه خویش چنین آورده بود:

بازداشت آیات و حجج و مبلغین و اساتید دانشگاه و سایر اشخاص محترم با ایمان در ایام عزاداری حسینی علیه السلام به جرم اظهار حق و امر به معروف و نهی از منکر بسیار موجب تأثر است. ای کاش! اولیای امور از واقعه کربلا عبرت گرفته و دست به چنین عملی نمی زدند. گرچه با این پیشامد، عظمت دین و آیین جلوه گر شد و مردم دنیا فهمیدند آزادی در این مملکت نیست و اختناق مردم به جایی رسیده است که بزرگان کشور و رجال مذهب که از خود گذشته اند تا جلوگیری از مفسد اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی نمایند و مردم را از بدبختی نجات دهند، دستگیر و زندانی می شوند. بس جای شگفت است که علما و دانشمندان در سایر ممالک حایز اهمیت و احترام باشند و در ایران گوشه زندان به سر برند. بر همه مسلمانان لازم است به وظیفه ارادتمندی عمل نمایند و پشتیبانی کنند و هماهنگی خود را اظهار بدارند تا با تأیید خداوندی، قرآن و دین و آیین از مخاطرات مصون گردد. گویا اولیای امور می خواهند این مملکت جعفری را به خاک و خون کشیده، با کشتن جوانان غیور با ایمان، کشور را به دست دشمنان اسلام و قرآن بسپارند. امید است به یمن حمایت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، از این گرفتاری مستخلص گردید. (۲)

شادروان شیخ محمود شلتوت رئیس دانشگاه الازهر مصر نیز اطلاعیه ای به این مضمون صادر کرد:

مسلمانان! ما در آستانه دوره ای به سر می بریم که در آن، برخی از مردم را زرق

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۴۶.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۴۷.

و برق های تمدن و لذت ها و تجملات زندگی سرگرم و از دین غافل گردانیده است. در این دوره، جریان های تبلیغاتی شوم و تجاوزاتی آشکار رخ می دهد که قربانیانش علمای اسلام در ایرانند. آن رادمردانی که برای راه خدا و از دینش پاسداری می نمایند و جرمی جز این ندارند که تعلیمات الهی را باز می گویند.

مسلمانان! اقدام به نجات مظلوم کاری است که اسلام واجب گردانیده است. علمای اسلام و روحانیون ایرانی بارها مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند و بارها زندانی شده اند. مسلمانان! دست تجاوز به روی علمای دین و روحانیون دراز کردن، جنایتی در حق اخلاق است و داغ ننگی بر پیشانی ملت و بر چهره بشریت. هان به شما مسلمانان هشدار می دهم، به مسلمانان همه کشورها، این تجاوز و دست درازی بی شرمانه را به سادگی نگاه نکنید و با تمام نیرو برای نجات علمای ایران از چنگال دژخیمان دیکتاتور ایران مبارزه کنید و به ستم کاران تکیه نکنید که آتش دوزخ گریبانتان را خواهد گرفت. (۱)

۱- متن کامل اعلامیه در صص ۵۳۳ تا ۵۳۵ کتاب بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله آمده است.

فصل دهم: برگزیده ادب فارسی

اشاره

فصل دهم: برگزیده ادب فارسی

زیر فصل ها

الف) اشعار

ب) متن ادبی

الف) اشعار

اشاره

الف) اشعار

شعر زیر، بازگو کننده ستم های رژیم شاه در واقعه ۱۵ خرداد است و دوران استبداد و خفقان شاهنشاهی را به تصویر می کشد. محمد حسین بهجتی این شعر را پس از آن واقعه خونین سروده است: (۱)

خون هایی که می جوشد!

افق امروز چرا سرخ تر است؟

سینه اش خونین است؟

می خراشد رخ و خون می ریزد؟

یا رب این منظره چیست؟

دیگر این ملک سیه، ایران نیست،

محبسی ویران است

وین سیه سقف سپهر

سقف بشکسته این زندان است.

ملتی پای به زنجیر و اسیر

اندر آن می نالد.

۱- علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام، ج ۴، ص ۹۰.

این افق غمی است که بینی از دور

گرد این حبس حصارى است بلند

که زخون شهدا

جابه جا قرمز و خون آلود است

وه که این صحنه چه درد اندود است

دیگر این ایران نیست

کوره ای سوزان است

که در این کوره شب و روز هزاران مظلوم

بی گنه می سوزند

بام این کوره و دیوار و درش

شده چون قیر، سیاه

بس که آه

از دل سوخته بر می خیزد.

این یکی درّه پر فریاد است

مرکز بیداد است

یا که کشتار گهی خون بار است

که در آن نسل جوان قربانی است

نه... بیخشید مرا

که در این کشور ما، آزادی است!

همه جا آبادی است!

می زند موج به بام و در و دیوارش، عدل!

این شرف او را بس!

دیگر آزادی از این بالاتر؟!

که شود آن همه استاد اسیر؟!

یا شود رهبر آگاه و دلیر

گاه زندانی و گاهی تبعید

نازم آزادی را

که کند حکم به اعدام گروهی دین دار!

کار از این بهتر چیست؟!

این عدالت نبود؟!

که این همه مردم بی اسلحه را در یک روز!

به مسلسل بندند؟!

این تمدن نبود؟!

که هزاران نفر از دست ستم بی تقصیر

همه در خون غلتند؟!

الحق انصاف این است!

قابل تحسین است!

افق امروز ملال انگیز است.

می خراشد رخ و خون می ریزد

در غم پانزده خرداد است.

تا ابد ننگ از این حادثه بر می خیزد

نرود هیچ زیاد

خون زند جوش هنوز

در تن پاک شهیدان غیور

خون آن مردم آزاده نیافتد از جوش

آری، این شعله نگردد خاموش

هرگز آرام نگیرد این موج

تا ز بن برنکند ریشه بیداد سیاه

به امید آن روز!

شعر زیر سروده محمد رضا حکیمی است که با الهام از سخنان تاریخی امام خمینی رحمه الله در عاشورای ۴۲ و قیام خونین ۱۵ خرداد به نظم درآمده است: (۱)

عاشورا آفرین قرن

خون شفق، دوباره سر از بی کران کشید

گردون، لوای خون، به فراز زمان کشید

شد منفجر ز سینه آفاق، خون حق

وز رمز انقلاب، خط ارغوان کشید

خونین نگاره گشت افق تا افق ز خون

رنگ شفق، صلاهی جهاد آوران کشید

روح زمانه خسته از سستی و سکوت

ناگه زدل، خروش چو کوه گران کشید

افسرده بود همت مردان حق و باز
مردانه همتی، همه را در میان کشید
این گله را که گرگ زهر سو ر بوده بود
در خط احتفاظ، خروش شبان کشید
آن آتش نهفته به چندین هزار نسل
زد باز پس شراره و تا آسمان کشید
دین خدا، دوباره بر سر لوحه زمان
خود را به دوش همت آن قهرمان کشید
پور علی، که بر سر این خیبری دوان
بس نعره های حق طلب جان ستان کشید
فرزند پاک موسی جعفر کزین نسب
پا از شرف به فرقگه فرقدان کشید
آن کو که خود نمونه آن حشمت است و بس
کاین بار مکرمت خود از آن دودمان کشید
ای پیشوای شیعه که تاریخ ما ز تو
از افتخار پا به سر کهکشان کشید
قم را شکوه نهضت تو در همه جهان
اندر شمار مکتب آزادگان کشید
قم جای درس بود و سکوتی خمودگون

و نیک حماسه اش ز تو تا هر کران کشید

ای پیشوای خلق که تاریخ انقلاب

نقش تو را به طاق بلند زمان کشید

خورشیدسان، خروش تو، از مرز خاوران

تا دورتر کرانه غرب جهان کشید

ای قرن ها حماسه و ای سال ها خروش

ای کز تو انقلاب سوی جاودان کشید

نام تو زنده است که خود دست روزگار

نام تو را چو خور، بر سر خاوران کشید

اسلام زنده گشت ز شور قیام تو

فریادها به راه تو نسل جوان کشید

ای کاوه مقدس بیدادگر، کنون

دست تو پرده از رخ ضحاکیان کشید

هم دین و هم وطن، همه را برد اجنبی

زان، پیشوا غریو چون شیر زیان کشید

قرآن به حيله نشر نمود این محیل و باز

بس تیغ و تیر بر رخ قرآنیان کشید

پس آن همه به نیمه خرداد از چه کشت؟

پس انتقام از چه ز روحانیان کشید؟

پس از چه کرد مدرس قرآنی به قم خراب؟

پس از چه دست از همه احکام آن کشید؟

نواب را كه كشت به جز اين پليد شوم؟

كى با يهود كار به عقد نهان كشيد؟

آن مؤمنان پاک و رامین کجا شدند؟

آنان که دین زمامتشان الامان کشید

این خاینان چو دین و وطن را فروختند

زین ره، خمینی از دل و از جان فغان کشید

چونان حسین، در پی یاری حق و عدل

جان را به کف نهاد و به میدان عنان کشید

هر دوره ای، ز آل علی، مشعلی به پاست

این شعله، جاودانه بماند که از خداست

شعر زیر که باید آن را «مرثیه خرداد» نامید، سروده سید محمد حسین امامی است و به مناسبت سالروز قیام ۱۵ خرداد سروده شده است: (۱)

خرداد پیروزی

صدای زنده در گوران، هنوز از نیمه خرداد می آید

که در خرداد پیروزی از آن ها یاد می آید

هنوز از غرفه در خونان، پیامی می رسد خونین

هنوز از خاک آن پاکان، فغان و داد می آید

همان هایی که در آخر به کام مرگ می گفتند

که ما را رهبری با عزم چون پولاد می آید

ز قبر جمعی آن‌ها نوای ناله مانندی
پیامی آشنا با جان از آن فریاد می‌آید
زخون پاک آن‌ها شد، طلوع صبح آزادی
روان خفته در خون‌ها از این پس شاد می‌آید
اگر آزادگان آن‌جا، به خون خویش غلتیدند
جهان از چنگ خون‌خواران، دگر آزاد می‌آید
هنوز از دامن صحرا نسیمی بوی خون دارد
ندای خفته در خون‌ها گهی با باد می‌آید
پیام آن جوان مردان که هر یک مژده می‌دادند
که بعد از مردن ما رهنمای راد می‌آید
هنوز از باقر آبادی که میقات ورامین بود
صفیر تیر خون‌خواران، به بنیاد می‌آید
شریک خون‌مظلومان بود آن ناجوان مردی
که بر اندیشه رهبر از او ایراد می‌آید
هنوز از نای مزدوران، ندای شوم خون‌خواران
امان از آن جنایت‌ها که از موساد می‌آید
بود در جان من آتش که دودی رنگ خون دارد
من از این شعله می‌سوزم که از بیداد می‌آید
هنوز از حومه تهران، نوای ناله جمعی

زخون در خفتگانِ نیمه خرداد می آید

بنای ظلم دژخیمان به این زودی فرو ریزد

به خون و آه مظلومان خراب آباد می آید

هنوز از مدفن پاکان پیامی این چنین آید

تمام این جنایت ها زنگ آخر مرداد می آید

(ب) متن ادبی

(ب) متن ادبی

نفس گرم امام، شعله های خشم مردم را علیه شاه و رژیم استبدادی او فروزان تر می کند. شاه برای پیاده کردن رفرم امریکایی انقلاب سفید در ششم بهمن ۱۳۴۱ دست به کار شد. قم و دیگر شهرهای ایران به پا خاستند و به رهبری امام خمینی رحمه الله، قلب استبداد و استعمار را نشانه گرفتند.

بامداد روز سه شنبه، دوم بهمن ماه ۴۱ شمسی، اعلامیه امام بزرگوار در تحریم فراندوم قلبی شاه، در سراسر ایران پخش گردید و اولین ضربه سهمگین را بر پیکر پوسیده استبداد وارد ساخت. علما و روحانیان و فعالان سیاسی دستگیر و روانه زندان شدند. شاه، چماق داران و چاقو کشان خویش را روانه دانشگاه ها و خیابان ها می کند و آن گاه سرسراهای دانشگاه ها و سطح خیابان ها و کوچه ها به خون مردمان پاک آغشته می شود. با اعلان حکومت نظامی، سایه شوم وحشت بر تهران سایه گستراند. هرگونه اجتماعی ممنوع می شود و جاسوسان و سرسپردگان رژیم فعال تر می شوند.

چهارم بهمن ۴۱ شمسی، شهر مقدس قم به پادگان نظامی تبدیل می شود. شاه در میان کماندوها و سربازان گارد ویژه، وارد قم می شود، ولی موضع گیری قهرآمیز مردم و روحانیان، پتک محکمی بر سر فرعون زمان فرود می آورد و مردم در یک رستاخیز عمومی با لیبک به خمینی کبیر، به اربابان زور و استبداد

جواب «نه» می دهند.

چون صندوق های رأی از پیش پر شده بودند، نتیجه رفراندوم نیز مشخص بود. کندی، رئیس جمهور امریکا به شاه تبریک می گوید و شوروی آن حرکت را می ستاید. روزنامه ها از «تفکیک دین و سیاست» سخن می گویند و می نویسند پیشوای اسلامی حق ندارد در سیاست دخالت کند؛ یعنی حق ندارد خیانت های شاه را به دهقان ایرانی بازگو کند و سیاست های خاینانه او مانند قانون کاپیتولاسیون در ایران، را که با رهنمود اسرائیل و امریکا اجرا می شود، افشا سازد.

شاه تصمیم می گیرد هرگونه صدای آزادی خواهی را خاموش سازد و اجازه ندهد که جز صدای مجریان انقلاب سفید و آوای خواب آور حنجره های شوم استعمار، هیچ بانگ دیگری به گوش مردم برسد. بدین گونه بود که فاجعه خونین فیضیه در دوم فروردین ماه ۴۲ در سالروز شهادت امام صادق علیه السلام به دست خون آشامان طرح ریزی و اجرا می شود.

با همه این ها، در پی رهبری های حکیمانه امام خمینی رحمه الله، توطئه های استعماری شاه شکسته شد. آن گاه امام با سخنان آتشین خود در عصر عاشورای سال ۴۲ ه. ش، به رسالت تاریخی خود علیه ستم گری های رژیم سلطنتی شاه عمل کرد و آشکارا تمام بدبختی های ایران را برآمده از سیاست های ضد دینی شاه دانست.

ساعت ۳ بعد از نیمه شب ۱۵ خرداد است. کامیون های نظامی رژیم به همراه کماندوها و چتربازان و سربازان گارد ویژه وارد شهر می شوند و رهبر قیام را از قم بیرون می برند.

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ إِذَا وَقَبَ (فلق: ۱ - ۳)

چه صبح غم باری و چه آغاز پرتپش و وحشتناکی!

با طلوع خورشید، خبر دستگیری امام در سراسر ایران پخش می شود. عصیان توده ها، لعن و نفرین به رژیم، اشک و ناله و آه و خروش زنان و مردان در آسمان طنین می افکند و غرش توپ و تانک و مسلسل و پرواز هواپیماهای نظامی فضای دهشت آوری را ایجاد می کند. آن گاه اجساد آغشته به خون شیرمردان و شیرزنان و کودکان، در کوچه ها و خیابان های شهر، در میان آتش و دود به خاک می افتند.

خورشید غروب می کند و شب فرا می رسد، ولی شبی که هیچ چشمی برهم نمی آید، بلکه بیدارتر و هوشیارتر از همیشه تا صبح پیروزی در انتظار می ماند؛ که: «الیس الصبح بقرب»^(۱)

۱- ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، صص ۱۱ - ۱۳. بخشی از: مقاله احمد حسین انزایی، با گزینش، صص ۱۱ - ۱۳.

فصل یازدهم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل یازدهم: همراه با برنامه سازان

بی شک، قیام پانزده خرداد، قیامی تأثیرگذار در تاریخ سیاسی ایران و جهان اسلام بود که با ماهیت اسلامی و مردمی شکل گرفت و راه گشای پایه ریزی بزرگ ترین حکومت اسلامی در قرن حاضر شد. این حرکت گسترده ضداستبدادی و ضداستعماری که معادلات سیاسی جهانی را به هم زد، زمینه ها و الگوهای بسیاری برای ساخت برنامه های گوناگون رادیویی و تلویزیونی دارد که لازم است برنامه سازان محترم در این زمینه، به موارد زیر توجه کنند.

پیشنادهای کلی

پیشنادهای کلی

۱. با توجه به الهام پذیری قیام پانزده خرداد از عاشورای حسینی، در روشن شدن اهداف و ویژگی های این قیام، به نقش عاشورا و مذهب در به حرکت درآوردن توده های مسلمان تأکید بیش تری شود و اهداف قیام در همان مسیر و اندیشه عاشورایی تبیین شود.

۲. قیام اسلامی پانزده خرداد با شرکت همه گروه های مردمی شکل گرفت. بنابراین، در بررسی نقش احزاب و گروه های سیاسی، واقع بینانه، به این امر پرداخته شود. سپس آن گروه های سیاسی که رفته رفته از روند قیام فاصله گرفتند، معرفی شوند تا ماهیت اصلی قیام آشکارتر شود. هم چنین مردمی و دینی نبودن برخی از احزاب و گروه های سیاسی که از قیام مردمی جدا شدند، مشخص گردد.

۳. در بررسی نقش روشن فکران، رویکرد روشن فکران مذهبی که هیچ گونه وابستگی داخلی و خارجی نداشتند، مانند دکتر علی شریعتی، مشخص تر نشان داده

شود.

۴. بسیاری از مردم به ویژه نسل جوان با قیام پانزده خرداد و رویدادهای پیش از آن به طور کامل آشنا نیستند. از این رو، برنامه سازی در این زمینه هر چه بهتر و بیش تر ضروری می نماید.

۵. قیام پانزده خرداد، دگرگونی های مهمی را در اندیشه سیاسی و اجتماعی حوزه و دانشگاه پدید آورد و ادبیات سیاسی کشور را وارد مرحله تازه ای کرد. لازم است این ویژگی اساسی قیام، به دقت تحلیل شود.

۶. سخنرانی تاریخی امام خمینی رحمه الله در عصر عاشورای سال ۱۳۴۲ ه. ش، در حقیقت، مرام نامه حرکت اسلامی _ مردمی پانزده خرداد بود. بنابراین، زوایای گوناگون این سخنرانی، با توجه به فضای خفقان آن روز، بیش تر مورد بررسی قرار گیرد.

۷. نقش زنان و حضور حماسی آن ها در جریان مبارزات مردم برجسته تر نشان داده شود.

الگوهای برنامه سازی

الگوهای برنامه سازی

۱. از فعالان و مبارزان سیاسی آن روز که از گروه های مختلف مردمی مانند: بازاریان، دانشگاهیان، روحانیان، کارگران و... هستند، دعوت شود تا در برنامه های زنده تلویزیونی به بیان خاطره ها و تحلیل اوضاع آن زمان پردازند.

۲. فیلم یا نوار سخنرانی امام خمینی رحمه الله در عصر عاشورای آن سال در مناسبت های گوناگون مربوط به قیام اسلامی مردم ایران پخش گردد.

۳. درباره حمله وحشیانه رژیم به مدرسه فیضیه و دانشگاه فیلم هایی ساخته شود.

۴. در سالروز قیام ۱۵ خرداد در تمام شهرها، مکان‌هایی که در جریان قیام خونین پانزده خرداد مسیر راه پیمایی مردم بوده است، پارچه‌ها و پلاکاردهایی نصب شود. هم‌چنین در مکان‌هایی که کشتار خونین مبارزان مسلمان به دست مزدوران رژیم صورت گرفته است، نمایشگاه عکس، فیلم و کتاب برپا گردد و از صدا و سیما به طور گسترده پخش شود.

۵. از استادان حوزه و دانشگاه و نظریه پردازان سیاسی دعوت شود تا با شرکت در میزگردها و بحث‌های آزاد به بیان دیدگاه‌هایشان درباره موضوع‌های مختلف در زمینه قیام پانزده خرداد بپردازند. موضوع‌های مورد بحث می‌تواند موارد زیر باشد: آسیب‌شناسی قیام پانزده خرداد؛ تأثیرگذاری قیام پانزده خرداد در معادلات سیاسی منطقه؛ نقش احزاب و گروه‌های سیاسی؛ پی‌آمدهای قیام پانزده خرداد و واکنش‌های بین‌المللی.

۶. فیلم‌ها و عکس‌هایی که در جریان قیام پانزده خرداد از سوی سازمان‌های اطلاعاتی یا خبرنگاران و... گرفته شده است، جمع‌آوری و در ساخت فیلم‌ها و برنامه‌های گوناگون، از آن‌ها بهره‌برداری شود.

۷. از کفن پوشان ورامین و دیگر حرکت‌های خودجوش مردمی فیلم مستند یا اگر مضمون‌های داستانی دارند، فیلم‌های سینمایی تهیه شود.

پرسش‌های مسابقه ای

پرسش‌های مسابقه ای

۱. برنامه‌های امریکا برای دگرگونی ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران با چه عنوانی در ایران به اجرا در آمد؟ انقلاب سفید

۲. شاه برای جلب حمایت روحانیان در اجرای رفراندوم فرمایشی در چه تاریخی به قم سفر کرد؟ در ۴ بهمن ۱۳۴۱
۳. اصول ششگانه انقلاب سفید در چه تاریخی به رفراندوم یا تصویب ملی گذاشته شد؟ ۶ بهمن ۱۳۴۱
۴. در اعتراض به عملکرد ضد اسلامی شاه، عید نوروز کدام سال از سوی امام خمینی رحمه اللهبه عنوان عزای عمومی اعلام شد؟ سال ۱۳۴۲
۵. قیام خونین پانزده خرداد با کدام رویداد مهم تاریخ اسلام مصادف بود؟ ایام محرم حسینی
۶. قیام خونین پانزده خرداد چندمین روز ماه محرم سال ۸۳ ه. ق بود؟ ۱۲ محرم
۷. سخنرانی تاریخی امام رحمه الله پیش از پانزده خرداد در کجا و در چه روزی هم زمان انجام شد؟ مدرسه فیضیه _ عصر عاشورای ۸۳ ه. ق؛ (۲ روز پیش از قیام ۱۵ خرداد)
۸. عامل اصلی شکل گیری قیام خونین پانزده خرداد چه بود؟ دستگیری امام خمینی رحمه الله
۹. ساواک و مأموران نظامی رژیم در چه تاریخی امام خمینی رحمه الله را دستگیر کردند؟ نیمه شب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲
۱۰. امام خمینی رحمه الله کدام رویداد مهم تاریخ انقلاب را «مبدأ تاریخ انقلاب» نامید؟ ۱۵ خرداد ۱۳۴۲.
۱۱. مهم ترین دستاورد قیام پانزده خرداد کدام است؟ پایه ریزی حکومت اسلامی در سال ۱۳۵۷.
۱۲. اساسی ترین محور حرکت مردم در قیام پانزده خرداد و رویدادهای پس از آن چه بود؟ باورهای اسلامی شیعی مردم

۱۳. قیام پانزده خرداد از مشارکت چه گروه هایی شکل گرفت؟ همه گروه های مردمی

۱۴. در قیام پانزده خرداد، روحانیت در حرکت مردم چه نقشی داشتند؟ رهبری قیام را بر عهده داشتند

۱۵. یکی از عملکردهای ضد دینی رژیم که در آن، قید «اسلام» و «سوگند به قرآن مجید» از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف شده بود، کدام است؟ تصویب لایحه «انجمن های ایالتی و ولایتی»

۱۶. قیام پانزده خرداد در زمان نخست وزیری چه کسی رخ داد؟ اسد الله علم

۱۷. در هنگام اجرای برنامه های امریکا در ایران با عنوان انقلاب سفید، شوروی خواهان چه نوع انقلابی در ایران بود؟ انقلاب سرخ

۱۸. آمار تقریبی شهدای قیام خونین پانزده خرداد چه میزان است؟ نزدیک به ۱۵ هزار نفر

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. آیا می دانید در پانزده خرداد چه رویداد مهمی در تاریخ کشورمان رخ داده است؟

۲. به نظر شما علت قیام مردم در پانزده خرداد سال ۴۲ چه چیزهایی بود؟

۳. هدف مردم مسلمان در پانزده خرداد چه بود؟

۴. آیا می دانید شعار «مرگ بر شاه» برای نخستین بار در تاریخ مبارزات انقلاب اسلامی در چه روزی در میان مردم طنین انداز شد؟

۵. به نظر شما هدف از انقلاب سفید شاه چه بود؟

۶. واکنش ابرقدرت ها در برابر قیام مردم مسلمان ایران در سال ۴۲ چه بود؟

۷. به نظر شما بزرگ ترین و مهم ترین ویژگی قیام پانزده خرداد چه بود؟

۸. امام خمینی رحمه الله قیام خونین پانزده خرداد سال ۴۲ را به چه عنوانی نام گذاری کرد؟
۹. مردم چه شعارهایی را در جریان قیام پانزده خرداد سر دادند؟
۱۰. عوامل رژیم شاه، امام خمینی رحمه الله را در نیمه شب پانزده خرداد چگونه دستگیر کردند؟
۱۱. به نظر شما نقش عاشورا در مبارزات انقلابی مردم ایران به ویژه در نهضت پانزده خرداد چه می تواند باشد؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. به نظر شما ریشه های قیام پانزده خرداد را در کجا باید جست و جو کرد؟
۲. درباره علت ها و زمینه های قیام سال ۱۳۴۲ توضیح دهید؟
۳. با این که کشورهای بلوک شرق و غرب در عرصه جهانی، سیاست های متفاوتی را دنبال می کردند، چرا هم صدا و هماهنگی، با قیام اسلامی پانزده خرداد به مخالفت پرداختند؟
۴. برخی وانمود می کنند که نهضت پانزده خرداد ادامه مبارزات ملی _ مذهبی سال های پیش بود، در این باره توضیح دهید؟ این گونه تحلیل ها با چه اهدافی مطرح می شود؟
۵. تفاوت اساسی این قیام با نهضت های پیشین را چگونه ارزیابی می کنید؟
۶. قیام پانزده خرداد چه تأثیری بر ادبیات سیاسی کشور گذاشت و تأثیر این حرکت در حوزه های روشن فکری و ملی چگونه بود؟
۷. وضع حوزه های علمیه و دانشگاه ها پیش از قیام چگونه بود و دگرگونی هایی که پس از پانزده خرداد در حوزه و دانشگاه به وجود آمد، چه بود و چه پیآمدهایی داشت؟

۸. آسیب های مربوط به قیام پانزده خرداد چه بود و چرا این قیام با آن همه گستردگی، نتیجه زودرسی نداشت؟
۹. عده ای پانزده خرداد را یک شکست به شمار می آورند. به نظر شما علت این پندار چه می تواند باشد؟
۱۰. قیام سال ۱۳۴۲ چه دست آوردهایی به ارمغان آورد و تأثیر کلی این قیام در فضای سیاسی حاکم بر کشور چه بود؟
۱۱. قیام پانزده خرداد را چه گروه هایی به وجود آوردند و نقش احزاب و گروه های سیاسی موجود در کشور چگونه بود؟
۱۲. از میان گروه ها و احزاب سیاسی موجود در کشور، نقش نهضت آزادی با دیگر گروه های ملی و روشن فکری متفاوت بود. در این باره بیش تر توضیح بدهید و بفرمایید چرا با نزدیک شدن به پیروزی انقلاب و پس از آن، فاصله این حزب از نهضت بیش تر شد؟
۱۳. چه عواملی سبب شد در قیام سال ۱۳۴۲، روحانیت رهبری نهضت را به دست گیرد و رهبران ملی و چپ گرا نتوانند نقش مؤثری داشته باشند؟
۱۴. رویکردهای جامعه روشن فکری در قبال نهضت چگونه بود؟
۱۵. رابطه رژیم استبدادی شاه با رژیم اشغالگر قدس در زمان رژیم شاه چگونه بود؟ این گونه رابطه ها بر مخالفت های مردم با حکومت پهلوی چه تأثیری داشت؟

معرفی کتاب

معرفی کتاب

۱. انجمن اسلامی دانشجویان امریکا، روحانیت و پانزده خرداد، تهران، ۱۳۴۹.
۲. باقری، علی. خاطرات ۱۵ خرداد در چندین دفتر.
۳. پهلوی، محمد رضا. سخنان شاه.
۴. دهنوی. قیام خونین ۱۵ خرداد، نشر رسا، تهران، ۱۳۶۰.
۵. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. قیام خونین ۱۵ خرداد، تهران.
۶. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. یک صدسال مبارزه روحانیت مترقی (۲ جلد)، ۱۳۵۸.
۷. فاروقی، احمد و لوروریه ژان. ایران بر ضد شاه، برگردان: مهدی نراقی، ۱۳۵۸.
۸. یزدی، ابراهیم. با یاد پانزده خرداد، نشر وحید، باختران.
۹. برنامه کامل جشن های ۲۵۰۰ ساله.
۱۰. انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی.

مجله ها

مجله ها

۱. سروش، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شماره های ۱۴۷ و ۱۹۴.
۲. پاسدار انقلاب، شماره های ۱۴، ۵۴، ۷۸.

۱. آل احمد، جلال، در خدمت و خیانت روشن فکران، چاپ سوم، انتشارات رواق، تهران.
۲. ایمانی، محمد، مؤلفه های تاریخی مدنیت ولایی در ایران، تهران، کیهان، ۱۳۷۹.
۳. باقری علی، خاطرات ۱۵ خرداد، حوزه های هنری تبلیغات اسلامی، دفتر اول، دوم، هفتم و هشتم، ۱۳۷۸.
۴. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۵، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۵. حزب توده ایران، اسناد و دیدگاه ها، (حزب توده ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب ۵۷)، چاپ اول، ۱۳۶۰.
۶. خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بهمن ۱۳۶۱.
۷. داروینی، محمود، تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، (تبیان دفتر ششم)، چاپ اول، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۹.
۸. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، احزاب سیاسی در ایران (مجموعه اسناد لانه جاسوسی امریکا)، ج ۲، تهران، مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۶۶.
۹. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۴ - ۵، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام.
۱۰. ربانی خلخالی، علی، شهدای روحانیت شیعه در یک صد سال اخیر، ج ۱، چاپ اول، ۱۴۰۲. ه. ق.
۱۱. رجبی، محمد حسن، زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله از آغاز تا هجرت به پاریس، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۱۲. روحانی (زیارتی)، سید حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) چاپ دوم، ۱۳۶۱.

۱۳. کاتوزیان، محمد علی (همایون) و دیگران، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ج ۲، برگردان: محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.
۱۴. کلر بریر و پیر بلانش، ایران: انقلاب به نام خدا، برگردان: قاسم صنوبری.
۱۵. مازندی، یوسف، ایران، ابرقدرت قرن، به کوشش: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۶. مدنی، سید جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۱۷. مدنی، سید جلال الدین، تبلور اسلام در برابر ابرقدرت ها، ۱۳۵۸.
۱۸. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد و مدارک، ج ۱، ۱۳۷۸.
۱۹. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.
۲۰. ملکی، خلیل، خاطرات سیاسی، با مقدمه همایون کاتوزیان، تهران، رواق، ۱۳۶۰.
۲۱. منصوری، جواد، قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، ج ۱، مرکز انتشارات اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
۲۲. موسسه نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، مجموعه مقالات، جلد ۱، کنگره بررسی تأثیر امام خمینی رحمه الله و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر، تهران، ۱۳۷۷.
۲۳. نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، موسسه فرهنگی رسا، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
۲۴. نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه صنعتی شریف، انقلاب پویا (سخنان مقام معظم رهبری در جمع اعضای دبیرخانه همایش آسیب شناسی یک انقلاب ۱۳۷۷/۱۲/۱۵)، ۱۳۷۷.
۲۵. نهضت آزادی، اسناد نهضت آزادی، ج ۱، تهران، ۱۳۶۲.
۲۶. هاشمی، تروجنی و حمید بصیرت منش، تاریخ معاصر ایران از دیدگاه امام خمینی، ستاد بزرگداشت صدمین سال تولد امام خمینی رحمه الله، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

(ب) نشریه ها

۱. روزنامه اطلاعات، سال های ۱۳۴۱ _ ۱۳۴۳.

۲. روزنامه کیهان، سال های ۱۳۴۱ _ ۱۳۴۳.

۳. مجله فصل نامه تاریخی، سیاسی و فرهنگی پانزده خرداد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره ۲۵.

۴. هفته نامه پیام انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شماره های ۳۳ و ۵۷.

۵. هفته نامه سروش، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شماره های ۱۰۰، ۱۴۰ و ۲۴۰.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

